



واکسن و طرح جایگزین

محورهای جلسه:

۱. روش تحقیق "نظریه فقهی ایمنی" چیست؟
۲. نقش اعضاء مختلف بدن در ایجاد سلامت به چه میزان است؟
۳. ساختار اشیاء تقویت کننده ایمنی بدن کدام است؟
۴. در بدن انسان چند نوع الگوی ایمنی وجود دارد؟
۵. چگونه با سایر مصادیق خوف و خطر در زندگی مواجه شویم؟
۶. نظریه فقهی ایمنی را چگونه در جامعه محقق کنیم؟

الْحَمْدُ لِلَّهِ

وَكَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا
اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه

متن پیش‌رو (ویرایش اول) صد و پنجمین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده فوری) است. محتوای این محصول، متن پیاده‌شده گفتگوی حجت‌الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) با موضوع «واکسن و طرح جایگزین» در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی در تاریخ سه‌شنبه ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ در شهر مبارک قم، مسجد مقدس جمکران، پلاک ۳۱۳ برگزار شده است. پیشنهاد می‌شود این جزوه در قطع رحلی به انتشار برسد.

واکسن و طرح جایگزین



فهرست مطالب:

۱. مقدمه: ۱
- ۱/۱ وجود ناکارآمدی‌های فراوان وزارت بهداشت؛ علت برگزاری این جلسه جهت همفکری با دوستان وزارت بهداشت ۱
- ۱/۱/۱ عواقب خطرناک اجرای سیاست کنترل جمعیت؛ یکی از مصادیق ناکارآمدی وزارت بهداشت ۲
- ۱/۱/۲ تراریخته‌شدن اکثر غذای مردم ایران؛ یکی دیگر از مصادیق ناکارآمدی وزارت بهداشت ۲
- ۱/۱/۳ افزایش بیماری‌های قلبی و عروقی؛ یکی دیگر از مصادیق ناکارآمدی وزارت بهداشت ۳
- ۱/۲ تبیین اجمالی سرفصل‌ها و سوالات شش‌گانه مطرح در جلسه ۴
۲. سوال اول: روش تحقیق "نظریه فقهی ایمنی" چیست؟ ۶
- ۲/۱ تکیه بر گزاره‌های مبتنی بر اشراف؛ اولین ویژگی روش تحقیق "نظریه فقهی ایمنی" ۶
- ۲/۱/۱ تکیه بر گزاره‌های حدس‌محور؛ اولین اشکال روش تحقیق موجود ۶
- ۲/۱/۱/۱ به وجود آمدن تالی فاسدهای فراوان در تمدن مدرنیته؛ نتیجه تکیه بر گزاره‌های حدس‌محور ۷
- ۲/۱/۱/۲ تفاوت در روش تحقیق؛ اصلی‌ترین تفاوت طب اسلامی با طب مدرن ۸
- ۲/۲ توجه به وحدت ترکیبی اشیاء؛ دومین ویژگی روش تحقیق "نظریه فقهی ایمنی" ۸
- ۲/۲/۱ حیث‌محور بودن؛ دومین اشکال روش تحقیق موجود ۸
- ۲/۳ امکان استفاده از تجربه؛ یکی دیگر از ویژگی‌های روش تحقیق "نظریه فقهی ایمنی" ۱۰
- ۲/۳/۱ مُکمل‌الدلاله بودن تجربه در تجربه دینی و اصالت‌داشتن تجربه در تجربه پوزیتیویستی؛ تفاوت تجربه دینی با تجربه پوزیتیویستی ۱۰
۳. سوال دوم: نقش اعضاء مختلف بدن در ایجاد سلامت به چه میزان است؟ ۱۱
- ۳/۱ قلب؛ مهم‌ترین عضو موثر بر سلامت از نظر آیات و روایات ۱۲
- ۳/۲ اعضاء موثر بر طبایع چهارگانه؛ دومین سطح از اعضاء موثر بر سلامت از نظر آیات و روایات ۱۴
- ۳/۲/۱ عروق و معده؛ دو عضو از اعضاء موثر بر طبایع چهارگانه ۱۵
- ۳/۳ سایر اعضاء بدن؛ سومین سطح از اعضاء موثر بر سلامت از نظر آیات و روایات ۱۵
۴. سوال سوم: ساختار اشیاء تقویت‌کننده ایمنی بدن کدام است؟ ۱۶
- ۴/۱ بیان خاصیت نهایی اشیاء در نوزده گروه؛ ساختار اشیاء تقویت‌کننده ایمنی بدن ۱۶
- ۴/۱/۱ گروه اشیاء پایه و تاثیر آنها بر سلامت؛ اولین بحث از ساختار اشیاء تقویت‌کننده بدن ۱۷
- ۴/۱/۲ گروه اشیاء ظرف مکان و تاثیر آنها بر سلامت؛ دومین بحث از ساختار اشیاء تقویت‌کننده بدن ۱۸
- ۴/۱/۳ گروه اشیاء ظرف زمان و تاثیر آنها بر سلامت؛ سومین بحث از ساختار اشیاء تقویت‌کننده بدن ۱۹
- ۴/۱/۴ گروه اشیاء مرتبط با آب و تاثیر آنها بر سلامت؛ چهارمین بحث از ساختار اشیاء تقویت‌کننده بدن ۲۰
- ۴/۱/۵ گروه اشیاء مرتبط با آتش و تاثیر آنها بر سلامت؛ پنجمین بحث از ساختار اشیاء تقویت‌کننده بدن ۲۲

- ۴/۱/۶. گروه اشیاء مرتبط با باد و تاثیر آنها بر سلامت؛ ششمین بحث از ساختار اشیاء تقویت کننده بدن ۲۳
- ۴/۱/۷. گروه اشیاء مرتبط با کوه و تاثیر آنها بر سلامت؛ هفتمین بحث از ساختار اشیاء تقویت کننده بدن ۲۳
- ۴/۱/۸. گروه حیوانات و تاثیر آنها بر سلامت؛ هشتمین بحث از ساختار اشیاء تقویت کننده بدن ۲۴
- ۴/۱/۹. گروه پرندگان و تاثیر آنها بر سلامت؛ نهمین بحث از ساختار اشیاء تقویت کننده بدن ۲۴
- ۴/۲. شناخت یا عدم شناخت ساختار اشیاء تقویت کننده ایمنی بدن؛ تاثیرگذار بر انتخاب نوع الگوی ایمنی ۲۵
۵. سوال چهارم: در بدن انسان چند نوع الگوی ایمنی وجود دارد؟ ۲۶
- ۵/۱. تلفیق گزارش های مربوط به اعضاء موثر بر سلامت و گزارش های مربوط به اشیاء تقویت کننده ایمنی؛ روش طراحی الگوهای سه گانه ایمنی ۲۶
- ۵/۱/۱. الگوی ایمنی "قلب"؛ اولین الگوی ایمنی ۲۶
- ۵/۱/۲. الگوی ایمنی "طبایع چهارگانه"؛ دومین الگوی ایمنی ۲۶
- ۵/۱/۳. الگوهای ایمنی "عضویایه"؛ سومین الگوی ایمنی ۲۶
- ۵/۲. نمونه هایی از الگوی ایمنی "طبایع چهارگانه" : ۲۶
- ۵/۲/۱. انار سورانی، خرما نارس پخته، بنفشه و کاسنی؛ نمونه ای از الگوی ایمنی برای تمام طبایع چهارگانه ۲۶
- ۵/۲/۲. خوردن بادمجان؛ نمونه ای از الگوی ایمنی برای طبیعت سوداء ۲۷
- ۵/۲/۳. شانه زدن سر؛ نمونه ای از الگوی ایمنی برای طبیعت بلغم ۲۷
- ۵/۲/۴. خوردن سرکه؛ نمونه ای از الگوی ایمنی برای طبیعت سوداء و صفراء ۲۸
- ۵/۳. نمونه هایی از الگوهای ایمنی "عضویایه" : ۲۸
- ۵/۳/۱. خوردن زردک؛ نمونه ای از الگوی ایمنی برای بیماری قولنج و بواسیر ۲۸
- ۵/۳/۲. گرفتن ناخن و شارب؛ نمونه ای از الگوی ایمنی برای پوست ۲۹
- ۵/۳/۳. شرمه کشیدن هنگام خواب؛ نمونه ای از الگوی ایمنی برای آبریزش چشم ۲۹
- ۵/۳/۴. شستن سر با خطمی؛ نمونه ای از الگوی ایمنی برای سردرد ۳۰
- ۵/۳/۵. حناء بعد از نوره؛ نمونه ای دیگر از الگوی ایمنی برای پوست ۳۰
- ۵/۳/۶. پوشیدن کفش خف؛ نمونه ای از الگوی ایمنی برای بیماری سل ۳۰
- ۵/۴. ایجاد ایمنی با مدل های متنوع اعم از اقدامات خوراکی، بهداشتی و... (بدون نیاز به تزریق)؛ ویژگی الگوهای سه گانه ایمنی ۳۱
۶. سوال پنجم: چگونه با سایر مصادیق خوف و خطر در زندگی مواجه شویم؟ ۳۲
- ۶/۱. مصادیق هفت گانه خوف و خطر در زندگی: ۳۲
- ۶/۱/۱. خطر روابط انسانی سوء؛ اولین مصداق از مصادیق خوف و خطر در زندگی ۳۲
- ۶/۱/۲. خطر تحلیل و علم غلط و کوردلی؛ دومین مصداق از مصادیق خوف و خطر در زندگی ۳۲
- ۶/۱/۳. خطر عاقبت سوء و بدبخت شدن؛ سومین مصداق از مصادیق خوف و خطر در زندگی ۳۲
- ۶/۱/۴. خطر غم و غصه؛ چهارمین مصداق از مصادیق خوف و خطر در زندگی ۳۲

۶/۱/۵. خطر فقر و محرومیت، خطر وحوش و حیوانات موزی و مرگ‌های ناگهانی؛ سه مصداق دیگر از مصادیق خوف و خطر در زندگی ۳۲

۶/۲. اهلیت (علیهم‌السلام)؛ راه‌حل ایمنی از مصادیق هفت‌گانه خوف و خطر در زندگی..... ۳۳

۶/۲/۱. ارائه راه‌حل برای ایمنی از تمام مصادیق خوف و خطر توسط اهلیت (علیهم‌السلام)؛ معنای ایمنی‌بخش بودن اهلیت (علیهم‌السلام) در مقابل مصادیق خوف و خطر..... ۳۳

۶/۲/۲. فهرست کتاب فقهی ایمنی؛ نقطه آغاز تفاهم با مردم دنیا و بهترین راه برای اثبات حقانیت اهلیت (علیهم‌السلام) در سطح جهانی ۳۵

۷. سوال ششم: نظریه فقهی ایمنی را چگونه در جامعه محقق کنیم؟ ۳۶

۷/۱. به‌کارگیری چرخه چهاربخشی تحریک فکر؛ راهکار محقق‌شدن نظریه فقهی ایمنی در جامعه ۳۶

۷/۱/۱. مدیریت خبر، مدیریت تضارب، مدیریت مکتوبات و مدیریت نمونه‌سازی؛ مصادیق چرخه چهاربخشی تحریک فکر..... ۳۶

پیوست‌ها: ۳۸

پیوست شماره ۱: گزارشات سازمان بهداشت جهانی پیرامون عوارض دارویی (ADR)..... ۳۸

پیوست شماره ۲: روایاتی در مورد علم مبتنی بر اشراف اهلیت (علیهم‌السلام)..... ۳۹

پیوست شماره ۳: اجمالی از تاثیر "عرش" و "کُرسی" بر سلامت ۴۲

پیوست شماره ۴: تاثیر غذای "شب" بر سلامت ۴۵

پیوست شماره ۵: تاثیر "ماهی" بر سلامت ۴۷

پیوست شماره ۶: تاثیر "نوره" (ترکیب آهک و زرنیخ) بر سلامت ۵۰

پیوست شماره ۷: تاثیر "نمک" بر سلامت ۵۳

پیوست شماره ۸: روایاتی در مورد تاثیر گرفتن ناخن و شارب در "ایمنی" بدن از بیماری‌ها ۵۶

پیوست شماره ۹: روایاتی در مورد "امان" بودن اهلیت (علیهم‌السلام) برای اهل زمین ۵۸

بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا و شفيعنا في يوم
الجزاء ابي القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين سيما بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى
فرجه الشريف و اللعن الدائم على اعدائه اعداء الله من الآن الى قيام يوم الدين.

خير مقدم عرض می کنم خدمت همه برادران و خواهران گرامی که از راه های دور و نزدیک تشریف آوردند و در این نشست
تخصصی "واکسن و طرح جایگزین" شرکت فرمودند. ان شاء الله خدای متعال این جلسه را ذخیره راه پُر از ابتلای برزخ همه ما قرار
دهد. همانطوری که به استحضار شما رسیده و خبر دارید قرار است امروز یک بحث علمی در مورد مسئله واکسن محضرتان طرح
کنیم. اگر بخواهم دقیق تر بحث کنم موضوع جلسه امروز تبیین «نظریه فقهی ایمنی» است. ان شاء الله بفضل تبارک و تعالی در
شش محور چگونگی ایجاد ایمنی برای بدن را بر اساس گزاره های و حیاتی خدمتتان تشریح می کنیم.

۱. مقدمه:

۱/۱. وجود ناکارآمدی های فراوان وزارت بهداشت؛ علت برگزاری این جلسه جهت همفکری با دوستان وزارت بهداشت
اما قبل از اینکه بحث را آغاز کنم لازم می دانم یک مقدمه ای را خدمت شما طرح کنم و آن عبارت از این است که وضعیت وزارت
بهداشت و درمان جمهوری اسلامی وضعیت مطلوبی نیست. دلایل مختلفی عدم مطلوبیت وزارتخانه حوزه سلامت را برای ما
اثبات می کند.

۱/۱/۱. عواقب خطرناک اجرای سیاست کنترل جمعیت؛ یکی از مصادیق ناکارآمدی وزارت بهداشت

یکی از مسائلی که مسئله کنترل جمعیت است. یعنی الآن همه می‌دانند که پدیده کنترل جمعیت که از زمان برنامه دوم توسعه در ایران پیاده‌سازی شد اکنون به ضرر همه بخش‌های جامعه است؛ بخش امنیت را به خطر انداخته، بخش اقتصاد را به خطر انداخته و اگر نتوانیم مسئله را مدیریت کنیم در آینده وضعیت نامطلوبی برای ملت ایران رقم خواهد خورد.

۱/۱/۲. تراریخته شدن اکثر غذای مردم ایران؛ یکی دیگر از مصادیق ناکارآمدی وزارت بهداشت

یکی دیگر از دلایلی که ما می‌گوییم وزارت بهداشت و سلامت کشور وضعیت خوبی ندارد این است که الان اکثر غذاهای ایران از مواد اولیه تراریخته دارد تهیه می‌شود و مسائل مرتبط با تراریخته لااقل در یک وضعیت مشکوکی است البته ادله زیادی وجود دارد که تراریخته جزئی از بیوتوررسم است. ولی به هر حال در یک نگاه حداقلی می‌توانیم ادعا کنیم که مساله تراریخته یک مسئله مشکوکی است و ما باید در مورد آن احتیاط کنیم.

۱. ارجاع پردازشی: قانون کنترل جمعیت در برنامه دوم توسعه :

بخش سوم از «اهداف کلان کیفی خط مشی‌های اساسی و سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه» با عنوان «سیاست‌های کلی» / بند ۵ با عنوان «جمعیت»:
۵ - جمعیت:

۵-۱ - افزایش سطح آگاهی‌های عمومی افراد جامعه در زمینه مسائل مربوط به جمعیت از طریق:

الف - تأکید بر آموزش آگاهی بانوان در مقاطع سنی بالقوه باروری، در زمینه مزیت‌های کنترل باروری. ب - گسترش سطح آگاهی عمومی افراد جامعه در زمینه زیان‌ها و مشکلات ناشی از رشد بی‌رویه جمعیت از طریق رسانه‌های عمومی به ویژه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران. ج - آموزش مسائل جمعیت در قالب مواد درسی در سطوح متوسطه و دانشگاهی. د - تأمین منابع مالی، تجهیزاتی و نیروی انسانی لازم برای اعمال سیاست جمعیتی مناسب با توجه به نقش تعیین‌کننده عامل رشد جمعیت در توسعه کلی کشور، به نحوی که وصول به هدف رشد جمعیت در برنامه تحقق یابد.

۵-۲ - تنظیم خانواده و رشد جمعیت:

۵-۲-۱ - تأمین و تعمیم گسترده وسایل پیشگیری از بارداری در سطح مناطق جغرافیایی کشور به ویژه روستاها و مناطق محروم.

۵-۲-۲ - کسب دانش و انجام مطالعات جهت استفاده و توسعه روشها و تکنولوژی‌های جدید در امر پیشگیری از بارداری.

۵-۲-۳ - اختصاص بخشی از فعالیت بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و مراکز بهداشتی در سطح کشور به منظور ارائه مستمر خدمات پیشگیری از بارداری.

۵-۲-۴ - لغو کلیه قوانین و مقررات و امتیازهای اقتصادی - اجتماعی، مشوق خانوارهای پرجمعیت.

۵-۲-۵ - پژوهش در مورد مصادیق سیاست‌های فوق از طریق:

الف - انجام پژوهش‌های علمی جهت کسب اطلاع از میزان آگاهی، نگرش، عملکرد و مشکلات خانواده‌ها در زمینه تنظیم خانواده. ب - مطالعه تغییرات میزان رشد جمعیت بر پایه اطلاعات جاری و مطالعات نمونه‌ای. ج - انجام تحقیقات کاربردی جهت یافتن راه‌ها و تکنولوژی مناسب برای افزایش آگاهی، نگرش و عملکرد خانواده‌ها و رفع مشکلات آنها برای دسترسی به وسایل پیشگیری از حاملگی. د - انجام طرح جاری جمعیت و نیروی کار به منظور اطلاع از چگونگی تحولات جمعیت، بازار کار، نیروی فعال و نیروی شاغل کشور در مقاطع ۱۳۷۴-۱۳۷۶ ه. - انجام طرح نمونه‌گیری از وضعیت اقتصاد و اشتغال خانوار به صورت سالانه.

آدرس مطلب: سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران: <https://b2n.ir/46091>

۲. ارجاع پردازشی: معاون کمیسیون درمان مجلس شورای اسلامی از تراریخته بودن بخش عمده "روغنهای خوراکی" موجود در بازار کشورمان خبر داد. به گزارش گروه اجتماعی باشگاه خبرنگاران پویا؛ در حال حاضر با توجه به استحصال بخش عمده‌ای از روغنهای موجود در بازار مصرف کشورمان از سویا و ذرت تراریخته یا همان محصولات دستکاری شده ژنتیکی، این روغنهای مایع یا جامد در واقع روغنهای GMO (دستکاری شده ژنتیکی) محسوب می‌شوند که می‌توانند به شدت برای سلامتی مضر باشند چرا که تا به امروز، عوارض متعددی برای مصرف محصولات تراریخته به اثبات رسیده است.

آدرس مطلب: خبرگزاری تسنیم، ۲۸ آذر ۱۳۹۶

<https://tn.ai/6605133>

۱/۱/۳. افزایش بیماری‌های قلبی و عروقی؛ یکی دیگر از مصادیق ناکارآمدی وزارت بهداشت

یکی دیگر از مسائلی که اثبات می‌کند وضعیت بهداشت و سلامت در جمهوری اسلامی مناسب نیست افزایش بیماری‌های قلبی و عروقی^۳ در جامعه است. در افواه (زبان) مردم اینگونه است که سن سکتته پایین آمده است. به لحاظ آمارها هم هر روز با بیماری‌های قلبی و عروقی بیشتری روبرو هستیم.

دلایل مختلفی وجود دارد، من فقط خواستم اشاره‌ای داشته باشم به اینکه چرا ما امروز جمع شده‌ایم و می‌خواهیم در مورد وضعیت مطلوب در نظام سلامت صحبت کنیم؟ دلیلش یک جمله است. دلیلش این است که دوستان ما در وزارتخانه بهداشت و درمان توانسته‌اند سلامتی‌ای که شایسته ملت ایران است را با تدابیر خودشان برای ما ایجاد کنند. لذا جمعی از عقلاء و متخصصین حوزه طب اسلامی مدت‌هاست تصمیم گرفته‌اند که راه جدیدی را به وزارت بهداشت نشان دهند و در مورد این راه جدید با وزارت بهداشت صحبت کنند؛ شاید وضعیت سلامت ملت ایران بهتر از وضعیت فعلی شود. خدمت شما عرض کردم که چرا وزارت بهداشت و سلامت ما وضعیت ناکارآمدی دارد؛ دلایل آن یک لیست طولانی را به خودش اختصاص می‌دهد ولی من به همین چند نکته اکتفاء می‌کنم و وارد بحث واکسن می‌شوم. و از دوستان تقاضا می‌کنم یک قدری گفتگو با قم را بپذیرند و فقط به دنبال ترجمه تئوری‌های غربی در حوزه سلامت نباشند. ما هم از سازمان‌های بین‌المللی، هم از کشورهای اروپایی و هم از سند توسعه پایدار ۲۰۳۰^۴ خصوصا بخش سوم آن^۵ تا الان ضررهای فراوانی دیده‌ایم. من فکر می‌کنم حالا که این حجم از ناکارآمدی‌ها وجود

۳. **ارجاع پردازشی:** به گزارش خبرگزاری میزان: در سال ۹۶ حدود ۳۸۰ هزار مرگ در کشور گزارش شد که ۳۱۳ هزار مورد آن به دلیل بیماری‌های غیرواگیر بود. از این ۳۱۳ هزار مورد، ۱۶۱ هزار مورد به دلیل بیماری‌های قلبی و عروقی بود و حدود ۹۷ هزار مورد از مرگ و میر مردم ایران مستقیماً به دلیل فشار خون بوده است.

آدرس مطلب: سایت خبرگزاری میزان (سایت رسمی قوه قضائیه) - <https://b2n.ir/250112>

به گزارش ایرنا، دکتر سعید نمکی، وزیر بهداشت در دیدار با محسن حاجی میرزایی، وزیر آموزش و پرورش افزود:

... از ۳۸۰ هزار مورد مرگ و میر سالانه در سالهای اخیر، ۹۷ هزار مورد مربوط به فشارخون بالا بوده است. الان این همه برای کرونا و مرگ و میر بالای کرونا غصه می‌خوریم متوجه نیستیم که سالانه ۱۰۰ هزار نفر به وسیله قاتل خاموشی به نام پرفشاری خون، جان خود را از دست می‌دهند. «می‌گویم هر سه دقیقه یک ایرانی به دلیل کرونا می‌میرد اما هر دو دقیقه یک نفر به دلیل پرفشاری خون، می‌میرد که هیچ وقت هیچ کدام از ما به آن فکر نکرده ایم».

منبع سایت خبرگزاری ایرنا: <https://b2n.ir/875633>

۴. **ارجاع پردازشی:** The Sustainable Development Agenda: ۱۷ Goals for People, for Planet: The Sustainable Development Goals are a universal call to action to end poverty, protect the planet and improve the lives and prospects of everyone, everywhere. The ۱۷ Goals were adopted by all UN Member States in ۲۰۱۵, as part of the ۲۰۳۰ Agenda for Sustainable Development which set out a ۱۵-year plan to achieve the Goals.

THE ۱۷ GOALS: (۱) No Poverty, (۲) Zero Hunger, (۳) Good Health and Well-being, (۴) Quality Education, (۵) Gender Equality, (۶) Clean Water and Sanitation, (۷) Affordable and Clean Energy, (۸) Decent Work and Economic Growth, (۹) Industry, Innovation and Infrastructure, (۱۰) Reducing Inequality, (۱۱) Sustainable Cities and Communities, (۱۲) Responsible Consumption and Production, (۱۳) Climate Action, (۱۴) Life Below Water, (۱۵) Life On Land, (۱۶) Peace, Justice, and Strong Institutions, (۱۷) Partnerships for the Goals.

دستور کار توسعه پایدار: ۱۷ هدف برای مردم، برای کره زمین: اهداف توسعه پایدار یک فراخوان جهانی برای اقدام برای پایان دادن به فقر، محافظت از کره زمین و بهبود زندگی و چشم انداز همه، در هر مکان است. این ۱۷ هدف توسط کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ به عنوان بخشی از برنامه ۲۰۳۰ توسعه پایدار که برنامه ای ۱۵ ساله برای دستیابی به هدف تعیین کرده بود، تصویب شد.

۱۷ اهداف: (۱) عدم فقر، (۲) گرسنگی صفر (۳) سلامتی و رفاه، (۴) آموزش با کیفیت، (۵) برابری جنسیتی، (۶) آب تمیز و بهداشتی، (۷) انرژی مناسب و تمیز، (۸) مناسب کار و رشد اقتصادی، (۹) صنعت، نوآوری و زیرساخت‌ها، (۱۰) کاهش نابرابری، (۱۱) شهرها و جوامع پایدار، (۱۲) مصرف و تولید مسئولانه، (۱۳) اقدامات اقلیمی، (۱۴) زندگی در زیر آب (۱۵) زندگی در خشکی، (۱۶) صلح، عدالت، و نهادهای قوی، (۱۷) مشارکت برای هدف.

آدرس مطلب: سایت سازمان ملل <https://b2n.ir/u163395>

۵. Good Health and Well-being (سلامتی و رفاه)

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

دارد، راه حل اساسی این است که دوستان با ما دعوا نکنند و یک گفتگوی طولانی و منطقی و استدلالی را با بخشی از متخصصین حوزه طب اسلامی که در قم مأوا دارند و جلساتشان اینجا برگزار می‌شود را بپذیرند. این، یک تقاضا و خواهش مهم است که ما از دوستان داریم. لذا من این جلسه را کمک فکری به وزارت بهداشت و درمان می‌دانم و فکر می‌کنم خود دوستان باید تا الان متوجه شده باشند که برخوردهای قهری و غیرعلمی‌ای که تا الان در دستور کار این وزارتخانه بوده است، نتوانسته جلوی رشد مفاهیم طب اسلامی و مفاهیم مشابه تمدن اسلامی را بگیرد. حالا اختیار با دوستان است! البته شاید این دوستانی که در دولت جدید سر کار خواهند آمد، از این برخوردهای نامناسب و روش‌های موجود تجربه کسب کرده باشند. ان‌شاءالله ما بتوانیم مشترکا و با کمک دوستان وزارت بهداشت و طبای محترم، آینده خوب‌تر و بهتری را برای ملت ایران تأمین کنیم. این مقدمه‌ای بود که خواستم عرض کنم و حتما لازم بود در ابتدای عرایض خود به آن اشاره‌ای داشته باشم.

۱/۲. تبیین اجمالی سرفصل‌ها و سوالات شش‌گانه مطرح در جلسه

من در مجموع برای جلسه امروز شش سؤال را آماده کرده‌ام. این شش سؤال، چهارچوب نظریه فقهی ایمنی را تبیین می‌کند. به نظر من سؤالات بسیار مهمی هم هستند و می‌شود سال‌ها راجع به این سؤالات بحث و گفتگو کرد. کمک می‌کند که ذهنیت ما برای دوستان وزارتخانه و برای طبای محترم تبیین شود. سؤال اول عبارت از این است که روش تحقیق در "نظریه فقهی ایمنی" چیست؟ بحث ما از روش تحقیق شروع می‌شود. عرض کردم من امروز می‌خواهم یکی از نظریات بخشی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی موسوم به نظریه فقهی ایمنی را محضرتان تشریح کنم. خوب؛ گفتگوهای حول این نظریه از تبیین یک روش تحقیق جدید آغاز می‌شود. خواهش می‌کنم به این نکته دقت داشته باشید: اولین اختلاف ما با طب موجود و سازمان WHO^۱ بر سر روش مطالعه در حوزه سلامت است. اگر ما واقعا روش تحقیق پوزیتیویستی موجود را می‌پذیرفتیم، با طب سلولی موجود این همه اختلاف نداشتیم. اساسا چون معتقدیم باید بدن و سلامت آن را به گونه‌ای دیگر مطالعه کرد، به یک نتایج متفاوتی هم رسیده‌ایم. پس این سؤال اول است که باید به آن توجه شود.

سؤال دوم این است که نقش اعضای مختلف بدن در ایجاد سلامت به چه میزان است؟ این هم یک سؤال مهمی است. بالاخره بدن، اعضا و جوارح مختلفی دارد؛ این سؤال دوم می‌خواهد بپرسد که آیا نقش همه اعضا و جوارح در ایجاد سلامت برابر است؟ یا نه؛ برخی نقش مهم‌تری و برخی دیگر نقش کمتری دارند؟ و اگر شما نقش اعضا و جوارح را در ایجاد سلامت متفاوت می‌بینید کدام عضو بیشترین نقش را در ایجاد سلامت دارند؟ مثلا آیا خون و عروق بیشترین نقش را در سلامت بدن دارند یا معده یا سایر اعضا؟ این هم پرسش مهمی است. اینجا هم یکی از نقاطی است که ما با طب موجود اختلاف داریم که حالا عرض خواهم کرد که در سؤال دوم یک نظام تأثیرگذاری اعضای بدن بر سلامت را اجمالا توضیح می‌دهم.

سؤال سوم این است که ساختار اشیاء تقویت کننده ایمنی بدن کدام است؟ ما معتقدیم که اشیائی که خدای متعال خلق کرده است، اینها هر کدام یک تأثیری بر افزایش ایمنی و ایجاد سلامت در بدن دارند. حالا در سؤال سوم می‌خواهیم این بحث را مطرح کنیم که چند دسته شیء وجود دارد که اینها بر سلامت مؤثر هستند؟ باز این از آن سؤالاتی است که تحقیقات را گسترش می‌دهد. مثلا

فرض بفرمایید اگر شما معتقد باشید که فقط خوراکی‌ها بر مسئله سلامت مؤثر است پس تحقیقات خود را بر روی خوراکی‌ها متمرکز می‌کنید. اما اگر مثلاً معتقد شدید که محیط زندگی هم بر حوزه سلامت مؤثر است بنابراین برای تأمین سلامت و افزایش ایمنی به دنبال طراحی و ساخت یک محیط متناسب برای زیست انسان می‌روید. پس سؤال سوم هم سؤال مهمی است. ما باید بدانیم چند دسته شیء و عامل بر سلامت انسان مؤثر است؟ ما در این بحثی که امروز خدمتتان مطرح می‌کنیم ۱۹ دسته شیء را تشریح می‌کنیم که همه اینها بر حوزه سلامت مؤثر است تا به تدریج تفاوت نگاه‌مان در مسئله افزایش ایمنی و واکسن برای دوستان واضح شود. این ساختار سوم بسیار مهم است، وقتی ما به دوستان عرض می‌کنیم واکسن‌های موجود و واکسن‌هایی که الان دارند با روش ادوارد جنر (Edward Jenner)^۷ ایجاد می‌شوند (البته گفته می‌شود که ادوارد جنر هم این روش را از افراد دیگری وام گرفته است ولی به هر حال این واکسن‌ها) اشکال دارد؛ علتش همین سرفصل سوم است. چون ما نوزده دسته شیء را داریم اینجا بحث می‌کنیم که همه ایمنی ایجاد می‌کنند. با این حال ما چرا باید از تزریق برای افزایش ایمنی استفاده کنیم؟ اینجاست که ما قدری به اختلاف برمی‌خوریم.

سؤال چهارم این است که در بدن انسان چند نوع الگوی ایمنی وجود دارد؟ بالاخره الان متخصصان حوزه ایمنی مثلاً چند نوع سیستم ایمنی برای بدن تعریف می‌کنند؛ مثلاً می‌گویند بدن ما یک نوع ایمنی ذاتی دارد و انواع دیگری از ایمنی‌ها را بحث می‌کنند. حالا ما اینها را می‌پذیریم یا نه، در تعریف سیستم ایمنی برای بدن، یک نگاه متفاوتی داریم. حالا اینجا به موقعش که رسیدم عرض خواهم کرد بدن ما سه نوع الگوی ایمنی دارد که اگر کسی این سه دسته الگوی ایمنی را رعایت کند بدنش در مقابل بیماری‌ها ایمن می‌شود و اساساً واکسن‌های ما و ایمنی‌هایی که ما بحث می‌کنیم بر روی این سه نوع الگوی ایمنی عمل می‌کنند. این هم یک اختلاف دیگری است که با آقایان داریم.

سرفصل پنجم، بحث را از مسئله ایجاد ایمنی برای بدن خارج کرده و به ایمنی برای کل مسائل خوف و خطر توسعه می‌دهد. شما می‌دانید از مسائل بسیاری در هراس هستند مثلاً انسان‌ها از جوانمردی، از مرگ بد و از تلف شدن در هراس هستند. بنابراین ما در اینجا یک تدابیری داریم برای ایجاد ایمنی نسبت به این نوع از هراس. یا مثلاً عاقبت سوء و شقی شدن، یک خوبی است و همه می‌ترسند عاقبت به شر بشوند؛ حالا چه کنیم که از عاقبت به شر شدن ایمن بمانیم؟ در مجموع ان‌شاء الله عرض خواهم کرد که با تتبع فقهی‌ای که ما انجام داده‌ایم هفت دسته خوف و خطر برای انسان‌ها متصور است. برای همه اینها در دستگاه انبیاء و در آیات و روایات ما ایمنی تعریف کرده‌اند. بنابراین نظریه فقهی ایمنی فقط به مسئله ایمنی بدن نمی‌پردازد، بلکه ایمنی از سایر مصادیق خوف و خطر را هم تبیین می‌کند. یعنی مسئله ایجاد ایمنی یک مصادیق متعددی دارد که اینها را هم ان‌شاء الله تشریح خواهم کرد.

سؤال ششم هم این است که چگونه نظریه فقهی ایمنی را محقق کنیم؟ همیشه یک سؤال مهمی وجود دارد که در مورد روش تحقیق نظریات فقهی باید بحث کنیم. مثلاً آیا فقط باید کلاس بگذاریم و آموزش بدهیم، یا باید نشست تخصصی برگزار کنیم و خبر تولید کنیم، یا نه، باید مجموعه‌ای از اقدامات را انجام دهیم که ان‌شاء الله سر وقت به آن خواهیم پرداخت. پس ما شش محور بحثی داریم

۷. **ارجاع پرورشی:** Edward Jenner, English surgeon and discoverer of vaccination for smallpox.

ادوارد جنر، جراح انگلیسی و کاشف واکسیناسیون آبله.

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

که برای شما تشریح خواهم کرد و پیشاپیش هم از اینکه ممکن است بحث طولانی شود از شما عذرخواهی کنم. ولی چاره‌ای نیست باید اینها را بحث کنیم و جا بیندازیم. اگر می‌خواهیم تمدن بسازیم؛ علاوه بر اینکه به انسان‌های آزاد و رشید احتیاج است، به مفاهیم جدیدی هم نیاز وجود دارد. لذا باید یک مقدار حوصله کرد. از شما عذرخواهی می‌کنم، از جناب آقای دکتر طریقت^۸ هم که در جلسه شرف حضور دارند و همچنین از سایر اساتیدی که در جلسه هستند پیشاپیش عذرخواهی می‌کنم که ممکن است یک مقدار جلسه طولانی بشود. بنده به تدریج شروع به توضیح اجمالی این شش سوال می‌کنم. اگر هم یک وقتی توفیق شد که یک دوره بحثی باشد [به تفصیل بحث خواهیم کرد]. بنده دیشب که داشتم فهرست مطالب را آماده می‌کردم که محضران تقدیم کنم، احساس کردم که شاید حدود چهل جلسه در حدود یک ساعت، یک ساعت و نیم وقت نیاز داشته باشد. اگر توفیقی شد و فرصتی به وجود آمد، آنوقت این نظریه ایمنی را به صورت تفصیلی تر هم توضیح خواهم داد. ولی الان به نحو اجمالی خدمت شما شرح خواهم داد.

۲. سوال اول: روش تحقیق "نظریه فقهی ایمنی" چیست؟

۲/۱. تکیه بر گزاره‌های مبتنی بر اشراف؛ اولین ویژگی روش تحقیق "نظریه فقهی ایمنی"

۲/۱/۱. تکیه بر گزاره‌های حدس محور؛ اولین اشکال روش تحقیق موجود

سوال اول در مورد روش تحقیق است. الان یک روش تحقیقی در حوزه پزشکی وجود دارد. اشکال ما به این روش تحقیق چیست؟ ما به این روش تحقیق چند اشکال داریم: اولین اشکال ما به این روش تحقیق آن است که: در فرایند تعریف فرضیه در روش تحقیق موجود، "اتکاء به قدرت تصور و حدس ذهنی افراد" است. شما می‌دانید که قبل از اینکه یک پروژه تحقیقاتی به سرانجام برسد، محقق یک فرضیه‌ای تعریف می‌کند. یعنی تا فرضیه‌ای نباشد، اصلاً تحقیق شروع نمی‌شود. حالا "فرضیه" چیست؟ فرضیه ارتباط بین دو یا چند متغیر است. حالا این فرضیه چطور تولید می‌شود؟ یک سری اطلاعات را جمع‌آوری می‌کنند، و یک سری مصاحبه‌ها را از افراد خبره می‌گیرند و در نتیجه به یک فرضیه و معادله‌ای می‌رسند. اساس این فرضیه، "حدس" آن دانشمند و شخص محقق است. یعنی تکیه به یک امر ظنی است.^۹ چقدر انسان اشراف اطلاعاتی دارد؟ چقدر انسان قدرت تحلیل دارد؟

۸. جناب آقای دکتر محمد حسن طریقت منفرد، وزیر بهداشت دولت دهم.

۹. **ارجاع پرورشی:** Scientific theory, systematic ideational structure of broad scope, conceived by the human imagination, that encompasses a family of empirical (experiential) laws regarding regularities existing in objects and events, both observed and posited. A scientific theory is a structure suggested by these laws and is devised to explain them in a scientifically rational manner.

In attempting to explain objects and events, the scientist employs (۱) careful observation or experiments, (۲) reports of regularities, and (۳) systematic explanatory schemes (theories). The statements of regularities, if accurate, may be taken as empirical laws expressing continuing relationships among the objects or characteristics observed. Thus, when empirical laws are able to satisfy curiosity by uncovering an orderliness in the behaviour of objects or events, the scientist may advance a systematic scheme, or scientific theory, to provide an accepted explanation of why these laws obtain ... Thus, it is evident that theories are imaginative constructions of the human mind—the results of philosophical and aesthetic judgments as well as of observation—for they are only suggested by observational information rather than inductively generalized from it.

نظریه علمی (علم تجربی)، ساختار ایده پرداز منظم با دامنه وسیع، که توسط تخیل انسان تصور شده است، که شامل خانواده‌ای از قوانین تجربی (تجربی) در مورد نظم موجود در اشیا و حوادث، هر دو مشاهده شده و مطرح شده است. نظریه علمی ساختاری است که توسط این قوانین پیشنهاد شده و برای توضیح آنها به روشی علمی و منطقی ابداع شده است. دانشمند در تلاش برای توضیح اشیا و وقایع، (۱) مشاهده یا آزمایش دقیق، (۲) گزارش از قاعده‌ها، و (۳) طرح‌های توضیحی سیستماتیک (نظریه‌ها) را به کار می‌گیرد. اظهارات قاعده مندی، در صورت صحیح بودن، ممکن است به عنوان قوانین تجربی بیان کننده روابط مداوم بین اشیا یا ویژگی‌های مشاهده شده در نظر گرفته شود. بنابراین، وقتی قوانین تجربی با کشف نظم در رفتار اشیا یا رویدادها قادر به جلب کنجکاوی هستند، دانشمند می‌تواند یک طرح منظم یا نظریه علمی را پیش ببرد تا توضیحی پذیرفته در مورد چرایی این

واکسن و طرح جایگزین

اشیاء عالم را چقدر می‌شناسد؟ ویژگی‌های بدن را چقدر می‌شناسد؟ همه قبول داریم که انسان‌ها نسبت به این مسائل به نحو محدود اطلاعات دارند. حالا این انسان محدود شروع به حدس زدن می‌کند که مثلاً متغیر "الف" با متغیر "ب" مرتبط هست یا نیست؟ یا مثلاً فرضیه این است که چه نسبتی بین ناخن و رنگ‌دانه‌های پوست وجود دارد؟ این مثلاً فرضیه تحقیق است که تصادفاً این فرضیه تحقیق را از روایات گرفته‌ایم؛ چون وقتی شما ناخن‌های خود را کوتاه می‌کنید، پوست شما اصطلاحاً دچار پیسی (لکه‌های سفید) نمی‌شود. این کلام را چون امام معصوم فرموده است؛ ما آن را مبنای تحقیقات قرار می‌دهیم.

منتها در روش تحقیق موجود، فرضیه از حدس انسان‌های معمولی ایجاد می‌شود. انسان‌های معمولی یعنی انسان‌هایی که اشراف به مجموعه خلقت ندارند. ولی بحث در روش تحقیق ما چگونه است؟ به این صورت است که ما گزاره‌هایی که بر روی آن بحث می‌کنیم را از گزارش‌های خالق می‌گیریم. یعنی مجموعه عالم هستی یک خالقی دارد و یک گزارش‌هایی را راجع به مخلوقات در قالب کتاب خدا و قالب روایات به ما داده است؛ ما حرف اول پژوهش و تحقیق را از این آیات و روایات - یعنی از کسانی که به عالم خلقت اشراف دارند - اخذ می‌کنیم. مثلاً فرض کنید بنده اگر بخواهم با حدس خودم تحقیقات را شروع کنم؛ در یک سالی به دنیا آمده‌ام و در یک سالی هم از دنیا خواهم رفت، نه سال قبل از تولد خود را دقیق می‌شناسم و نه بعد از آن را، و بسیاری از اطلاعات دوره‌ای که در آن زندگی کرده‌ام را هم ندارم. در یک جمله: انسان معمولی اشراف به یک مساله ندارد؛ لذا حدس او "ظن" است و "ظن" برای دستیابی به حقیقت مسیر درستی نیست و «لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً». انسان اگر بر مبنای ظن عمل کند به حق دست پیدا نمی‌کند. پس این یک اشکال است.

۲/۱/۱. به وجود آمدن قالی فاسدهای فراوان در تمدن مدرنیته؛ نتیجه تکیه بر گزاره‌های حدس محور

سوال ما از روش تحقیق موجود این است که چرا فرضیه شما مبتنی بر حدس است و حدس، ظن است و امکان دارد که خطا محاسبه کرده باشید و حدس زده باشید. و این امکان هم یک امکان عقلایی جدی است. اگر حدس‌های تحقیقات پوزیتیویستی

قوانین ارائه دهد... بنابراین، بدیهی است که نظریه‌ها ساختاری خیالی از ذهن انسان هستند - نتایج قضاوت‌های فلسفی و زیبایی‌شناختی و همچنین مشاهده - زیرا آنها فقط با اطلاعات مشاهده‌ای پیشنهاد می‌شوند تا اینکه از آن به طور استقرایی تعمیم داده شوند.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا - <https://brn.ir/q4457z>

۱۰. **ارجاع پرورشی:** Pigments are insoluble particulate materials that provide colour, opacity, gloss control, rheological control, and certain functions such as corrosion inhibition or magnetic moment. They also reduce the cost of coatings by acting as a volume filler.

رنگدانه‌ها مواد ذره‌ای نامحلول هستند که رنگ، تیرگی، کنترل براقیت، کنترل رئولوژیکی و عملکردهای خاص مانند مهار خوردگی یا گشتاور مغناطیسی را فراهم می‌کنند. آنها همچنین با عملکرد به عنوان پرکننده حجم، باعث کاهش هزینه پوشش می‌شوند.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://brn.ir/d4468y>

۱۱. **ارجاع پژوهشی:** اشاره به آیات مبارکه:

وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (سوره مبارکه یونس، آیه ۳۶)

و بیشتر آنان [در عقاید و آرایشان] جز از گمان و ظن پیروی نمی‌کنند، یقیناً گمان و ظن به هیچ‌وجه انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌کند، [و جای معرفت و دانش را نمی‌گیرد] مسلماً خدا به آنچه انجام می‌دهند، داناست.

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً (سوره مبارکه نجم، آیه ۲۸)

و آنان را به این کار هیچ آگاهی و معرفت نیست. [آنان] فقط از گمان پیروی می‌کنند، و بی‌تردید گمان [انسان را] برای دریافت حق هیچ سودی نمی‌دهد.

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

دقیق بود، ما در تمدن مدرنیته اینقدر تالی فاسد نداشتیم.^{۱۲} مثلاً فرضیه‌ای می‌سازند راجع به شوینده‌ها و می‌گویند از فلان مواد برای شوینده استفاده کنید؛ بعد می‌بینیم که آگزمای و حساسیت‌های پوستی دارد افزایش پیدا می‌کند. یعنی فرضیه‌شان کمک نمی‌کند به اینکه اثر آن شوینده را روی پوست درست محاسبه کند و فرضیه دقیقی باشد؛ بلکه غیردقیق است و برای بشر مشکل درست می‌کند. پس این یک مساله است.

۲/۱/۱/۲. تفاوت در روش تحقیق؛ اصلی‌ترین تفاوت طب اسلامی با طب مدرن

من در همان موقع هم که در دوران تراریخته‌ها بحث می‌کردیم؛ مرحوم آقای قره‌یاضی به من می‌گفت که شما کجا درس خوانده‌اید؟! راست هم می‌گفت؛ من خیلی درس‌های پوزیتویستی نخوانده‌ام؛ نه به این معنا که کتاب‌ها و نظریات اصلی آنها را نمی‌دانیم، ولی واقعا تمرکز ما بر این نبود که برویم کمبریج (Cambridge) و استنفورد (Stanford) و ماساچوست (Massachusetts) درس بخوانیم؛ ما در قم درس خوانده‌ایم. ولی من به ایشان می‌گفتم که اگر روش تحقیق بنده با شما یکی باشد؛ اشکال شما وارد است. یعنی اگر شما بگویید که چرا با یک روش تحقیقی که درس آن را نخوانده‌اید در مورد تراریخته‌ها اظهار نظر می‌کنید؟! [این اشکال شما وارد بود]. ولی اشکال ما که به این صورت نبود، ما بنابر روش تحقیق خودمان به تراریخته اشکال می‌کردیم. بنابراین یک دانشمند با روش تحقیق "الف" هیچ وقت نمی‌تواند به یک دانشمند دیگری با روش تحقیق "ب" اشکال کند. بحث علمی این است که بروند راجع به روش تحقیقشان با یکدیگر صحبت کنند. اگر توانستند در روش تحقیق، مشکل "ظن" را حل کنند؛ در اینصورت ما می‌توانیم با یکدیگر گفتگو کنیم. وگرنه دو دستگاه علمی متفاوت می‌شود. بنده همیشه به آقایان به صورت ساده می‌گویم: «قم یا ماساچوست (Massachusetts)؟ کجا می‌خواهید درس بخوانید؟» خب؛ تفاوت قم با ماساچوست، ابتداء تفاوت در روش تحقیق است. یعنی ما در قم یک روش تحقیق دیگری برای مطالعه عالم داریم. ولی دانشگاه استنفورد و کمبریج و M.I.T.^{۱۳} یک روش تحقیق‌های دیگری دارند. بنابراین طبیعی است که وقتی روش تحقیقمان متفاوت شد، به دو خروجی و نتیجه متفاوت برسیم. پس این بحث اول است که باید راجع به آن گفتگو کنیم.

۲/۲. توجه به وحدت ترکیبی اشیاء؛ دومین ویژگی روش تحقیق "نظریه فقهی ایمنی"

۲/۲/۱. حیث‌محور بودن؛ دومین اشکال روش تحقیق موجود

یک بحث دومی است که باز هم بحث روش تحقیقی است: که دوستان فیلسوف ما - اعم از کسانی که فیلسوف اصالت وجود هستند و اصطلاحاً صداریی و یا نوصداریی هستند، و یا سایر مکاتبی که وجود دارد - می‌گویند: ما در فلسفه به "موجودات" می‌پردازیم، ولی از آن حیث که موجودات "وجود" دارند و از گتم عدم خارج شده‌اند و به عالم وجود آمده‌اند. نه از آن حیثیتی که حیات دارند، یا حرکت می‌کنند، یا خواص شیمیایی دارند. دوستان فلاسفه ما یک مفهومی را به اسم "حیث‌التفاتی" بحث می‌کنند. حیث‌التفاتی یعنی چه؟ یعنی مثلاً فرض کنید شما به یک درختی نگاه می‌کنید و می‌گویید التفات و توجه من به این درخت از این حیث است که وجود دارد و بقیه حیث‌های آن را لحاظ نمی‌کنم و توصیف خودم را شروع می‌کنم. لذا مثلاً از یک درخت چنار ده دانشمند می‌تواند ده نوع توصیف ارائه بدهند! فیلسوف می‌گوید: "این درخت وجود دارد" و از این حیث صحبت می‌کند. آن

۱۲. ارجاع پرورشی: یکی از تالی فاسدهای مدرنیته، مربوط به عوارض دارویی: (Adverse Drug Reaction) ADR است. جهت مشاهده بخشی از این گزارشات رک؛ پیوست شماره ۱.

۱۳. ارجاع پردازشی: Massachusetts Institute of Technology (موسسه تکنولوژی ماساچوست): یکی از معتبرترین موسسات دانشگاهی دنیا در توسعه علم مدرن.

واکسن و طرح جایگزین

دانشمندی که زیست خوانده می‌آید از یک حیث دیگر مثلاً از فوتوسنتز (Photosynthesis)^{۱۴} درخت بحث می‌کند. آن دانشمندی که در حوزه آب کار می‌کند، می‌آید ریشه‌های این درخت را از حیث دریافت آب بحث می‌کند. لذا شما می‌بینید که از یک پدیده واحد که اسمش "درخت" است، ده نوع توصیف وجود دارد؛ هر کسی هم از حیث مدنظر خودش وارد بحث و گفتگو می‌شود. خوب؛ دوستان فیلسوف ما با این تحلیل فلسفی، روش تحقیق همه علوم را امضاء می‌کنند! در نتیجه ده نوع توصیف به وجود می‌آید در حالی که آن شیئی که به وجود آمده تنها یک حقیقت دارد؛ ولی از آن ده نوع توصیف می‌شود. بعد می‌بینید که این همه تالی فاسد هم به وجود می‌آید. در حالی که روش صحیح این است که توصیف شما، "وحدت ترکیبی" یک شیء را بیان کند. بالاخره درخت با مدل فوتوسنتز خود، با مدل ریشه‌هایش، از حیث وجود داشتند و اینکه از عدم به وجود آمده است و با ده‌ها حیث دیگرش؛ یک حقیقت دارد. شما از لحاظ علمی اجازه ندارید توصیف‌های متعددی را از یک وحدت ترکیبی ارائه دهید. باید توصیف شما از وحدت همه این حیث‌ها باشد. چرا؟ چون درخت در عالم بیرون یک وجود است و یک وحدت وجودی دارد. بله؛ من می‌فهمم که می‌توان صد حیث برای آن در ذهن خود تصویر کرد. (حیث التفاتی در فلسفه، خیلی با وجود ذهنی ارتباط دارد) می‌توانیم بگوییم که ما در ذهن خودمان ده حیث برای آن تعریف می‌کنیم. ولی حیث‌های ذهن من باعث نمی‌شود که درخت در عالم بیرون تبدیل به ده شیء شود. نه؛ آن درخت واقعا یک چیز است و توصیف صحیح این است که ما وحدت ترکیبی آن را ارائه دهیم. پس این هم یک بحث است؛ یعنی اشکالی را که ما به روش تحقیق‌های موجود داریم این است که روش‌های تحقیق موجود با کمک فلسفه همیشه یک حیث التفاتی توصیف می‌کنند؛ در حالی که ما باید برویم به سمت اینکه توصیفمان از وحدت یک شیء باشد، کل آن شیء را توصیف کنیم که خداوند متعال برای چه آن را خلق کرده است، آثارش چیست. پس این هم اشکال دوم به روش تحقیق موجود.

نمی‌دانم مقالات I.S.I.^{۱۵} و دیگر مقالات را می‌خوانید یا نه. من سابق بر این، این مقالات را می‌خواندم. الان هم گاهی اوقات رجوع می‌کنم. مثلاً می‌آیند اثر فلان درخت را روی بهبود خاک بررسی می‌کنند. یعنی یک حیث خاص را مبنای تحقیق قرار می‌دهند؛ در حالی که یک تحقیق درست باید بتواند وحدت ترکیبی شیء را توضیح بدهد. بنابراین ما در روش تحقیق خودمان این قید دوم را هم داریم. قید اول چه بود؟ ما اصطلاحاً فرضیه اصلی تحقیقمان (که ما نمی‌گوییم: "فرضیه"، بلکه می‌گوییم: "گزاره") را از گزارش‌های خالق استنباط و دریافت می‌کنیم که در ادامه بحث به آنها اشاره خواهیم کرد. قید دوم: گزارش‌های خالق ناظر به وحدت ترکیبی یک شیء شکل گرفته است، نه ناظر به حیث التفاتی یک شیء. بنابراین "علم دینی"، "وحدت ترکیبی اشیاء" را توضیح می‌دهد، بخلاف "علم مدرن" که "حیث‌محور" معادله تولید می‌کند. این یک بحثی است.

۱۴. **ارجاع پرورشی:** During photosynthesis, the process by which green plants and certain other organisms transform light energy into chemical energy. In photosynthesis in green plants, light energy is captured and used to convert water, carbon dioxide, and minerals into oxygen and energy-rich organic compounds.

فوتوسنتز، فرایندی که گیاهان سبز و برخی موجودات دیگر انرژی نور را به انرژی شیمیایی تبدیل می‌کنند. در طی فوتوسنتز در گیاهان سبز، انرژی نور گرفته شده و برای تبدیل آب، دی اکسید کربن و مواد معدنی به اکسیژن و ترکیبات آلی غنی از انرژی استفاده می‌شود.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://bfn.ir/n32782>

۱۵. **ارجاع پردازشی:** Institute for Scientific Information (موسسه اطلاعات علمی): موسسه انتشارات علمی و پزشکی و گردآوری رشته‌های علوم پزشکی و تحقیقات اساسی.

https://www.isi-science.com/about_isi

۲/۳. امکان استفاده از تجربه؛ یکی دیگر از ویژگی‌های روش تحقیق "نظریه فقهی ایمنی"

یک نکته دیگری که راجع به روش تحقیق ما وجود دارد این است که ما در روایت داریم که: «عقل نیازمند تجربه است».^{۱۶} مساله تجربه باعث می‌شود که شما نسبت به دریافت‌های وحیانی یقین بیشتری پیدا کنید. مثلاً امام (علیه‌السلام) می‌فرماید: «الْجَزْرُ يُسَخَّنُ الْكُلَيْتَيْنِ»^{۱۷} زردک، کلیه را راه می‌اندازد و تسخین (گرم) می‌کند. خوب؛ حالا که من این گزاره را از امام (علیه‌السلام) گرفتم می‌توانم چهل روز زردک مصرف کنم و خودم این گزاره را تجربه کنم. پس ما در روش تحقیق خودمان، نفی تجربه نمی‌کنیم. عرض کردم که روایت داریم که: «عقل بیش از هر چیز دیگری نیازمند تجربه است»؛ چرا؟ چون تجربه باعث افزایش یقین انسان می‌شود.^{۱۸}

۲/۳/۱. مَکْمَلُ الدَّلَالَةِ بُوْدُنُ تَجْرِبَةٍ دَرِ تَجْرِبَةٍ دِیْنِیِّ وَ اِصَالَتِ دَاوَسْتِنِ تَجْرِبَةٍ دَرِ تَجْرِبَةٍ بُوْزِیْتُوِیْسْتِیِّ؛ تَفَاوُتِ تَجْرِبَةٍ دِیْنِیِّ بَا تَجْرِبَةٍ بُوْزِیْتُوِیْسْتِیِّ

اما این "تجربه دینی" که باعث افزایش یقین می‌شود؛ خیلی با "تجربه پوزیتویستی" فرق می‌کند. شما در تجربه‌های پوزیتویستی اصالت را به دلالت‌های تجربه می‌دهید. یعنی فقط و فقط به تجربه موضوعیت می‌دهید. برخلاف روش تحقیق دینی که ما تجربه را مکمل دلالت می‌دانیم که کمک‌کننده و یکی از بخش‌های دلالت بر حقیقت است. حالا من با این مباحث روش تحقیقی بیشتر از این حوصله شما را سر نبرم! من فقط خواستم بگویم که ما به یک روش تحقیق دیگری معتقد هستیم. چون می‌دانید که یک حالت دگمی^{۱۹} در برخی از دوستان وجود دارد که می‌گویند: شما شبه علم هستید! می‌دانید که چرا به مخالفین خودشان شبه علم می‌گویند؟! بخاطر اینکه فقط روش تحقیق خودشان را قبول دارند. حالا وقتی شما روش تحقیق آنها را زیر سوال می‌برید، در واقع شما به Who و دوستان طب سلولی می‌گویید: شما شبه علم هستید! چون تکیه شما به فرضیه‌های حدس‌محور است، در حالی

۱۶. ارجاع پژوهشی: قال رسول الله ص: أربعة تحتاج إلى أربعة: العلم إلى العمل، والحسب إلى الأدب، والقرابة إلى المودة، والعقل إلى التجربة.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): چهار چیز به چیز نیاز دارد: علم به عمل، حَسَب به ادب، خویشاوندی به مودت (ابراز محبت در عمل)، عقل به تجربه.

الدرة الباهرة من الأصداف الطاهرة (شهید اول، محمدبن مکی)، ص ۱۶

الإمام علي عليه السلام: العقل غريزة تزيد بالعلم والتجارب.

امام علی علیه السلام: عقل قریحه‌ای است که با دانش و تجارب زیاد می‌شود.

غرر الحکم، ص ۹۱

عن علی ع: كُلُّ مَعْرِفَةٍ تَحْتَاجُ إِلَى التَّجَارِبِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): هر شناختی، به تجربه‌هایی نیازمند است.

مطالب السؤل، ص ۵۰

۱۷. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَكُلُّ الْجَزْرِ يُسَخِّنُ الْكُلَيْتَيْنِ وَ يُقِيمُ الذِّكْرَ.

امام صادق (علیه السلام): خوردن هویج زردک کلیه‌ها را گرم و آلت را راست می‌گرداند.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۰۶ / الوافی، ج ۱۹، ص: ۴۲۳

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِبرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ: أَكُلُّ الْجَزْرِ يُسَخِّنُ الْكُلَيْتَيْنِ وَ يُنْصِبُ الذِّكْرَ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ كَيْفَ أَكُلُّهُ وَ لَيْسَ لِي أَشْنَانٌ؟! قَالَ: فَقَالَ لِي: مَرِ الْجَارِيَةَ تَسْلُقُهُ وَ كُلَّهُ.

به نقل از داوود بن فرقد: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «خوردن زردک، کلیه‌ها را گرم می‌کند و آلت را راست می‌گرداند». به ایشان گفتم: فدایت شوم! در حالی که ندانم، چگونه آن را بخورم؟ به من فرمود: «به کنیز خود بگو آن را برایت آب‌پز کند. سپس آن را بخور».

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۴ / الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۰۷ / بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۸۲ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۱۲۶

۱۸. ارجاع پژوهشی: وَ إِذْ قَالَ إِبرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُنْجِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَ لَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۰)

و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا! به من نشان ده که مردگان را چگونه زنده می‌کنی؟ [خدا] فرمود: آیا [به قدرتم نسبت به زنده کردن مردگان] ایمان نیآورده‌ای؟! گفت: چرا، ولی [مشاهده این حقیقت را خواستم] تا قلبم آرامش یابد.

۱۹. دگم: متعصب در عقائد.

که تکیه ما بر گزاره‌های مبتنی بر اشراف است. اتفاقاً فقط علم دینی علم است، و تجربه پوزیتویستی هم یکی از اختراعات بشر است که مبتنی بر ظن می‌باشد، و اصلاً علم نیست.

پس ما تا اینجا روش تحقیق را اجمالاً معلوم کردیم: ما داریم با روش تحقیق فقهی مسأله واکسن‌های طب اسلامی را بحث می‌کنیم. و در آنجایی که کارآزمایی بالینی با وزارت بهداشت بگذاریم - البته اگر آقایان افتخار بدهند و یک مقداری از کمبریج رفتشان بکاهند و قم تشریف بیاورند - و یک تجربه‌ای را انجام دهیم؛ پروتکل‌های کارآزمایی را باید مشترکاً بنویسیم و باید یک مسیر دیگری را طی کنیم. که ان‌شاءالله راجع به آن بحث خواهیم کرد.

۳. سوال دوم: نقش اعضاء مختلف بدن در ایجاد سلامت به چه میزان است؟

حالا با روش تحقیق خودمان وارد بحث می‌شویم: سوال دوم این است که نقش اعضاء مختلف بدن در ایجاد سلامت به چه میزان است؟ یک سرفصلی در روایات است که یک سری از اشخاص می‌رفتند از اهل بیت (علیهم‌السلام) راجع به "تشریح جسم" سوال می‌پرسیدند که این جسم انسان تفصیلاً دارای چه اعضائی هست؟ و اهل بیت (علیهم‌السلام) هم توضیح می‌دادند. مثلاً حضرت در روایت می‌فرماید: «بدن دارای سیصد و شصت رگ اصلی است» در آن روایت شریف اینطور نقل شده که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) روزی سیصد و شصت بار حمد خداوند متعال را انجام می‌دادند.^{۲۰} بعد در علل الشرایع اینطور می‌فرمایند که صد و هشتاد بار بخاطر عروق ساکن، و صد و هشتاد بار هم بخاطر عروق متحرک. ما دو دسته رگ در بدن داریم: عروق ساکن و عروق متحرک.^{۲۱}

۲۰. ارجاع پژوهشی: علی بن ابی‌براهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن ابی الحسن الأتباری عن ابی عبد الله ع قال: کان رسول الله ص یحمد الله فی کل یوم ثلاثاً مائة مرة و ستین مرة عدد عروق الجسد یقول الحمد لله رب العالمین کثیراً علی کل حال.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، در هر روز، سیصد و شصت بار، به شمار رگ‌های بدن، خداوند را سپاس می‌گفت و می‌فرمود: «پروردگار جهانیان را به فراوانی و در هر حال، سپاس!».

مصدر اصلی: الکافی، ج ۲، ص ۵۰۳

منابع دیگر: مکارم الاخلاق، ص ۳۰۷ / وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۷۱ / بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۳۱۶

۲۱. ارجاع پژوهشی: علی بن ابی‌براهیم عن ابیه و حمید بن زید عن ابی الحسن بن محمد جمیعاً عن أحمد بن الحسن المیسمی عن یعقوب بن شعیب قال سمعت أبا عبد الله ع یقول: قال رسول الله ص: إن فی ابن آدم ثلاثاً مائة و ستین عرقاً منها مائة و ثمانون متحركة و منها مائة و ثمانون ساکنة فلو سکن المتحرك لم یتیم و لو تحرك الساکن لم یتیم. و کان رسول الله ص إذا أصبح قال: الحمد لله رب العالمین کثیراً علی کل حال ثلاثاً مائة و ستین مرة و إذا أمسى قال مثل ذلك.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا فرموده است: «در بدن آدمیزاد، سیصد و شصت رگ است: صد و هشتاد تای آن متحرک، و صد و هشتاد تای دیگر، ساکن‌اند. اگر آن رگ‌های متحرک، ساکن بودند، انسان نمی‌خفت؛ و اگر آن رگ‌های ساکن، متحرک بودند نیز انسان نمی‌خفت». پیامبر خدا، هر روز صبح، سیصد و شصت بار می‌گفت: «خداوند جهانیان را به فراوانی و در هر حال، سپاس!» و شامگاهان نیز چنین می‌گفت.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۲، ص ۵۰۳ / علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۵۴

سند علل الشرایع: ابی‌رحمة الله قال حدثنا سعد بن عبد الله عن یعقوب بن زید عن محمد بن الحسن المیسمی عن یعقوب بن شعیب قال سمعت أبا عبد الله ع یقول قال رسول الله

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۳۱۶ / وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۷۱

عنه (أبی محمد بن علی)، قال: أخبرنا جماعة، عن ابی المفضل، قال: حدثني أبو القاسم جعفر بن محمد العلوي الموسوي في منزله بمكة، قال: حدثنا غنيد الله بن أحمد بن نهيك، قال: حدثنا محمد بن أبي عمير، عن سبرة بن يعقوب بن شعيب، عن أبيه، قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يحدث عن أبيه، عن علي (عليه السلام)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): في ابن آدم ثلاثمائة وستون عرقاً، منها مائة وثمانون متحركة، و مائة وثمانون ساكنة، فلو سكن المتحرك لم يبق الإنسان، و لو تحرك الساكن لهلك الإنسان. قال: و كان النبي (صلى الله عليه وآله) في كل يوم إذا أصبح و طلعت الشمس يقول: الحمد لله رب العالمين كثيراً طيباً على كل حال "يقول ثلاث مائة و ستين مرة شكرياً.

امیرالمومنین (علیه السلام) از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله): در انسان ۳۶۰ رگ وجود دارد که ۱۸۰ عدد از آنها متحرک است و ۱۸۰ ساکن. اگر متحرکها باز ایستند آدمی زنده نماند و اگر ساکتها بحرکت آیند انسان بمیرد. و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هر روز به هنگام طلوع و غروب آفتاب ۳۶۰ بار می‌فرمود: الحمد لله رب العالمین کثیراً طیباً علی کل حال.

مصدر اصلی: الامالی (للطوسي)، ص ۵۹۷

منابع دیگر: مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۰۵ / بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۱۶

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

رگ های اصلی بدن سیصد و شصت عدد است. از این نوع مباحث در تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) زیاد وجود دارد. عرض کردیم که یک عنوانی وجود دارد تحت عنوان "تفصیل الجسم" که از امام (علیه السلام) راجع به تشریح جسم سوال پرسیده اند؛ امام مفاصل را توضیح داده اند، اعضاء مختلف را توضیح داده اند، عروق را توضیح داده اند.

خواهش می کنم دقت کنید! به تدریج دارد این بحث نگاه طب اسلامی به سلامت شکل می گیرد که آغاز آن همین بحث تفصیل الجسم است. باز هم داخل پراتنز عرض کنم که: اهل بیت (علیهم السلام) اشراف تام نسبت به انسان دارند و بحث می کنند و اصطلاحا از طریق میکروسکوپ و از طریق مشاهده فقط بحث را توضیح نمی دهند، بلکه از طریق علم لدنی و از طریق گزارش هایی که خالق از بدن انسان در اختیار اهل بیت (علیهم السلام) قرار داده است بحث ها را مطرح می کنند.^{۲۲}

۳/۱. قلب؛ مهم ترین عضو موثر بر سلامت از نظر آیات و روایات

حالا از دل بحث های اهل بیت (علیهم السلام) در مورد تفصیل الجسم این مساله متولد می شود که: ما سه نوع عضو موثر بر سلامت در بدن داریم که اثرشان در سلامت و مرض یکسان نیست. عضو اول که خیلی موثر بر سلامت است، "قلب" انسان است. یعنی اگر یک کسی می خواهد بداند که مهم ترین عضو موثر بر سلامت در آیات و روایات چیست، قلب است. یک روایتی از امیرالمومنین (علیه السلام) خدمت شما بخوانم. البته روایات در این قسمت زیاد است، من فقط اشاره می کنم: حضرت می فرماید: «القلب امیر الجوارح»^{۲۳} خیلی روشن است یعنی قلب امیر جوارح است یعنی پادشاه همه اعضاء بدن است. بنابراین اگر کسی می خواهد بداند که اتفاقاتی که در قلب می افتد چقدر موثر است، باید به این دسته از روایات توجه کند. حضرت می فرماید: هر اتفاقی که در قلب بیفتد، سایر جوارح متاثر می شوند. مثلا یک حقیقتی در قلوب به اسم "وسوسه" یا "شیطننت" یا اسامی مختلف دیگر وجود دارد که در همه دنیا این را قبول دارند. حالا وقتی وسوسه اتفاق افتاد، "پا" شروع می کند به حرکت کردن تا این وسوسه را ارضاء کند، "دست ها" هم تبعیت می کنند، "چشم ها" هم تبعیت می کنند، همه اعضاء بدن شروع می کنند به تبعیت کردن.^{۲۴} یعنی "گردش خون"

۲۲. ارجاع پژوهشی: کتاب المختصر للحسن بن سلیمان، نقلاً من کتاب السید حسن بن کثیر یاسنادو االی یونس بن ظبیان عن ابي عبد الله عنه علیه السلام - یونس بن ظبیان - یا یونس، إذا أردت العلم الصحيح فخذ عن اهل البيت، فاننا زویناه، و اوتینا شرح الحکمة و فصل الخطاب، إن الله اصطفانا و اتانا ما لم یؤت احداً من العالمین.

امام صادق علیه السلام - به یونس بن ظبیان - ای یونس! هر گاه طالب علم صحیح بودی، آن را از اهل بیت اخذ کن؛ زیرا آن برای ما روایت شده است و به ما شرح حکمت و سخن فصل داده اند. خداوند، ما را برگزیده است و به ما آن داده که به هیچ یک از جهانیان نداده است.

مصادر اصلی: مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۲۲ / کفایة الاثر (خزاز رازی)، ص ۲۵۴

سند کفایة الاثر: علی بن ابی حمزة عن هارون بن موسی عن محمد بن همام عن الحمیری عن عمر بن علی العبدی عن داود بن کثیر الزهلی عن یونس بن ظبیان

منابع دیگر: بحار الانوار ج ۲۶ ص ۱۵۸

جهت مشاهده روایاتی در مورد "علم مبتنی بر اشراف اهل بیت (علیهم السلام)"، ر ک: پیوست شماره ۲.

۲۳. ارجاع پژوهشی: قال امیر المؤمنین ع فی وصیته لابنه محمد بن الحنفیة رضی الله: ... القلب و هو امیر الجوارح الذي به تعقل و تفهيم و تصدُر عن امره و رأيه.

امیرالمومنین (علیه السلام) در وصیت به فرزندشان محمد بن حنفیه: ... قلب که امیر الجوارح است که به وسیله آن تعقل می کنی و می فهمی و به امر و رای او کار از تو صادر می شود.

مصدر اصلی: من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۷

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۷۰ / الوافی، ج ۲۶، ص ۲۳۱

بعض اصحابنا عن علی بن العباس عن علی بن ميسر عن حماد بن عمرو التميمي قال: قال العالم ع: ... فمنها قلبه الذي به تعقل و تفهيم و تصدُر عن امره و رأيه ...

امام رضا (علیه السلام): ... قلب امیر و فرمانروای جوارح و اعضاء او می باشد، هر چه قلب امر کند اعضاء بدنش اطاعت می کنند و از فرمان او سرپیچی ندارند...

مصادر اصلی: الکافی، ج ۲، ص ۳۹ / دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۵ (مرسلا) / تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۵۷

سند عیاشی: عن أبي عمرو الزيري عن أبي عبد الله

منابع دیگر: بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۲۴ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۵۰

۲۴. ارجاع پژوهشی: و بهذا الإسناد (حدثنا محمد بن موسى البرقي) قال حدثنا علي بن محمد ماجيلويه عن أحمد بن أبي عبد الله عن أبيه عن محمد بن سنان عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله ع قال سمعته يقول لرجل: اعلم يا فلان أن منزلة القلب من الجسد بمنزلة الإمام من الناس الواجب الطاعة عليهم ألا ترى أن جميع جوارح الجسد شرط للقلب و تراجمته له مؤدية عنه الأذنان و العينان و الأنف و اللسان و الرجلان و الفرج فإن القلب إذا هم بالنظر فتح الرجل عينيه و إذا هم بالاستماع حرك أذنيه و فتح مسامعه فسمع و إذا هم

هم تغییر پیدا می‌کند؛^{۲۵} چرا؟ چون فرد مثلاً یک صحنه مبتنی بر شهوت را دیده است و وسوسه‌اش تحریک شده و حالا برای اینکه وسوسه‌اش یک پاسخی پیدا کند همه جوارح را مدیریت می‌کند. قلب به این نحو است. در ادامه روایت می‌فرماید: «الَّذِي بِهِ تَعَقَّلَ» قلب، محل عقل است «و تَفْهَمُ» محل فهم است «و تَصَدَّرُ» محل صدور فرمان است «و تَصَدَّرُ عَنْ أَمْرِهِ وَ رَأْيِهِ». قلب عضو اصلی است.

در آن روایت تحف العقول هم اینطور آمده که: «لَا عَلَمَ كَطَلَبِ السَّلَامَةِ وَ لَا سَلَامَةَ كَسَلَامَةِ الْقَلْبِ»^{۲۶} هیچ سلامتی به اندازه سلامت قلب مهم نیست. اگر قلب سالم بود بیماری‌های روحی و روانی و بیماری‌های جسمی هر دو به صورت معناداری کاهش پیدا می‌کند. این یک بحث است.

حالا یک بحثی در اینجا هست که من یک مقدار توضیح بدهم: گفته می‌شود که آیا قلب همین قلبی است که به شکل صنوبری از آن یاد می‌کنیم؟ در روایت دارد که: «قلب یک حقیقتی دارد ولی جایش در همینجاست (اشاره به سینه)» یعنی دوتا نیست، همینجایی که شما می‌گویید خون را به سایر اعضاء بدن می‌فرستد، در همینجا یک حقیقت دیگری هم وجود دارد: وسوسه در آن وجود دارد،^{۲۷} فهم وجود دارد، عقل وجود دارد،^{۲۸} همه مسائل در این قلب موجود است. این هم یک دسته از اعضاء. پس خود قلب به تنهایی عضو مهم و امیرالجوارح است.

الْقَلْبُ بِاللِّسْمِ اسْتَشْشَقَ بِأَنْفِهِ فَأَدَى تِلْكَ الرَّائِحَةَ إِلَى الْقَلْبِ وَ إِذَا هَمَّ بِاللُّغْوِ تَكَلَّمَ بِاللِّسَانِ وَ إِذَا هَمَّ بِالْبَطْشِ عَمِلَتِ الْيَدَانُ وَ إِذَا هَمَّ بِالْحَرَكَةِ سَعَتِ الرَّجْلَانُ وَ إِذَا هَمَّ بِالشَّهْوَةِ تَحَرَّكَ الذَّكَرُ فَهَذِهِ كُلُّهَا مُؤَدِّيَةٌ عَنِ الْقَلْبِ بِالْخُرُوبِ وَ كَذَلِكَ يُبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يُطَاعَ لِأَمْرٍ مِنْهُ.

بعضی از اصحاب نقل می‌کنند که از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که به مردی چنین فرمودند: فلانی! بدان که قلب نسبت به جسد انسانی به منزله امام است برای مردم؛ که همه باید اطاعتش کنند، مگر نمی‌بینی که تمام جوارح و اعضاء جسد اعوان و ایادی و مفسر قلب هستند. دو گوش و دو چشم و بینی و دهان و دو دست و دو پا و عورت خواسته‌های قلب را اداء می‌کنند لذا: هر گاه قلب خواسته‌اش نگرستن به چیزی باشد، شخص دو چشمش را می‌گشاید. و زمانی که بخواهد بشنود، شخص دو گوشش را حرکت داده و منفذ آنها را باز کرده تا مطلوب را بشنود. و هر وقت میل داشته باشد بویی را استشمام نماید، شخص با بینی استنشاق کرده در نتیجه بوی مطلوب به قلب می‌رسد. و هنگامی که رغبت به سخن گفتن داشته باشد، به وسیله زبان تکلم می‌کند. و در صورتی که مطلوبش چیزی باشد دستها به کار افتاده و آن چیز را می‌گیرد. و به فرض که مقصودش حرکت کردن باشد، دو پا سعی نموده و راه می‌روند. و اگر محبوبش شهوت و غریزه باشد، زرنه شخص به حرکت و جنبش در می‌آید. پس تمام این اعضاء و جوارح حرکت و فعالیت نموده تا خواسته قلب را اداء کرده و بدین ترتیب اطاعتش می‌کنند. و همچنین شایسته است که خلاق نسبت به امام علیه السلام مانند اعضاء و جوارح بوده و امر آن سرور را اطاعت کنند. (ترجمه ذهنی تهرانی)

مصدر اصلی: علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۱۰

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۵۳ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۲۴۳

۲۵ . ارجاع پژوهشی: عن الرضا (عليه السلام): ... أَنَّ الْأَخْبِتَامَ الْإِنْسَانِيَّةَ جَعَلَتْ عَلَى مِثَالِ الْمَلِكِ فَمَلِكُ الْجَسَدِ هُوَ الْقَلْبُ وَ الْعَمَالُ الْعُرْوَى وَ الْأَوْصَالُ وَ الدَّمَاعُ وَ بَيْتُ الْمَلِكِ قَلْبُهُ وَ أَرْضُهُ الْجَسَدُ وَ الْأَعْوَانُ يَدَا وَ رِجْلَاهُ وَ سَفَتَاهُ وَ عَيْنَاهُ وَ لِسَانُهُ وَ أُذُنَاهُ ...

امام رضا علیه السلام: ... بدن انسان بر سیاق یک مملکت، ساخته شده‌اند. پادشاه این سرزمین، قلب است. رگ‌هایی که در بدن و مغز وجود دارد، کارگران‌اند. خانه آن پادشاه، قلب انسان است. سرزمین آن پادشاه، بدن انسان است، و دستان، پاها، چشمان، لب‌ها، زبان و گوش‌ها نیز یاران اویند...

مصدر اصلی: طب الإمام الرضا عليه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۱۱

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۰۹

۲۶ . ارجاع پژوهشی: و روي عن الإمام الباقر (عليه السلام) في وصيته ع لجابر بن يزيد الجعفي: ... وَ اعْلَمَ أَنَّهُ لَا عَلَمَ كَطَلَبِ السَّلَامَةِ وَ لَا سَلَامَةَ كَسَلَامَةِ الْقَلْبِ ...

امام باقر (عليه السلام) در وصیتش به جابر بن يزيد جعفی: ... بدان که هیچ علمی مانند طلب سلامتی و هیچ سلامتی‌ای مانند سلامت قلب نیست ...

مصدر اصلی: تحف العقول، ص ۲۸۶

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۶۶ / الوافي، ج ۲۶، ص ۲۶۲ / مكاتيب الأئمة عليهم السلام، ج ۳، ص ۲۷۱

۲۷ . ارجاع پژوهشی: قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ... مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ (سوره مبارکه ناس)

بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم ... از زبان وسوسه‌گر کمین گرفته و پنهان، * آنکه همواره در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند * از جنیان و آدمیان.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ لِقَلْبِهِ (فِي صَدْرِهِ) أَذُنَانِ فِي جَوْفِهِ أَذُنٌ يَنْفُثُ فِيهَا الْوَسْوَاسَ الْخَنَّاسَ وَ أَذُنٌ يَنْفُثُ فِيهَا الْمَلَكُ فَيُؤَيِّدُ اللَّهُ الْمُؤْمِنَ بِالْمَلِكِ فَذَلِكَ قَوْلُهُ وَ أَيَّدَهُمْ بِرُوحِ مِنْهُ.

امام صادق (عليه السلام): هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه دارای دو گوش برای قلب خود در سینه‌اش است: گوش‌های که وسواس خناس در آن می‌دمد، و گوش‌های که فرشته در آن صدا می‌کند و خداوند بوسیله فرشته او را تایید می‌نماید و این است معنی وَ أَيَّدَهُمْ بِرُوحِ مِنْهُ (و به روحی از خودش تاییدشان کرده).

۳/۲. اعضاء موثر بر طبایع چهارگانه؛ دومین سطح از اعضاء موثر بر سلامت از نظر آیات و روایات

یک دسته روایات دیگری داریم که مجموع آنها به ما می‌گویند اعضاء موثر بر طبع و مزاج هم خیلی بر سلامت موثر هستند. مثلاً در رساله ذهبیه اینطور آمده که: «لأنَّ الله تعالى بنى الأجسام» می‌فرماید «بنی الاجسام» اجسام ساخته شده و بنا شده «علی اربع طبایع» بر چهار طبیعت: «و هی المرّتان و الدم و البلغم».^{۲۹} بدن انسان از چهار طبیعت تشکیل شده است که چهار عضو در بدن خیلی بر این طبیعت‌ها تاثیرگذارند^{۳۰} و اینها اعضاء سطح دو حوزه سلامت به حساب می‌آیند. بخلاف بعضی از دوستان که

مصدر اصلی: الکافی، ج ۲، ص ۲۶۷

منابع دیگر: الوافی، ج ۵، ص ۱۰۱۳ / بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۴۸

۲۸. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَصَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **الْحَزْمُ فِي الْقَلْبِ وَ الرِّجْمَةُ وَ الْعِلْطَةُ فِي الْكَبِدِ وَ الْحَيَاءُ فِي الرِّتَةِ.** وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ لِأَبِي جَمِيلَةَ: **الْمَعْلُ مَسْكَنَةُ فِي الْقَلْبِ.**

امام صادق (علیه السلام): حزم (انقباض در کار و اطمینان‌یابی) در قلب است و مهر و خشم در کبد، شرم در شش. و در حدیث دیگر ابی جمیله: جای عقل در قلب است.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۸، ص ۱۹۰

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۶، ص ۵۲۷ / بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۳۰۵

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ الْبَرْزَنْطِيُّ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: **إِنَّ الْعِلْطَةَ فِي الْكَبِدِ وَ الْحَيَاءُ فِي الرِّتَةِ وَ الْمَعْلُ مَسْكَنَةُ الْقَلْبِ.**

امام باقر (علیه السلام): همانا غلظت و خشم در کبد، شرم و حیاء در شش، و جای عقل در قلب است.

مصدر اصلی: علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۰۷

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۳۰۴

فِي رِسَالَةِ إِهْلِيلِجَةِ النَّبِيِّ كَتَبَ الصَّادِقُ ع إِلَى الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ وَ ذَكَرَ فِيهَا احْتِجَاجَهُ فِي إِثْبَاتِ الصَّانِعِ تَعَالَى عَلَى الطَّبِيبِ الْهِنْدِيِّ قَالَ ع: ... أَخْبَرَنِي بِمِ تَحْتَجُّ فِي مَعْرِفَةِ رَبِّكَ الَّذِي تَصِفُ قُدْرَتَهُ وَ رُبُوبِيَّتَهُ، وَ إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقَلْبُ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا بِالذَّلَالَةِ الْخَمْسِيَّةِ الَّتِي وَصَفْتَ لَكَ؟ قُلْتُ: **بِالْمَعْلُ الَّذِي فِي الْقَلْبِ، وَ الدَّلِيلُ الَّذِي أَحْتَجُّ بِهِ فِي مَعْرِفَتِهِ.**

در رساله اهلیج امام صادق علیه السلام در نامه‌ای که برای مفضل نوشت و در آن از گفتگوش با پزشک هندی در مورد اثبات خداوند متعال یاد کرد: ... آن گاه پزشک هندی گفت: به من بگو چگونه بر شناخت پروردگاری که او را به توانایی و ربوبیت وصف می‌کنی، استدلال می‌کنی، حال آن که قلب، همه چیز را با حواس پنجگانه که شرح دادم، باز می‌شناسد؟ گفتم: [شناخت خداوند،] با عقلی است که در قلب من جای دارد و با برهانی که در شناخت خداوند، بدان استدلال می‌کنم.

منبع روایت: بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۵۳ (به نقل از رساله اهلیج)

۲۹. **ارجاع پژوهشی:** عن الرضا (عليه السلام): ... لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى الْأَجْسَامَ عَلَى أَرْبَعِ طَبَائِعٍ وَ هِيَ الْمَرَّتَانِ وَ الدَّمُ وَ الْبَلْغَمُ وَ بِالْجُمْلَةِ حَارَّانَ وَ بَارِدَانَ قَدْ حُولِفَ بَيْنَهُمَا فَجَعَلَ الْخَارِئِينَ لَيْتًا وَ يَأْسًا وَ كَذَلِكَ الْبَارِدِينَ طَبًّا وَ يَأْسًا...

چرا که خداوند متعال بدن‌ها را بر چهار طبع بنا کرده است: صفراء، سوداء، دم (خون) و بلغم. و خلاصه [مطلب این است که: این چهار طبع تشکیل شده اند از] دو گرم و دو سرد که میان هر دو تاشان تفاوتی قرار داده است؛ [به این بیان که] آن دو گرم را یا نرم و مرطوب قرار داده [که طبع دم است] و یا خشک [که طبع صفراء است]. و همینطور آن دو سرد را یا نرم و مرطوب قرار داده [که طبع بلغم است] و یا خشک [که طبع سوداء است].

مصدر اصلی: طب الإمام الرضا عليه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۴۸

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۶۶ / مكاتيب الأئمة عليهم السلام، ج ۵، ص ۲۲۳

۳۰. **ارجاع پژوهشی:** چهار عضو از این اعضاء بدن محل پیدایش یک خاصیت‌هایی هستند که بر همه اعضاء بدن تاثیرگذار هستند که ما در طب اسلامی به آنها «طبایع چهارگانه» یا به اصطلاح ساده‌تر «مزاج» می‌گوییم. بنابراین در فیزیولوژی ما یک دور کل اعضاء را مطالعه می‌کنیم، یک دور هم چهار عضو را به صورت ویژه مورد مطالعه قرار می‌دهیم. چرا؟ چون آنها محل «اخلاط» و محل طبایع هستند. مثلاً می‌گویند محل سودا درطحال است، پس این را ویژه بررسی می‌کنیم. چرا؟ چون سودا بر همه اجزاء و جوارح بدن تاثیر دارد چون طبیعتش به این شکل است. محل دم در عروق است پس این را ویژه مطالعه می‌کنیم. ... کیسه صفرا و معده را هم ویژه مطالعه می‌کنیم؛ چون محل بلغم و محل صفرا هستند. ... چرا؟ استدلال آن را بدانید. چون حضرت فرمود: «لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى الْأَجْسَامَ عَلَى أَرْبَعِ طَبَائِعٍ وَ هِيَ الْمَرَّتَانِ وَ الدَّمُ وَ الْبَلْغَمُ» ... دو تا مژه داریم: مژه صفراویه و مژه سوداویه، و دم و بلغم. حضرت می‌فرمایند که اینها به این چهار طبیعت است. بعد در روایت توضیح می‌دهند که «و هي المرّتان و الدم و البلغم» ... دو تا مژه داریم: مژه صفراویه و مژه سوداویه، و دم و بلغم. حضرت می‌فرمایند که بنای بدن بر این چهار طبع است. یعنی این چهار طبع بر همه چیز تاثیر دارد، پس اینها را ویژه مطالعه کنید.

^{۲۹}تحلیل فقهی بیماری در مقایسه با پاتولوژی پوزیتویستی" از سری مکتوبات شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، جزوه پیاده فوری سخنان حجت الاسلام کشوری، ص ۲۵

لینک دریافت فایل جزوه پیاده فوری "تحلیل فقهی بیماری در مقایسه با پاتولوژی پوزیتویستی" از پیام‌رسان ایتا:

می‌خواهند بگویند اعضاء موثر بر مزاج، مهم‌ترین عضوهای بدن هستند (که بعضی از دوستان طب سنتی این حرف را می‌زنند)^{۳۱} ولی به لحاظ روایات در سطح دوم هستند.

یک روایت دیگر خدمت شما بخوانم: «انّ کل واحد من هذه الطبايع» هر کدام از این طبایع، «تحتب ما يشاكلها»^{۳۲} یک غذایی را دوست دارد که با او متناسب باشد؛ مثلاً اگر شما طبیعت گرم دارید غذای سرد - که با آن تناسب دارد - را دوست دارید. اگر کسی طبیعت سرد دارد، کشش و علاقه او به غذای گرم بیشتر است. بعد حضرت می‌فرماید: «فَاتَّخِذْ» یا در بعضی از نسخه‌ها: «فَاغْتَذِ مَا يُشَاكِلُ جَسَدَكَ»^{۳۳} غذایت را متناسب با طبیعت انتخاب کن. لذا دیدید که در این انتخابات ریاست جمهوری آن برادر محترم فرمودند که ما می‌خواهیم ماهیانه ۲۵۰۰ کالری غذا در اختیار خانواده‌ها قرار دهیم. ایشان و دوستانشان چون رساله ذهبیه نخوانده بودند، می‌گفتند غذا را باید بر اساس کیلوکالری طبقه‌بندی کرد. اینجا حضرت می‌فرماید: «فَاغْتَذِ مَا يُشَاكِلُ جَسَدَكَ» ببین طبیعت چیست. غذا را باید بر اساس طبیعت اخذ و تهیه کرد؛ نه بر اساس کیلوکالری. وقتی غذاهایی را که کالری زیادی دارند ولی طبیعت شما متناسب با آن نیست را مصرف می‌کنید، بر مرض شما افزوده می‌شود.

۳/۲/۱. عروق و معده؛ دو عضو از اعضاء موثر بر طبایع چهارگانه

حالا یک سری از اعضاء موثر بر این طبایع اربعه هستند. مثلاً "عروق" و "عرق" (رگ) یک عضو است که موثر بر طبیعت "دم" (خون) است. یا مثلاً "معده" خیلی بر طبیعت "بلغم" تاثیر دارد؛ کسانی که آب زیاد مصرف می‌کنند؛ این آب به کجا می‌رود؟ این آب ابتدائاً به معده می‌آید و سپس به سایر اعضاء منتقل می‌شود، و این باعث می‌شود که بلغم افزایش پیدا کند. بنابراین اعضایی که به یک نحوی با طبیعت‌های چهارگانه ارتباط دارند، اعضاء سطح دو بدن می‌شوند. یعنی اثر اینها در حوزه سلامت اثر خیلی مهمی است. منتها نه بیشتر از قلب انسان.

۳/۳. سایر اعضاء بدن؛ سومین سطح از اعضاء موثر بر سلامت از نظر آیات و روایات

سطح سوم اعضاء هم سایر اعضاء هستند. الان شما "مو" دارید. "مو" چقدر بر اعضاء موثر است؟ بسیار پایین‌تر از "قلب" و "اعضاء موثر بر طبیعت". و همینطور بقیه اعضاء بدن.

۳۱. **ارجاع پرورشی: اعضاء رئیسه** آنها هستند که قواها در بقای شخص و بقای نوع بدانها محتاجند. اما بحسب بقای شخص سه عضوند: اول: قلب که مبدأ قوه حیوانیه است. دوم: دماغ [مغز] که مبدأ قوای حس و حرکت است. و سوم: کبد که مبدأ قوه تغذیه است. اما بحسب بقای نوع همین سه هستند باضافه عضو چهارمی که بیضه‌هاست. اما خادمه الرئیس مثل اعصاب برای دماغ، شرایین برای قلب، آورده [وریدها] برای کبد و مجاری من نسبت به بیضه‌ها. اما اعضای مرنوسه آنهایی هستند که قوای اعضاء رئیسه را دریافت می‌کنند. مثل کلیه، معده، طحال و ریه.

قانونچه در طب (جعفینی، متوفی ۷۴۵)، ص ۱۴

۳۲. **ارجاع پژوهشی:** عن الامام الرضا ع: اَنَّ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْ هَذِهِ الطَّبَائِعِ تُحِبُّ مَا يُشَاكِلُهَا فَاتَّخِذْ مَا يُشَاكِلُ جَسَدَكَ.

امام رضا (علیه السلام): بدان هر کدام از این طبیعت‌ها خواهان غذائیت که با آن مشکل باشد و مناسبت داشته باشد پس غذائی را انتخاب کن که مناسب طبیعت بدنت بوده باشد. (ترجمه امیر صادقی)

مصدر اصلی: طب الإمام الرضا علیه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۱۴

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۲۲ / مکاتیب الأئمة عليهم السلام، ج ۵، ص ۱۹۴

۳۳. **ارجاع پرورشی:** هكذا "فاغتذ" في بعض النسخ بالغين والذال المعجمتين أي اجعل غذاءك، و في بعضها بالمهملتين [أي: فاعتد] من الاعتیاد.

در بعضی از نسخه‌ها: "فاغتذ" یعنی غذایت را قرار بده، و در بعضی دیگر: "فاعتد" یعنی خود را عادت بده.

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۲۲

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

پس نتیجه بحث‌های تفصیل‌الجسم در روایات این می‌شود که دیگر نگاه من و شمای طیب به اعضاء بدن به یک اندازه نخواهد بود؛ بلکه به هر کدام از اعضاء بدن یک وزن خاصی خواهیم داد. و هرگاه به هر کدام از اعضاء یک وزن خاص دادیم، محاسبه خیلی از چیزها تغییر خواهد کرد؛ که یکی از اثراتش در واکسن است، یکی دیگر از اثراتش در تجویز نسخه است.

ارتباط خواهران و برادران با بحث برقرار است؟! برای شما معلوم است که ما داریم به چه سمتی حرکت می‌کنیم؟ کاملاً داریم یک مسیری را بر خلاف Who حرکت می‌کنیم! این شش مساله را که بنده دارم عرض می‌کنم، پایه‌های بحث است. بله؛ اگر ما مثلاً مانند "علوم شناختی" معتقد بودیم که "مغز" مهم‌ترین عضو بدن است، یک فضای دیگری شکل می‌گرفت. و ما اگر با تفصیل‌الجسم خودمان حرکت کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که قلب امیرالجوارح است و یک مسیر دیگری را طی خواهیم کرد. پس این هم شد سوال دوم که من از آن عبور می‌کنم. به همین خاطر گفتم که بحث حدود چهل جلسه نیاز دارد که ده جلسه از آن تشریح جسم انسان است آنچنان که در روایات آمده است. بحث خیلی مهمی است که ان‌شاء الله بعداً به آن بپردازیم.

۴. سوال سوم: ساختار اشیاء تقویت‌کننده ایمنی بدن کدام است؟

۴/۱. بیان خاصیت نهایی اشیاء در نوزده گروه؛ ساختار اشیاء تقویت‌کننده ایمنی بدن

سوال سوم چیست؟ سوال سوم این است که در عالم چند نوع شیء وجود دارد که بر مساله سلامت موثر است؟ آیا فقط خوراکی‌ها هستند؟ یا نه اشیاء دیگری هم در عالم وجود دارند که بر حوزه سلامت موثر هستند؟ عرض کردم که جمع‌بندی ما در مدرسه هدایت این است که: ما نوزده دسته شیء ایمنی‌ساز برای بدن انسان داریم. ببینید بحث چقدر متفاوت است! یعنی شما اگر بخواهید ایمنی بدنتان را بالا ببرید، می‌توانید از نوزده دسته شیء استفاده کنید. حالا این نوزده دسته شیء چه اشیائی هستند؟ فهرست این نوزده دسته شیء برابر با "فهرست جدول تسخیر" است. حتماً با مباحث الگوی پیشرفت از قبل آشنا هستید؛ ما در مباحث الگوی پیشرفت یک جدولی به اسم "جدول تسخیر" داریم.^{۳۴} این جدول در یک جمله آمده "خاصیت نهایی اشیاء" عالم را بحث کرده است. و الان آن ویرایشی که از این جدول در دست است، دویست شیء پرکاربرد در زندگی را بحث کرده است. ما معتقدیم که همه

۳۴. **ارجاع پژوهشی:** بشر همواره تصرفاتی در عالم داشته است؛ ولی در دوران مدرنیته تصرفات بشر، عنصر پایه شده است. به عبارت بهتر در دوران مدرنیته، بشر با شناسایی ویژگی‌های عناصر مانند میزان واکنش پذیری، رسانائی، چکش خوری و... به صورت گسترده‌ای به تولید ترکیبات در حوزه‌های مختلف دست زده است. ترکیبات تولیدی بشر در حوزه‌های مختلف -که بر پایه شناسایی ویژگی‌های عناصر ساخته شده است- در سه حوزه محیط زیست، سلامت و اخلاق تالی فاسدهای فراوانی را به سبک زندگی تحمیل کرده است. برای مواجهه منطقی با تالی فاسدهای سه‌گانه تصرف عنصر پایه، پیشنهاد داده‌ایم: تصرف‌های ترکیب‌پایه و شیء‌محور تبیین شود. در جدول فقهی تسخیر خاصیت و حیث سببیت اشیاء (ترکیبات طبیعی) در رفع نیازهای بشر را تشریح کرده‌ایم.

حجت الاسلام علی کشوری- تبیین اجمالی جدول فقهی تسخیر در مقایسه با جدول مندلیف- مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه- دوشنبه ۱۹ آبان ۱۳۹۹

<http://nro-di.blog.ir/۱۳۹۹/۰۸/۱۹>

این جدول فقهی تبیین‌کننده الگوی جدید برای تصرف بشر در عالم است و در فضای مقایسه با الگوی فعلی "تصرف در طبیعت" به محوریت مطالعات عنصر پایه مطرح شده است. سرفصل‌های این جدول فقهی به هفت پرسش شامل: ۱- فساد و ریشه‌های آن در اندیشه پیامبران کدام است؟، ۲- تعریف تصرف شیء پایه چیست؟، ۳- چه ارتباطی میان تصرف در عالم و منایای بشر وجود دارد؟، ۴- روش تعدیل منایا و روش شناسائی خاصیت نهایی اشیاء چیست؟، ۵- سیر تکوین اشیاء چگونه است؟، ۶- جدول تسخیر اشیاء عالم را چگونه طبقه‌بندی می‌کند؟، ۷- ساختار "اطلاعات پیوسته هر شیء" از نظر فقه چیست؟ پاسخ می‌دهد. در مجموع و بعد از بررسی پرسش‌های اصولی فوق‌الذکر در اولین ویرایش جدول فقهی تسخیر حدود ۲۰۰ شیء پر کاربرد در زندگی بشر را از حیث سببیت و خاصیت نهایی بررسی می‌کنیم. به عبارت بهتر جدول فقهی تسخیر، جدول معرفی اسباب مورد نیاز در زندگی بشر است و آموزش و درایه در آن؛ بی‌نیازی از مطالعات پوزیتویستی را زمینه‌سازی می‌کند. به فضل الهی. جدول فقهی تسخیر از ثمرات اولیه بررسی ویژگی‌های مشترک اشیاء -با روش تحقیق فقهی- است.

حجت الاسلام علی کشوری- دو شنبه ۲ فروردین ۱۴۰۰ هجری شمسی - قم مبارک

<https://citaa.com/olgoi۳۰۲۷/۴>

این دویست شیء در زندگی و در ایمنی موثر هستند. ببینید؛ [با این مبنا] چقدر دایره نگاه طبی توسعه پیدا می‌کند! این دویست شیء را در نوزده دسته طبقه‌بندی کرده‌ایم. دیگر خود دوستان به جدول فقهی تسخیر مراجعه کنند که در آن تمام این نوزده دسته شیء وجود دارد. شرح این نوزده دسته، ده جلسه طول می‌کشد. بنده به عناوین بعضی از آنها اشاره می‌کنم:

۴/۱/۱. گروه اشیاء پایه و تاثیر آنها بر سلامت؛ اولین بحث از ساختار اشیاء تقویت‌کننده بدن

اولین اشیائی که بر سلامت تاثیر دارند، ما اسم آنها را «گروه اشیاء پایه» گذاشته‌ایم. شما می‌دانید که عالم از چهار شیء خلق شده است: آب، آتش، هوا و خاک.^{۳۵} همه این چهار شیء بر سلامت موثر هستند.^{۳۶} مثلاً شما باید بدانید که نسبت خاک با سلامت چیست. نسبت خاک با سلامت، نسبت خواب با سلامت است؛ یعنی خاک یک خاصیتی دارد که مثلاً اگر دیوار خانه شما از خاک باشد و ماده اولیه خاک را تغییر نداده باشند، این باعث می‌شود که خواب شما راحت‌تر باشد. و این یکی از آثار آن است. پس باید نسبت خاک و سلامت را بحث کنیم.

نسبت هوا و سلامت را نیز باید بحث کنیم: امام (علیه السلام) می‌فرماید: «لو حُبِسَ الرِّيحُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ» اگر باد سه روز نوزد، «تَغَيَّرَتِ كُلُّ شَيْءٍ»^{۳۷} همه اشیاء - از جمله: بدن انسان - فاسد می‌شوند و از بین می‌روند. یکی از چیزهایی که بدن انسان نیاز دارد، نسیم و هوای تازه است؛ که مدرنیته با نوع ساخت ساختمان و آپارتمان‌سازی و رعایت نکردن حریم و اشراف [در ساخت ساختمان]، ما را از این نعمت محروم کرده است. لذا شما الان در همه خانه‌ها تهویه مصنوعی دارید. این مساله خیلی مهمی است و بعداً باید در

۳۵. **ارجاع پرورشی:** در اصطلاح طب قدیم این چهار شیء به ارکان و یا عناصر اربعه اشتهار دارد؛ از باب نمونه به این عبارت از کتاب قانونچه توجه فرمایید:

در ارکان و امزجه (مزاج‌ها): ارکان در اصطلاح حکیمان اجسام بسیطی هستند غیر قابل تقسیم به اجسام مختلفه؛ که اجزاء اولیه بدن انسان و غیر انسان را تشکیل می‌دهند؛ و آن چهارند [ارکان اربعه]: ۱- آتش؛ و آن گرم و خشک است. ۲- هوا؛ و آن گرم و تر است. ۳- آب؛ و آن سرد و تر است. ۴- خاک؛ و آن سرد و خشک است.

قانونچه در طب (جعفینی)، ص ۱ و ۲

۳۶. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ سَبْتَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ: كَبَانِخُ الْجِسْمِ عَلَى أَرْبَعَةٍ: فَمِنْهَا الْهَوَاءُ الَّذِي لَا تَحْيَا النَّفْسُ إِلَّا بِهِ وَبِتَسْبِيحِهِ وَ يُخْرِجُ مَا فِي الْجِسْمِ مِنْ دَاءٍ وَ عُفْوَةٍ، وَ الْأَرْضُ الَّتِي قَدْ تُوَلَّدَ النَّبَسُ، وَ الْحَرَازَةُ وَ الطَّعَامُ وَ مِنْهُ يَتَوَلَّدُ الدَّمُ؛ أَلَا تَرَى أَنَّهُ يَصِيرُ إِلَى الْمَعِدَةِ فَتُعْذِيهِ حَتَّى يَلِينُ ثُمَّ يَصْفُو فَتَأْخُذُ الطَّبِيعَةُ صَفْوَةً دَمًا ثُمَّ يَنْحَدِرُ الثَّقَلُ، وَ الْمَاءُ وَ هُوَ يُوَلَّدُ الْبَلْغَمَ.

أبو الحسن علیه السلام می‌فرمود: جسم چهار طبع دارد: ۱- هوا که انسان بدون آن و بدون نسیم آن زنده نمی‌ماند و هر درد و عفونتی را از جسم بیرون می‌کند، و ۲- زمین (خاک) که خشکی و بیوست به وجود می‌آورد، و ۳- گرما و طعام که خون (دم) به وجود می‌آورد؛ مگر نمی‌بینی که طعام به معده می‌رود و معده از آن تغذیه می‌کند تا اینکه نرم شود و تصفیه گردد سپس طبیعت و قوای بدن برگزیده آن غذا را به شکل خون می‌گیرد و ته‌نشین آن را بیرون ریزد، و ۴- آب که باغم پدید می‌آورد.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۸، ص ۲۳۰

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۶، ص ۵۲۶ / بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۳۰۶

۳۷. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ الصَّادِقُ ع لِلزُّنْدِيقِ الَّذِي سَأَلَهُ مَسَائِلَ الرِّيحِ: لَوْ حُبِسَتْ أَيَّامًا لَفَسَدَتْ الْأَشْيَاءُ جَمِيعًا وَ تَغَيَّرَتْ. وَ سَأَلَهُ عَنِ جَوْهَرِ الرِّيحِ فَقَالَ: الرِّيحُ هَوَاءٌ إِذَا تَحَرَّكَ سَمِّيَ رِيحًا فَإِذَا سَكَنَ سَمِّيَ هَوَاءً وَ بِهِ قَوَامُ الدُّنْيَا وَ لَوْ كَفَّتِ الرِّيحُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ لَفَسَدَ كُلُّ شَيْءٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ وَ تَنَنَ وَ ذَلِكَ أَنَّ الرِّيحَ يَمْتَرِلَةُ الْمَرْوَحَةَ تَدْبُ وَ تَدْفَعُ الْفَسَادَ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ تُطَيِّبُهُ فَهِيَ يَمْتَرِلَةُ الرُّوحِ إِذَا خَرَجَ عَنِ الْبَدَنِ تَنَنَ الْبَدَنُ وَ تَغَيَّرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

امام صادق (علیه السلام) در پاسخ یکی از پرسشهای زندیق فرمود: اگر باد چند روز بند آید همه چیز تباہ شود و دگرگون گردد، و از آن حضرت از جوهر باد پرسید فرمود: باد هوا است و چون حرکت کند باد باشد و چون آرام است هوا نام دارد و قوام دنیا بدانست. اگر سه روز باد بایستد هر چه بر روی زمین است تباہ شود و بگنجد، چون باد بمانند بادبزی فساد را دفع کند از همه چیز و آن را پاکیزه سازد، و او چون روح است که وقتی از تن برآید تن تباہ شود و دگرگون گردد، فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ.

مصدر اصلی: الإحتجاج (الطبرسی)، ج ۲، ص ۳۵۰

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۱۶

قَالَ كَعْبٌ: لَوْ حُبِسَ اللَّهُ الرِّيحَ مِنَ الْأَرْضِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ لَأَتَنَّ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ.

کعب گفت: اگر خدا باد را از زمین سه روز بند آرد آنچه میان آسمان و زمین است بگنجد.

منبع: بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۱۷

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

مورد آن بحث شود. آب و آتش هم همینطور است. مثلاً روایت می‌فرماید: «(آب، ماده‌ی الامراض است)»،^{۳۸} آب بلغم را زیاد می‌کند؛^{۳۹} بنابراین اگر شما می‌خواهید سالم بمانید، باید آب را خیلی کم مصرف کنید.^{۴۰} بخلاف پزشکی موجود که می‌گوید: آب باید زیاد مصرف شود. در مورد آتش بدن که محلش معده است^{۴۱} هم باید بعداً بحث کنیم.

۴/۱/۲. گروه اشیاء ظرف مکان و تاثیر آنها بر سلامت؛ دومین بحث از ساختار اشیاء تقویت کننده بدن

گروه اشیاء دوم، «گروه اشیاء ظرف مکان» است: عرش، کرسی،^{۴۲} آسمان‌ها، زمین،^{۴۳} راه‌ها... اینجا یک سوالی به وجود می‌آید که مثلاً تاثیر آسمان و "ما فیها" (آنچه در آن است) بر سلامت چیست؟ آیا اینها را کسی در طب موجود بحث می‌کند؟! بله؛ یک

۳۸ . ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَا تُكْثِرُ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ فَإِنَّهُ مَادَّةٌ لِكُلِّ دَاءٍ.

امام صادق (علیه السلام): زیاد آب نوش؛ چرا که ریشه همه بیماری‌هاست.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۸۲

منابع دیگر: الفصول المهمة، ج ۳، ص ۱۴۰ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۳۸

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَبَّاحٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَهُوَ يُوصِي رَجُلًا فَقَالَ لَهُ: أَقَلِّلْ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ فَإِنَّهُ يَمُدُّ كُلَّ دَاءٍ ...

امام صادق (علیه السلام) در حالی که مردی را توصیه می‌کردند به او فرمودند: کم آب بنوش؛ چرا که ریشه همه بیماری‌هاست ...

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۸۲ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۱

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۳۸ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۱۹۸

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّا كُنَّا وَالْإِكْتَارُ مِنْ شُرْبِ الْمَاءِ فَإِنَّهُ مَادَّةٌ لِكُلِّ دَاءٍ.

امام صادق (علیه السلام): بر شما باد پرهیز از زیاد آب نوشیدن! چرا که ریشه همه بیماری‌هاست.

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۱

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۴۵۵

۳۹ . ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَىٰ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع: ... الْمَاءُ وَهُوَ يُؤَلِّدُ الْبَلْغَمَ.

أبو الحسن علیه السلام می‌فرمود: ... و آب بلغم پدید می‌آورد.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۸، ص ۲۳۰

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۶، ص ۵۲۶ / بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۳۰۶

۴۰ . ارجاع پژوهشی: عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ الدَّبَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَشْرَبُ أَحَدُكُمْ الْمَاءَ حَتَّىٰ يَشْتَهِيَهُ فَإِذَا اشْتَهَاهُ فَلْيُقِلِّ مِنْهُ.

امام صادق (علیه السلام): هیچکدام از شما آب ننوشد مگر در صورتی که اشتها و میل شدید به آن داشته باشد؛ پس هر گاه میل شدید پیدا کردید نیز کم بنوشید.

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۱

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۳۸ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۴۵۵ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۱۹۸

۴۱ . ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنِ الْمُقْصَلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قِيَامَ الْإِنْسَانِ وَبِقَاؤُهُ بِاللَّيْلِ وَالنُّورِ وَالرِّيحِ وَالْمَاءِ قِيَامًا يَأْكُلُ وَيَشْرَبُ وَبِالنُّورِ يُبْصِرُ وَيَعْقِلُ وَبِالرِّيحِ يَسْمَعُ وَيَسْمُ وَبِالْمَاءِ يَجِدُ لَذَّةَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ فَكُلُّ مَا فِي مَعِدَتِهِ لَمَّا هَضَمَتِ الطَّعَامَ وَالشَّرَابَ وَ لَوْ لَا أَنَّ الثَّورَ فِي بَصَرِهِ لَمَّا أَبْصَرَ وَ لَوْ لَا أَنَّ الْعَقْلَ وَ لَوْ لَا أَنَّ الرِّيحَ لَمَّا تَنَهَّيَتْ نَارَ الْمَعِدَةِ وَ لَوْ لَا الْمَاءَ لَمْ يَجِدْ لَذَّةَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ

امام صادق (علیه السلام) فرمود: پایداری انسان و بقایش بچهار چیز است: به آتش و نور و باد و آب، آدمی بوسیله باد و هوا می‌شنود و میبوید و بوسیله آب (و رطوبت بدن و دهان) لذت خوردن و آشامیدن را می‌یابد، پس اگر حرارت در معده آدمی نباشد خوراکی و آشامیدنی را هضم نمی‌کند و اگر روشنی در دیده او نبود نه می‌دید و نمی‌فهمید و اگر باد نبود آتش معده بر افروخته نمیشد و اگر آب نبود لذت خوراکی و آشامیدنی را نمی‌یافت.

مصدر اصلی: الخصال، ج ۱، ص ۲۲۷

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۲۹۳

۴۲ . ارجاع پژوهشی: جهت مشاهده اجمالی از تاثیر عرش و کرسی بر سلامت ر، ک: پیوست شماره ۳.

۴۳ . ارجاع پژوهشی: الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره مبارکه بقره، آیه

(۲۲)

آن پروردگاری که زمین را برای شما بستری گسترده و آسمان را سقفی برافراشته قرار داد و از آسمان، آبی [مانند برف و باران] نازل کرد و به وسیله آن از میوه‌های گوناگون، رزق و روزی برای شما بیرون آورد پس برای خدا شریکان و همتایانی قرار ندهید در حالی که می‌دانید [برای خدا در آفریدن و روزی دادن، شریک و همتایی وجود ندارد] روایتی در تبیین آیه شریفه فوق:

مقدار بحث می شود ولی خیلی دقیق نیست. بنده یک مورد را مثال بزنم و عبور کنم: مثلاً در روایت دارد که: «نور ماه، علت ایجاد مژه میوه ها و محصولات کشاورزی است»؛ لذا شما دیده اید که از وقتی که ما مدل معیوب کشت گلخانه ای را در کشور وارد کرده ایم، مژه محصولات باغی و کشاورزی ما از بین رفته است و الان باید خیلی توضیح داد که مثلاً ۲۰ سال پیش خیار دارای مژه بود! و نسل امروز این را خیلی متوجه نمی شود. این اتفاق برای چه اتفاق افتاده است؟ برای اینکه نور ماه به بوته خیار و سایر محصولات گلخانه ای نمی تابد و این اتفاق الان افتاده است. پس وقتی که داریم راجع به آسمان ها صحبت می کنیم؛ یکی از چیزهایی که در آسمان وجود دارد، ماه است که بر سلامت ما خیلی موثر است. البته همه مسائل آسمان مربوط به ماه نمی شود؛ بلکه مساله نجوم هم هست که الان دیگر وقت آن نیست که در مورد آنها صحبت کنیم.

۴/۱/۳. گروه اشیاء ظرف زمان و تاثیر آنها بر سلامت؛ سومین بحث از ساختار اشیاء تقویت کننده بدن

[گروه سوم اشیاء]: «گروه اشیاء ظرف زمان»؛ زمان ها مثل شب، روز، هفته، ماه، فصل، سال، عمر... شب یک شیء است. آیا پزشکی موجود در مورد مثلاً مساله "شب و سلامت" بحث می کند؟!^{۴۵} مثلاً وقتی شما در مورد "روز و سلامت" یا "شب و سلامت"

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسِّرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي يُوسُفُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ عَنْ أَبِيهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيهِ عَنِ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيهِ عَلِيٍّ عَنِ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى الْقَاسِمِ الْأَسْتَرَابَادِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُوسُفَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ عَنْ أَبِيهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيهِ عَلِيٍّ عَنِ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى الْقَاسِمِ الْأَسْتَرَابَادِيِّ قَالَ: جَمَلُهَا مَلَائِمَةٌ لِكَلْبَانِيكُمْ مُوَافِقَةٌ لَأَجْسَادِكُمْ وَلَا يَجْعَلُهَا شَدِيدَةُ الْحُمَّى وَالْحَرَارَةُ فَتُحْرِقُكُمْ وَلَا شَدِيدَةُ الْبُرُودِ فَتُجَمِّدُكُمْ وَلَا شَدِيدَةُ طَيْبِ الرِّيحِ فَتُصَدِّعُ هَامَاتِكُمْ وَلَا شَدِيدَةُ التَّنَّجُطِ الْلَّيْنِ كَالْمَاءِ فَتُغْرِقُكُمْ وَلَا شَدِيدَةُ الصَّلَابَةِ فَتَمْتِنِعُ عَلَيْكُمْ فِي دُورِكُمْ وَأَنْبِيَتِكُمْ وَفُيُورِ مَوَاتِكُمْ وَ لِكِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ فِيهَا مِنَ التَّمَاتَةِ مَا تَتَنَفَعُونَ بِهِ وَتَتَمَاسِكُ عَلَيْهَا أَبْدَانُكُمْ وَبَيْنَاتُكُمْ وَجَعَلَ فِيهَا مَا تَتَّقَا بِهِ لِدُورِكُمْ وَفُيُورِكُمْ وَكثيرٌ مِنْ مَنَافِعِكُمْ فَذَلِكَ «جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشاً ثُمَّ قَالَ: «وَ السَّمَاءُ بِنَاءً» فَوَقَّكُمْ يُدِيرُ فِيهَا شَمْسَهَا وَ قَمَرَهَا وَ نُجُومَهَا لِتَنَافِعِكُمْ. ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» يَعْنِي: الْمَطَرُ يُنْزِلُهُ مِنْ عَلَى لِيُنْبِتَ فَلَئِنْ جَبَلْتُمْ وَ تَلَاكُمُ وَ هَضَابِكُمْ وَ أَوَهَادَكُمُ ثُمَّ فَرَغَهُ زِدَادًا وَ وَابِلًا وَ هَظْلًا وَ طَلًا لِيَتَشَفَّى أَرْضُكُمْ وَ لَمْ يَجْعَلْ ذَلِكَ الْمَطَرُ نَارًا لِأَنَّكُمْ عَلَيْهِمْ قِطْعَةً وَاحِدَةً فَيُبْسِدُ أَرْضِيكُمْ وَ أَشْجَارَكُمْ وَ زُرُوعَكُمْ وَ تَمَارِكُمْ. ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «فَأَخْرَجَ مِنْهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ» يَعْنِي: مِمَّا يَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ رِزْقًا لَكُمْ «فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا» أَيَّ أَشْبَاهًا وَ أَمْثَالًا مِنَ الْأَصْنَامِ الَّتِي لَا تَعْمَلُ وَ لَا تَسْمَعُ وَ لَا تَبْصُرُ وَ لَا تَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ «وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» أَيَّهَا لَا تَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ مِنْ هَذِهِ النَّعْمِ الْجَلِيلَةِ الَّتِي أَنْعَمَهَا عَلَيْكُمْ رَبُّكُمْ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى.

یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن سیدار از قول پدرانشان از امام عسکری (علیه السلام) نقل کرده اند که آن حضرت از امام هادی و ایشان از امام جواد و ایشان از امام رضا و آن حضرت از امام کاظم و ایشان از امام صادق و امام صادق از امام باقر و ایشان از امام سجّاد (علیهم السلام) نقل فرمودند که آن حضرت در باره آیه: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً» (آن کس که برای شما زمین را همچون بستر و آسمان را همچون ساختمان گردانید - بقره: ۲۲) چنین فرمودند: یعنی خداوند زمین را متناسب با طبیعت، خوی و بدنهای شما قرار داد. آن را نه چنان داغ و سوزان نمود که شما را بسوزاند و نه چنان سرد که در آن یخ بزنید، باد آن نه چنان خوشبو است که از آن سردرد بگیرید و نه آنچنان بد بو که شما را اذیت کند، (و زمین)، نه همچون آب، نرم است که شما را غرق کند و نه آنچنان سخت که نتوانید در آن خانه بنا سازید و قبر بکنید، بلکه خداوند عَزَّ وَجَلَّ، آن مقدار صلابت در آن نهاده است که برای شما مفید و نافع باشد و بتوانید خود و ساختمانهایتان را بر آن نگه دارید و در آن خاصیتی قرار داده است تا برای خانه سازی و قبر کردن و بسیاری منافع دیگر شما مناسب باشد، پس به این خاطر زمین را برای شما همچون بستر گردانیده است. سپس خداوند می فرماید: «وَ السَّمَاءَ بِنَاءً» (و آسمان را همچون بنا و ساختمان گردانید) مراد از «بنا» در اینجا «سقف» است «سقفی که ماه و آفتاب و ستارگان را به خاطر منافع شما در حرکت و چرخش در آورده است». سپس می فرماید: «وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» (از آسمان آب نازل کرد) یعنی بارانی که از بالا فرو می فرستد تا به قلّه های کوه و تپه و قعر دره ها برسد، سپس این باران را به صورتهای مختلف، ریز و تند، درشت و شدید و نم نم در آورد تا زمینی این بارانها را در خود فرا گیرد و این باران را یک جا و یک پارچه نازل نفرمود که در این صورت تمام زمینها، درختان، کشت و زرع و میوه های شما نابود می شد. و خداوند در ادامه می فرماید: «فَأَخْرَجَ مِنْهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ» (سپس به وسیله آن آب، روزی شما یعنی میوه های مختلف را از زمین بیرون آورد) یعنی از آنچه از زمین می روید، برای شما رزق و روزی قرار داد. «فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا» (برای خداوند، ند) قرار ندهید یعنی از میان انتهایی که نه عقل دارند، نه می شنوند، نه می بینند و نه توانایی بر کاری دارند، شبیه قرار ندهید، و حال آنکه خود شما هم می دانید که آن تنها نمی تواند این نعمتهای فراوان و بزرگی را که خداوند تبارک و تعالی به شما داده، به شما عطا کند. (ند یعنی انباز و شریک). (ترجمه غفاری و مستفید)

مصادر اصلی: عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۳۷ / التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص ۱۶۲ / التوحید (للصدوق)، ص ۴۰۴

سند توحید: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَسْتَرَابَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّارٍ عَنْ أَبِيهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيهِ ...

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۸۲

۴۴ . "اعوذُ باللّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّ مِنْ شَيْءٍ وَإِلَّا عِنْدَنَا حَرَائِثُهُ وَمَا تُنْزَلُهُ إِلَّا بِقَدْرِ مَعْلُومٍ". "إِنْ مِنْ شَيْءٍ" اطلاق دارد. "إِنْ مِنْ شَيْءٍ" إِلَّا عِنْدَنَا حَرَائِثُهُ" یعنی چه؟ یعنی اگر یکی از این چیزها سلامت است، "عِنْدَنَا حَرَائِثُهُ". یکی از این چیزها عمر و سلامت است که "شیئی" هستند که "عندنا حَرَائِثُهُ". کلمه "شیئی" در لغت عربی و در لغت فارسی هم به همین معناست و به همه امور اطلاق دارد. آیه می فرماید: "إِنْ مِنْ شَيْءٍ" إِلَّا عِنْدَنَا حَرَائِثُهُ" اصل آن چیزهایی که شما روی کره زمین می بینید "عِنْدَنَا" است، اصلش پیش ماست. بعد

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

بحث می‌کنید، می‌گویید: ما هفت نوع خوابیدن داریم؛ بعضی از این هفت نوع خوابیدن به ضرر سلامت بدن است^{۴۶} و بعضی به نفع سلامت بدن است مثل خواب قیلوله.^{۴۷} این مباحث اثر زمان بر سلامت است؛ ولی بحث نمی‌شود. پس این هم یک دسته شیء است که باید بحث شود.

۴/۱/۴. گروه اشیاء مرتبط با آب و تاثیر آنها بر سلامت؛ چهارمین بحث از ساختار اشیاء تقویت‌کننده بدن

گروه چهارم اشیاء: «اشیاء مرتبط با آب» و سلامت باید بحث شود. مثلاً چشمه،^{۴۸} چاه، رود،^{۴۹} قنات،^{۵۰} دریا،^{۵۱} ماهی،^{۵۲} ابر،^{۵۳} رعد،^{۵۴} باران.^{۵۵} باز در این قسمت نیز یک اشاره کنم و بحث را ادامه دهم: بهترین آب، آب باران است.^{۵۶} لذا ما در "مدیریت

می‌فرماید: «وَمَا تَنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» ما اینها را نازل می‌کنیم، منتها به اندازه مشخص. مثلاً یکی از چیزهایی که اصل آن نزد خداست، عمر است که خداوند متعال "بقدر معلوم" بین همه موجودات توزیع می‌کند. بعضی از موجودات عمرشان یک ماه است، بعضی از موجودات مثلاً تا چند قرن هم عمر می‌کنند. این همان "بقدر معلوم" است که بنا بر علم الهی توزیع می‌شود ولی به اندازه‌های مختلف. پس این اصل بحث است. حالا زمان‌های توزیع در روایات، چهار دسته است؛ یعنی وقتی توزیع در "قدر" اتفاق می‌افتد، چهار دسته زمان داریم.

می‌فرماید: «يَا مَنْ حَتَمَ التَّبَوَّةَ بِمُحَمَّدٍ صِ اِخْتِمَ لِي فِي يَوْمِي هَذَا بِخَيْرٍ وَ شَهْرِي بِخَيْرٍ وَ سَنَّتِي بِخَيْرٍ وَ عُمْرِي بِخَيْرٍ» [۱] این زمان‌های توزیع رزق انسان‌هاست که چهار تاست. پیاده فوری «تبيين الكوي فقهی ارزايی غذا»، سخنان حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری در جمع کارشناسان موسسه کیفیت رضوی است، ۸ مرداد ۱۳۹۹، شهر مقدس مشهد [۱] رواه أحمد بن عثمان بن أحمد الجبائي [الجباز] قال حدثني أبي عن علي بن محمد قال حدثنا الحسين بن علي بن سفيان الزوفري رحمه الله قال حدثنا أبو الحسن الأدي علي بن مخلد قال حدثنا همام بن نهيك عن أحمد بن حنبل عن ابن أبي عمير عن أمية بن علي قال قال أبو عبد الله ع من قال عند غروب الشمس في كل يوم: «يا من حتم التبوّة بمحمد ص اختم لي في يومي هذا بخير و شهري بخير و سنتي بخير و عمري بخير» فمات في تلك الليلة أو في الجمعة أو في ذلك الشهر أو في تلك السنة دخل الجنة.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس هنگام غروب آفتاب در هر روز بگوید: «یا من حتم التبوّة بمحمد صلی الله علیه و آله، اختم لی فی یومی هذا بخیر، و شهری بخیر، و سنتی بخیر، و عمری بخیر.» ای خدای که پیامبری را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله خاتمه دادی، این روز و ماه و سال و عمرم را به خیر و خوبی خاتمه ده. اگر در آن شب یا در جمعه همان هفته، یا در آن ماه، یا در آن سال بمیرد، وارد بهشت می‌گردد.»

فلاح السائل (سیدین طاووس)، ص ۲۳ / کتاب مصباح المتعجب (شیخ طوسی)، ج ۱، ص ۸۳

۴۵. یکی از ارتباطات بین شب و سلامت، ارتباط بین غذا خوردن در شب و سلامت است. جهت مشاهده روایات در باب تاثیر غذای شب بر سلامت ر، ک: پیوست شماره ۴.

۴۶. **ارجاع پژوهشی:** و یاسناده عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جده علي بن الحسين عن أبيه عن علي بن أبي طالب ع قال قال رسول الله ص: **التَّوْمُ أَوَّلُ النَّهَارِ حُرْقٍ، وَ الْفَائِلَةُ نِعْمَةٌ، وَ التَّوْمُ بَعْدَ الْعَصْرِ حُرْقٌ، وَ التَّوْمُ بَيْنَ الْعِشَاءِ يَنْحَرِمُ الرُّزْقُ.**

امام صادق (ع) بنقل از رسول خدا (ص) فرمود: خواب اول روز کم خردی و بدکرداریست، و میان روز (قیلوله) نعمت است، و خواب پس از عصر حماقت است، و میان مغرب و عشاء از روزی محروم سازد.

مصادر اصلی: الجعفریات (الاشعثیات)، ص ۱۵۷ / مکارم الاخلاق، ص ۲۸۸ (مرسلا)

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۸۵

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْوَلَوِيِّ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمَيْمَنِيِّ عَنِ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَصَافِيْرُ عَلَى الْحَاظِطِ فَبَاتَتْهُ يَبْحَثُ فَقَالَ يَا أَبَا حَمْزَةَ أَ تَدْرِي مَا يَمْلَأُنْ قَالَ يَحَدِّثُنْ أَنْ لَهُنَّ وَ قَدْ بَسَّالْنَ فِيهِ فَوْتَهُنَّ. يَا أَبَا حَمْزَةَ! لَا تَتَّامَنَّ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ؛ فَإِنِّي أَخْرَجْتُهَا لَكَ. إِنَّ اللَّهَ يَقْسَمُ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ أَرْزَاقَ الْعِبَادِ وَ عَلَى أَيْدِيْنَا يَجْرِيهَا.

ابی حمزه می‌گوید: امام سجاد (علیه السلام) به من فرمود: ... ای ابی حمزه! پیش از طلوع خورشید خواب که من آن را برایت بد میدانم زیرا خدا در آن روزی مردم را پخش میکند و اجراء آن بدست ماست.

مصدر اصلی: بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۳۴۳

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۴۹۹ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۸۵

۴۷. **ارجاع پژوهشی:** عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمَيْرِيِّ عَنِ هَازُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ ص إِنَّ أَعْرَابِيًّا أَتَى النَّبِيَّ ص فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ص! إِنِّي كُنْتُ رَجُلًا ذُكُورًا فَصُرْتُ نَسِيًّا. فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص: لَعَلَّكَ اغْتَدْتَ الْفَائِلَةَ فَتَرَكْتَهَا! فَقَالَ: أَجَلٌ. فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص: فَعُدَّ يَرْجِعْ إِلَيْكَ حِفْظُكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

امام باقر (ع) که فرمود: يك اعرابي نزد پیغمبر (ص) آمد و گفت: یا رسول الله (ص)! من مردی یادآور بودم و فراموشکار شدم. آن حضرت فرمود: شاید عادت به خواب نیم روز (قیلوله) داشتی و آن را وا گذاشتی؟ گفت: آری فرمودش بدان بازگرد تا یادآوریت بتو برگردد ان شاء الله.

مصدر اصلی: قرب الإنسان، ص ۷۱

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۵۰۱ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۸۵

۴۸. **ارجاع پژوهشی:** أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَهِ فَتَرَاهُ مَضْفَرًا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ (سوره مبارکه زمر، آیه ۲۱)

آیا ندانسته‌ای که خدا از آسمان آبی نازل کرد، پس آن را به صورت چشمه‌هایی در زمین درآورد، آن گاه به وسیله آن زراعتی را که رنگ‌هایش گوناگون است، بیرون می‌آورد، سپس [آن زراعت] خشک می‌شود، در نتیجه آن را به رنگ زرد بینی، پس آن را ریز ریز و در هم شکسته می‌کند بی‌تردید در این [دگرگونی‌ها] برای خردمندان هشدار و عبرتی است.

۴۹. **ارجاع پژوهشی:** اَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ جَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَ جَعَلَ لَهَا رَوَاسِي وَ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا تَعْمَلُونَ (سوره مبارکه نمل، آیه ۶۱) [آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه زمین را [برای موجودات در آن] آرام و قرارگاه ساخت و در شکاف‌هایش نهرهایی پدید آورد، و برای آن کوه‌هایی استوار قرار داد [تا زیر پای اهلیش نلرزد]، و میان دو دریا [ی شیرین و شور] مانع و حایلی قرار داد [که با هم مخلوط نشوند] آیا با خدا معبودی دیگر هست [که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد]؟! [نه، نیست] بلکه بیشترشان اهل معرفت و دانش نیستند.

۵۰. **ارجاع پژوهشی:** یکی از سیره‌های اهلیت (علیهم‌السلام) خصوصاً امیرالمومنین (علیه‌السلام) مدیریت و تامین آب برای زندگی مردم بوده است؛ عمده این امر با روش حفر چاه و قنات صورت می‌گرفته است. برای نمونه به یک روایت در این باب اکتفاء می‌شود: مُحَمَّدٌ بَنِي يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّظَرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي أُتُوبِ بْنِ عَطِيَّةِ الْحَدَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: قَسَمَ نَبِيُّ اللَّهِ ص الْفِيءَ فَأَصَابَ عَلِيًّا ع أَرْضًا فَاحْتَفَرَ فِيهَا عَيْنًا [۸] فَخَرَجَ مَاءٌ يَنْبُعُ فِي السَّمَاءِ كَهَيْئَةِ عُنُقِ الْبَعِيرِ فَسَمَّاها يَنْبُعَ فَجَاءَ الْبَيْتِيُّ بِسُيَّرٍ فَقَالَ ع بَشِّرِ الْوَارِثَ هِيَ صَدَقَةٌ بَنَتْهُ بَنَاءً فِي حَجَجِ بَيْتِ اللَّهِ وَ عَابِرِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تَبَاعُ وَ لَا تُوَهَّبُ وَ لَا تُورَثُ فَمَنْ بَاعَهَا أَوْ وَهَبَهَا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ* لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَ لَا عَدْلًا.

امام صادق (علیه‌السلام): رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) غنایم را تقسیم کردند و یک قطعه زمین به علی (علیه‌السلام) رسید. علی در آن زمین چشمه‌ای (چاه و قنات) حفر کرد و چشمه به آب رسید و مانند گردن شتر از آن آب به آسمان فوران کرد، لذا حضرت آن را «عین نبع چشمه جوشان» نامید. کسی آمد که به آن حضرت مژده دهد. حضرت فرمود: وارث را بشارت ده! این صدقه‌ای است قطعی و مسلم برای حاجیان خانه خدا و مسافران راه آن. نه فروختنی است نه بخشیدنی و نه ارث بردنی. پس هر که آن را بفروشد یا ببخشد لعنت خدا و فرشتگان و مردم همه بر او باد و خداوند از او هیچ توبه و فدیهای نپذیرد.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۷، ص ۵۵ / تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۴۸
سند تهذیب: الْحُسَيْنِيُّ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ النَّظَرِ بْنِ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي أُتُوبِ بْنِ عَطِيَّةِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع
دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۳۴۱
منابع دیگر: الوافی، ج ۱۰، ص ۵۶۰ / وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۱۸۶ / بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۷۱

[۱] معنای "عین" در لغت: چشمه آب، مخزن آب، مجرای آب قنات.

فرهنگ ابجدی عربی فارسی، ص ۶۳۱

۵۱. **ارجاع پژوهشی:** وَ هُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا مَلْبُوسًا وَ تَرَى الْقُلُوكَ مَوَازِرَ فِيهِ وَ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (سوره مبارکه نحل، آیه ۱۲)

و اوست که دریا را رام و مسخر کرد تا از آن گوشت تازه بخورید، و زینتی را که می‌پوشید از آن بیرون آورید و در آن کشتی‌ها را می‌بینی که آب را می‌شکافند [تا شما را برای حمل کالا، تجارت و داد و ستد جایجا کنند] و برای اینکه از فضل و احسان خدا طلب کنید و [در نهایت] به سپاس‌گزارای خدا برخیزید.

۵۲. **ارجاع پژوهشی:** جهت مشاهده روایاتی در مورد تاثیر ماهی بر سلامت ر، ک؛ پیوست شماره ۵.

۵۳. **ارجاع پژوهشی:** وَ هُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا مِثَالًا سَفِينًا لَبِذًا لَبَدَّتْ قَائِلِينَ بِهَ الْمَاءِ فَاخْرَجْنَا مِنْهُ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (سوره مبارکه اعراف، آیه ۵۷)

و اوست که بادها را پیشاپیش [باران] رحمتش به عنوان مژده دهنده می‌فرستد تا هنگامی که ابرهای سنگین باران بردارند، آن را به سوی سرزمینی مرده می‌رانیم، پس به وسیله آن باران نازل می‌کنیم و به وسیله باران از هر نوع میوه [از زمین] بیرون می‌آوریم [و مردگان را نیز [در روز قیامت] این گونه [از لابلای گورها] بیرون می‌آوریم، [باد، ابر، باران، زمین، رویدن گیاهان و انواع میوه‌ها را مثل زدیم] تا متذکر [آراده و قدرت بی‌نهایت خدا] شوید.
أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُمْ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَ يُنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيَقْبِضُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ عَن مَّنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ (سوره مبارکه نور، آیه ۴۳)

آیا ندانسته‌ای که خدا ابری را [به آرامی] می‌راند، آن گاه میان [اجزای] آن بینی که پیوند برقرار می‌کند، سپس آن را انبوه و متراکم می‌سازد، پس می‌باران از لابلای آن بیرون می‌آید، و از آسمان از کوه‌هایی از ابر یخ زده که در آن است، تگرگی فرو می‌ریزد، پس آسیب آن را به هر که بخواهد می‌رساند، و از هر که بخواهد برطرف می‌کند، نزدیک است درخشندگی برقرش دیده‌ها را کور کند.

۵۴. **ارجاع پژوهشی:** وَ مِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ يُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ بَرْدًا مَوْتًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (سوره مبارکه روم، آیه ۲۴)
و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او است که برق را مایه ترس [از صاعقه] و امید [به باران] به شما می‌نمایاند، و از آسمان آبی نازل می‌کند که زمین را پس از مردگی‌اش به وسیله آن زنده می‌کند قطعا در این [شگفتی‌های آفرینش] نشانه‌هایی است برای مردمی که تعقل می‌کنند.

۵۵. **ارجاع پژوهشی:** وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ نَبَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِوَانٍ دَانِيَةً وَ جَنَاطٍ مِنْ أَعْنََابٍ وَ الرِّيُّونَ وَ الرِّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ يُنْعَمُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (سوره مبارکه انعام، آیه ۹۹)

استحصال آب" که بحث می‌کنیم، یک "سامانه ۶ بخشی برای استحصال آب" داریم که یک بخش از آن فرایندی برای استحصال آب باران است. آب باران بهترین نوع آب برای شرب است که باید یک فرایند استحصالی برای آن طراحی شود. پس اشیاء مرتبط با آب که گروه چهارم اشیاء هستند؛ خودشان یک تاثیراتی بر سلامت دارند.

۴/۱/۵. گروه اشیاء مرتبط با آتش و تاثیر آنها بر سلامت؛ پنجمین بحث از ساختار اشیاء تقویت کننده بدن

[گروه پنجم اشیاء]: «اشیاء مرتبط با آتش»: خورشید، ماه، کواکب، نجوم، شهاب. اینها همه عناوین نو برای تحقیق است مثلاً کسی بگوید که این "شهاب"ها که از اصطلاحات قرآن است،^{۵۷} چه تاثیری بر سلامت دارند؟ اثر "خورشید" بر سلامت چیست؟ مثلاً یک مثال ساده‌اش این است که می‌گویند شما هیچوقت نباید رو به آفتاب باشید؛ چون بیماری‌های بدنتان تحریک می‌شود.^{۵۸} ولی اگر آفتاب از پشت به شما بتابد، باعث کاهش بیماری‌ها می‌شود.^{۵۹} پس اشیاء هم بر مساله سلامت موثر هستند.

و اوست که از آسمان آبی فرستاد، و به وسیله آن گیاهان گوناگون را [از زمین] رویاندم، و از آن ساقه‌ها و شاخه‌های سبز درآوردیم، و از آن دانه‌های متراکم را خارج می‌کنیم، و از شکوفه درخت خرما خوشه‌های سر فروشته [به وجود می‌آوریم]، و باغ‌هایی از انگور و زیتون و انار شبیه به هم و بی‌شباهت به هم [بیرون می‌آوریم] به میوه‌اش چون میوه دهد و به کیفیت رسیدنش با تأمل بنگرید، مسلماً در این [امور] برای قومی که ایمان می‌آورند، نشانه‌هایی [بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا] است.

۵۶. **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ) عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: اشْرَبُوا مَاءَ السَّمَاءِ فَإِنَّهُ يَطْفِرُ الْبَدَنَ وَ يَدْفَعُ الْأَسْقَامَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: " وَ يُنَزَّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَ يَذْهَبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَ يَتَّبِعَ بِهِ الْأَقْدَامَ. " (سوره مبارکه انفال، آیه ۱۱)

امیرالمومنین (علیه السلام): آب باران را بنوشید؛ چرا که بدن را پاکیزه و بیماری‌ها را دفع می‌کند. خداوند عز و جل فرمود: "و برایتان آبی از آسمان نازل کرد تا شما را به وسیله آن [از آلودگی‌ها] پاک کند، و وسوسه شیطان را [که از بدترین کتافات است] از شما برطرف نماید، و دل‌هایتان را استحکام دهد، و گام‌هایتان را به آن استوار و پا برجا کند." (سوره مبارکه انفال، آیه ۱۱)

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۴

منابع دیگر: الکافی، ج ۶، ص ۳۸۷

سند کافی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَائِلُ الشَّيْخَةِ، ج ۲۵، ص ۲۶۶ / الوافي، ج ۲۰، ص ۵۸۳

۵۷. **ارجاع پژوهشی:** إِنَّا رَبُّنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِرَبِّتِ الْكَوَاكِبِ * وَ حِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ * لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَ يُفْذِقُونَ مِّنْ كُلِّ جَانِبٍ * دُخُورًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ * إِلَّا مَن خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شَهَابٌ ثَاقِبٌ (سوره مبارکه صافات، آیه ۴ تا ۱۰)

همانا ما آسمان دنیا را به زیور ستارگان آراستیم، * و آن را از هر شیطان سرکشی حفظ کردیم، * آنان نمی‌توانند به سخنان فرشتگان بسیار مکرم و شریف گوش فرا دهند، و [هرگاه به گوش دادن برخیزند]، از هر سو [شهاب] به سویشان پرتاب می‌شود، * تا با خفت و خواری رانده شوند، و برای آنان عذابی همیشگی است، * مگر آنکه شیطانی خبری را [دزدانه و] با سرعت برآید [و فرار کند] که در این صورت گلوله‌ای آتشین و شکافنده او را دنبال می‌کند.

۵۸. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْجَمْعِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو يَحْيَى شَهْبَلُ بْنُ زِيَادٍ الْوَاسِطِيُّ بِإِسْنَادِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: لَا تَسْتَقْبِلُوا الشَّمْسَ فَإِنَّهَا مَبْخَرَةٌ تُشْحِبُ اللَّوْنَ وَ تُبْلِي التَّوْبَ وَ تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ. امام علی علیه السلام: رو به خورشید قرار مگیرید؛ زیرا بدبو کننده دهان است، رنگ را می‌پرازد، جامه را کهنه می‌سازد و دردهای نهفته را آشکار می‌نماید.

مصدر اصلی: الخصال، ج ۱، ص ۹۷

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۱۰ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۸۳

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ وَهَبِ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ عُثَيْبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمُرُوزِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: فِي الشَّمْسِ أَرْبَعُ خِصَالٍ تَغَيِّرُ اللَّوْنَ وَ تُنْتِشُ الرِّيحَ وَ تُخْلِقُ النَّيَابَ وَ تُورِثُ الدَّاءَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در آفتاب، چهار ویژگی است: رنگ را دگرگون می‌سازد، بوی [بدن] را بد می‌کند، جامه را کهنه می‌نماید، و بیماری را جای می‌نهد.

مصادر اصلی: الخصال، ج ۱، ص ۲۴۹ / روضة الواعظین (فقال نیشابوری)، ج ۲، ص ۳۱۰ (مرسلا)

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۱۰ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۸۳

۵۹. **ارجاع پژوهشی:** حَدِيثُ الْأَرْبَعِيَّةِ: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُثَيْبِ الْبُقَطِينِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعِيَّةً تَابَ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ: ... إِذَا جَلَسَ أَحَدُكُمْ فِي الشَّمْسِ فَلْيَسْتَدْبِرْهَا فَإِنَّهَا تَطْفِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ.

امام علی علیه السلام: هر گاه کسی از شما در زیر آفتاب می‌نشیند، پشت به خورشید قرار گیرد؛ چرا که آفتاب، بیماری‌های نهفته را آشکار می‌سازد.

۴/۱/۶. گروه اشیاء مرتبط با باد و تاثیر آنها بر سلامت؛ ششمین بحث از ساختار اشیاء تقویت کننده بدن

گروه ششم اشیاء: [«اشیاء مرتبط با باد»] هوا، باد، باد جنوب، باد شمال، باد دبور، باد صبا. اینها انواع و اقسام بادها هستند. مثلا وقتی خانه می‌سازید، باید خانه را به یک جهتی بسازید که باد شمال را دریافت کنید. بعضی از بادها را نباید دریافت کرد و بعضی را باید دریافت کرد؛^{۶۱} واقعا تاثیر اینها بر حوزه سلامت متفاوت است. پس بحث از باد و انواع و اقسام آن یک ایمنی‌ساز است و برای انسان سلامت به وجود می‌آورد.

۴/۱/۷. گروه اشیاء مرتبط با کوه و تاثیر آنها بر سلامت؛ هفتمین بحث از ساختار اشیاء تقویت کننده بدن

گروه هفتم اشیاء: «اشیاء مرتبط با کوه» است. مثل «معادن». می‌دانید که ما هفت نوع معدن مهم در اسلام داریم که معادن اصلی هستند. که حالا بنده مشغول هستم که نقشه معادن قم را با همین نگاه فقهی بر روی زمین تعیین و مشخص کنم که ان شاء الله این نقشه معادن را در سالهای آینده روی زمین پیاده‌سازی کنیم. خوب؛ همه اینها بر مسائل سلامت اثر دارند؛ مثلا شما "اثر آهن و

مصادر اصلی: الخصال، ج ۲، ص ۶۱۷ / تحف العقول، ص ۱۰۷ (مرسلا)

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۸

۶۰. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ وَ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الرِّيحِ الْأَرْبَعِ السَّمَالِ وَالْجَنُوبِ وَالصَّبَا وَالِدَّبُورِ وَ قُلْتُ إِنَّ النَّاسَ يُدْكَرُونَ أَنَّ السَّمَالَ مِنَ الْجَنُوبِ مِنَ التَّارِ فَقَالَ إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ جُنُودًا مِنْ رِيَّاحٍ يُعَدُّ بِهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عَصَاةٍ وَ لِكُلِّ رِيحٍ مِنْهَا مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِهَا... وَ لِلَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ رِيَّاحٌ رَحْمَةٌ لَوَاقِحٌ وَ غَيْرُ ذَلِكَ يَشْرُهَا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ؛ مِنْهَا مَا يُهَيِّجُ السَّحَابَ لِلْمَطَرِ وَ مِنْهَا رِيَّاحٌ تَخْبِشُ السَّحَابَ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ رِيَّاحٌ تَنْصُرُ السَّحَابَ فَتَمُطِرُهُ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ مِنْهَا رِيَّاحٌ مِمَّا عَدَّدَ اللَّهُ فِي الْكِتَابِ. فَأَمَّا الرِّيحُ الْأَرْبَعُ السَّمَالَ وَ الْجَنُوبُ وَ الصَّبَا وَ الدَّبُورُ فَإِنَّمَا هِيَ أَسْمَاءُ الْمَلَائِكَةِ الْمُوَكَّلِينَ بِهَا.

ابی بصیر که از امام ششم علیه السلام پرسیدم از چهار باد: شمال، جنوب، صبا و دبور به او گفتم: مردم گویند: شمال از بهشت است و جنوب از دوزخ. فرمود: برای خدا لشکرها است از باد که عذاب دهد به آنها هر که را خواهد از از گنهکاران، هر بادی فرشته دارد که به آن گماشته است... خداوند عز و جل را بادهای رحمت برآور -و غیر آن- است که پیش از باران آنها را پخش کند؛ مانند بادی که ابر را برانگیزد برای باران، و چون بادها که ابر را میان آسمان و زمین نگهدارند و بادها که ابر را بفشارند تا باران برآورد، و چون بادها که ابر را بپاشند، و چون بادها که خدا در قرآن شمرده. و اما چهار باد بنام: شمال، جنوب، صبا و دبور همانا نامهای فرشته‌های گماشته به آنها هستند.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۸، ص ۹۱ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۴۵

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۶، ص ۴۹۴ / بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۱۲

۶۱. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ الصَّادِقُ ع: نِعْمَ الرِّيحُ الْجَنُوبُ تَكْسِرُ الْبَرْدَ عَنِ الْمَسَاكِينِ وَ تُلْفِحُ السَّجَرَ وَ تُسَبِّلُ الْأَوْدِيَةَ.

امام صادق (علیه السلام): باد جنوب چه خوش بادی است، شدت و سورت سرما را از مستمندان می‌شکند و بازمی‌دارد، و درختان و گیاهان را باردار می‌سازد، و آب را در رودخانه‌ها به سیلان و جریان می‌اندازد.

مصادر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۴۷

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۶ / الوافی، ج ۲۶، ص ۴۹۶

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أميرالمؤمنين (عليه السلام) از رسول خدا (صلى الله عليه وآله): من با باد صبا یاری شدم و عاد با دبور نابود شده‌اند، و باد جنوب نوزد جز آنکه خدا بدان بارانی دهد و نه‌ری را روان سازد.

مصادر اصلی: الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۱۹۲ / النوادر (لراوندی)، ص ۹ (مرسلا)

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۱۵

۶۲. **ارجاع پژوهشی:** قال الصادق ع: فَكَّرَ يَا مُفَضَّلُ فِي هَذِهِ الْمَعَادِنِ وَ مَا يُخْرَجُ مِنْهَا مِنَ الْجَوَاهِرِ الْمُتَخَلِّقَةِ مِثْلَ الْجِصِّ وَ الْكَلْسِ وَ الْجَبْسِينِ وَ الرِّزْنِخِ وَ الْمَرْتَكِ وَ التُّوتِيَاءِ وَ الرُّزْبِقِ وَ التُّحَاسِ وَ الرِّضَاصِ وَ الْفِضَّةِ وَ الذَّهَبِ وَ الرُّبْرِجِدِ وَ التَّبَاقُوتِ وَ الرُّمُزْدِ وَ حُرُوبِ الْحِجَازَةِ وَ كَذَلِكَ مَا يُخْرَجُ مِنْهَا مِنَ الْقَارِ وَ الْمُومِيَا وَ الْكِبْرِيَّتِ وَ التُّفَطِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِمَّا يَسْتَعْمَلُهُ النَّاسُ فِي مَأْرِبِهِمْ. فَهَلْ يَخْفَى عَلَى ذِي عَقْلٍ أَنَّ هَذِهِ كُلُّهَا ذَخَائِرٌ دُخِرَتْ لِلْإِنْسَانِ فِي هَذِهِ الْأَرْضِ لِيَسْتَخْرِجَهَا فَيَسْتَعْمِلَهَا عِنْدَ الْحَاجَةِ إِلَيْهَا.

امام صادق (علیه السلام): ای مفصل! در معادن که از آنها جواهری چون: گچ، آهک، زرنیخ، مردار سنگ، سنگ سرمه، جیوه، مس، سرب، نقره، طلا، زبرجد، یاقوت، زمرد و انواع سنگها استخراج می‌شود نظاره کن. همچنین قیر، مومیا، گوگرد، نفت و دیگر چیزهایی که مردم با آنها رفع نیاز می‌کنند و از آنها استفاده می‌نمایند. آیا بر هیچ عاقل و خردمندی پوشیده است که تمام این ذخایر برای آدمی در زمین ذخیره شده تا در وقت نیاز از آنها استخراج کند و استفاده نماید؟

مصادر اصلی: توحید المفضل، ص ۱۵۱

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۱۸۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۸۵ / جامع احادیث الشيعة، ج ۲۲، ص ۲۷۸

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

سلامت" را باید بدانید، "اثر زرنیخ (که جزو معادن مهم است) و سلامت" را باید بدانید، "اثر آهک و سلامت"،^{۶۳} "اثر سُرَب و سلامت"، "اثر نمک (که جزو معادن است) بر سلامت"^{۶۴} را باید بدانید. اینها باید به تفصیل بحث شود.

۴/۱/۸. گروه حیوانات و تاثیر آنها بر سلامت؛ هشتمین بحث از ساختار اشیاء تقویت کننده بدن

گروه هشتم اشیاء: «حیوانات» هستند. در حیوانات، مساله مهم گوشت و شیر مطرح است که تاثیر آنها بر سلامت انسان خیلی مهم است. ۶۵ مثلاً اگر شما آمدید گفتید که گوشت بُز بهترین گوشت است؛ تداوم مصرف آن سوداء را افزایش می‌دهد. اما اگر گفتید که گوشت گوسفند بهترین گوشت است؛ چه اتفاقی می‌افتد؟ این گوشت تعدیل طبایع ایجاد می‌کند و برای همه طبایع مفید است. ۶۶ پس مهم است که شما زیست جانوری و انواع و اقسام حیوانات از حیث تاثیرشان بر سلامت را بحث کنید.

۴/۱/۹. گروه پرندگان و تاثیر آنها بر سلامت؛ نهمین بحث از ساختار اشیاء تقویت کننده بدن

همینطور مساله «پرندگان» ملحق به این بحث است که ما آن را در گروه نهم اشیاء بحث کرده‌ایم: خروس، کبوتر، مرغ، جغد، طاووس، پرستو، هدهد. من نمی‌بینم که در مقالات I.S.I و گفتگوهای پزشکی موجود راجع به اینها به صورت تفصیلی بحث شود. مثلاً الان خیلی از دوستانمان در وزارتخانه بنا را بر این گذاشته‌اند که سبد اصلی مصرف گوشت، گوشت مرغ باشد. خب؛ این ناشی از نشناختن خاصیت‌های مرغ است.^{۶۷} بجای اینکه همت را بگذارند بر اینکه گوشت برتر را چیز دیگری قرار بدهند؛

۶۳. **ارجاع پرورشی:** وقتی آهک با زرنیخ مخلوط شوند، موهای بدن را می‌کنند. که به آن نوره می‌گویند.

المصباح المنیر (فیومی)، ج ۲، ص ۶۳۰

همچنین در رساله ذهبیه اینچنین فرموده‌اند: «وَ لِيَكُنْ زَرْنِيخُ التُّورَةِ مِثْلَ ثَلَاثِهَا». یعنی: زرنیخ نوره باید یک سوم آن باشد.

طب الإمام الرضا علیه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۳۳

جهت مشاهده روایاتی در باب تاثیر استعمال نوره بر سلامت ر، ک؛ پیوست شماره ۶.

۶۴. جهت مشاهده روایاتی در باب تاثیر نمک بر سلامت ر، ک؛ پیوست شماره ۷.

۶۵. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدٌ بُنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: إِذَا ضَعَفَ الْمُسْلِمُ فَلْيَأْكُلِ اللَّحْمَ بِاللَّبَنِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): مسلمان، اگر ضعیف شد، گوشت با شیر بخورد.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۱۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۶۷

سند محاسن: عَنْهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنِ ابْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۰۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۵۹ (کلاهما عن الکافی)

عن امیرالمومنین ع: إِذَا ضَعَفَ الْمُسْلِمُ فَلْيَأْكُلِ اللَّحْمَ بِاللَّبَنِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْقُوَّةَ فِيهِمَا.

امیرالمومنین (علیه السلام): مسلمان، اگر ضعیف شد، گوشت با شیر بخورد؛ چرا که خداوند قوت را در این دو قرار داده است.

تحف العقول، ص ۱۰۷

۶۶. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ أَطْنَةُ مُحَمَّدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: ذَكَرَ بَعْضُنَا اللَّحْمَانَ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا ع فَقَالَ: مَا لَحْمٌ بِأَطْيَبَ مِنْ لَحْمِ الْمَاعِزِ. قَالَ فَتَنَظَّرَ إِلَيْهِ أَبُو الْحَسَنِ ع وَ قَالَ: لَوْ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَضْعَةً هِيَ أَطْيَبُ مِنَ الضَّأْنِ لَفَدَى بِهَا إِسْمَاعِيلَ ع.

به نقل از سهل بن زیاد، از یکی از هم‌مسلمانانش (به گمان، محمد بن اسماعیل): یکی از ما نزد امام رضا علیه السلام، از گوشت، یاد کرد و گفت: هیچ گوشتی خوش‌تر از گوشت بز نیست. پس، امام رضا علیه السلام به او نگریست و فرمود: «اگر خداوند، گوشتی خوش‌تر از گوشت میش (گوسفند) آفریده بود، همان را فدیه اسماعیل علیه السلام می‌ساخت.»

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۱۰

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۲۸۹ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۴۳

۶۷. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدٌ بُنُ يَحْيَى عَنْ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنِ السَّبَّارِيِّ رَفَعَهُ قَالَ: «ذَكَرْتُ اللَّحْمَانَ بَيْنَ يَدَيْ عُمَرَ؛ فَقَالَ عُمَرُ: أَطْيَبُ اللَّحْمَانَ لَحْمُ الدَّجَاجِ. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: كَلَّا! إِنَّ ذَلِكَ حَتَايِرُ الطَّيْرِ وَ إِنَّ أَطْيَبَ اللَّحْمَانَ لَحْمُ فَرَحٍ قَدْ تَهَضَّ أَوْ كَادَ يَتَهَضُّ.»

در کنار عُمر حرفی از گوشت‌ها به میان آمد، پس عُمر گفت: همانا بهترین گوشت مرغ است. پس امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: «اینه اینطور نیست؛ مرغ، خوک پرندگان است و بهترین گوشت گوشت جوجه (کبوتری) است که به پرواز درآمده یا نزدیک است که پرواز کند.»

همت را گذاشته‌اند بر اینکه [گوشت مرغ را گوشت برتر قرار دهند]، تازه آنهم نه آن مرغی که به صورت طبیعی رشد پیدا می‌کند. بنابراین اینها مباحث مهمی است. اگر شما اجازه بدهید بنده تا همینجا بسنده کنم. بنابراین نوزده گروه شیء است که حدود دویست شیء پرکاربرد را از حیث تاثیرگذاری بر سلامت بحث کرده است.

۴/۲. شناخت یا عدم شناخت ساختار اشیاء تقویت‌کننده ایمنی بدن؛ تاثیرگذار بر انتخاب نوع الگوی ایمنی

خب؛ حالا من می‌خواهم برای جامعه خودم واکسن طراحی کنم. واکسن طراحی کنم یعنی چه؟ یعنی می‌خواهم ایمنی جسم انسان‌ها را بالا ببرم؛ دو حالت وجود دارد: یا این اطلاعات در مورد خاصیت‌های اشیاء نوزده‌گانه [و تاثیر آنها] بر سلامت را دارم، یا ندارم. که الان پزشکان موجود این اطلاعات را ندارند. برادر خوبم جناب آقای دکتر نمکی و دوستانشان حتما باید تشریف بیاورند قم و یک مقدار کتاب "محاسن" و "کافی" و کتاب‌های دیگری که از این کتاب‌ها گرفته شده است را مطالعه کنند تا با خاصیت اشیاء آشنا بشوند. برادر خوبم آقای نمکی که علاقمند به اهل بیت (علیهم‌السلام) هستند می‌گویند که من ایمونولوژیست (Immunologist)^{۶۸} هستم. یعنی من می‌توانم مساله ایمنی بدن را طراحی کنم و برای آن راهبرد بنویسم. من عرض می‌کنم که این دوستان ایمونولوژیست ما خاصیت اشیاء بر سلامت را اطلاع ندارند. ببینید! دعوا کاملا یک دعوی علمی است؛ ما با روش تحقیق خودمان رفته‌ایم اثر نوزده دسته شیء که حدود دویست شیء می‌شود را مطالعه و تحقیق کرده‌ایم. بنابراین به ما حق بدهید که وقتی شما پروتکل‌های سازمان WHO را به ما تحمیل می‌کنید، از لحاظ علمی به آنها اشکال بگیریم. البته بعضی از دوستان ما مدارا می‌کنند و هرگاه مثلا فرودگاه و قطار و تلویزیون که می‌روند ماسک می‌زنند، ولی برخی دیگر از دوستان ما از "پروتکل‌های فقهی" استفاده می‌کنند. یعنی چه؟ یعنی واقعا به دنبال ایمنی بدن خودشان و افزایش ایمنی جامعه ایران هستند؛ ولی با یک روش تحقیق دیگر. که الان دارم به صورت خیلی ساده آنها را توضیح می‌دهم و اصطلاحات فنی هم خیلی به کار نمی‌برم چون می‌دانم دوستان ما [در وزارت بهداشت] دائما مقالات I.S.I خوانده‌اند، کتاب هاریسون (Harrison) خوانده‌اند، یا مثلا در پاتولوژی (Pathology)^{۶۹} یک کتاب دیگری را خوانده‌اند و موفق نبوده‌اند که مثلا کتاب شریف "محاسن" را بخوانند؛ لذا یک راهبردهای دیگری برای ایمنی می‌تویسند. من از دوستان خواهش می‌کنم که اجازه بدهند گفتگوهای علمی گسترش پیدا کند. مطلقا این بحث ما یک بحث سیاسی و یا بخاطر انگیزه‌های باطل نیست، بلکه کاملا یک بحث علمی است. ما الان در این "مدرسه هدایت" خودمان، مشغول آموزش "جدول تسخیر" به دانش‌آموزان خود هستیم. اینها وقتی کم کم با خاصیت اشیاء آشنا شوند، برای حل مساله سلامت خود به یک شکل دیگری اقدام می‌کنند. انسان‌هایی هم که اطلاعات این دویست شیء پرکاربرد در زندگی را ندارند

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۱۲ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۷۵ (با اندکی تفاوت)

منابع دیگر: وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۴۶ / الوافی، ج ۱۹، ص ۲۹۲ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶

۶۸. ارجاع پرورشی: Immunology, the scientific study of the body's resistance to invasion by other organisms (i.e., immunity)

ایمونولوژی، مطالعه علمی مقاومت بدن در برابر تهاجم موجودات دیگر (یعنی ایمنی).

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://b2n.ir/s-068>

۶۹. ارجاع پرورشی: معنای کلمه پاتولوژی، مطالعه (logos) آسیب (pathos) است. در این علم، بیماری‌ها و تغییرات مربوطه در سطح سلول‌ها، بافت‌ها و اندام‌ها که سبب ایجاد علائم و نشانه‌های بیماری می‌گردند مورد بررسی قرار می‌گیرند... علم پاتولوژی با توضیح علل و نحوه ایجاد بیماری، بنیان علمی پزشکی را فراهم می‌آورد.

کتاب آسیب شناسی پایه (عمومی) رابینز، ویرایش نهم، صفحه ۱۱

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

یا اطلاعات غلط راجع به آنها دارند؛ به یک نحو دیگری مساله سلامت خود را حل می کنند. پس این هم سرفصل سوم بحث. حالا آرام آرام بحث در حال شکل گرفتن است.

۵. سوال چهارم: در بدن انسان چند نوع الگوی ایمنی وجود دارد؟

۵/۱. تلفیق گزارش های مربوط به اعضاء موثر بر سلامت و گزارش های مربوط به اشیاء تقویت کننده ایمنی؛ روش طراحی الگوهای سه گانه ایمنی

در سرفصل چهارم چه اتفاقی می افتد؟ سرفصل چهارم چه بود؟ این بود که: در بدن انسان چند نوع الگوی ایمنی وجود دارد؟ ببینید! واکسن در نگاه طب اسلامی چگونه شکل می گیرد؟ بدین صورت: تلفیقی از مفاهیم سوال دوم و مفاهیم سوال سوم. ما این دو را با هم ترکیب می کنیم و ایمنی بدن افراد را تامین می کنیم. یعنی چه؟ یعنی یک گزارش هایی از "نقش اعضاء در سلامت"، و یک گزارش هایی هم از "نقش اشیاء در سلامت" داریم؛ این دو را با هم ترکیب می کنیم و «الگوی ایمنی» طراحی می کنیم.

۵/۱/۱. الگوی ایمنی "قلب"؛ اولین الگوی ایمنی

سه نوع الگوی ایمنی طراحی می کنیم: «الگوی ایمنی قلب». چون "قلب" امیرالجوارح است. پس به تعبیر امروزی ها واکسن های اصلی ما "واکسن های موثر بر قلب" هستند؛ یعنی ایمنی قلب را افزایش می دهند. و عرض کردیم که ایمنی قلب هم برابر با ایمنی کل بدن است؛ چون قلب، امیرالجوارح و عضو اصلی است.

۵/۱/۲. الگوی ایمنی "طبايع چهار گانه"؛ دومین الگوی ایمنی

بخش دوم الگوی ایمنی شامل چهار الگوی ایمنی است: «الگوی ایمنی برای چهار طبع انسان»؛ یعنی "مَرْتَان" و "الدَّم" و "البلغم". یعنی شما یک الگوی ایمنی برای "بلغم" دارید، یک الگوی ایمنی برای "دم" دارید، یک الگوی ایمنی برای "سوداء" دارید و یک الگوی ایمنی هم برای "صفراء". این هم دسته دوم از الگوهای ایمنی ماست. بدن از طریق تعادل صفراء، ایمنی پیدا می کند، بدن از طریق سوداء صالحه ایمنی پیدا می کند، بدن از طریق تعادل دم، ایمنی پیدا می کند. بنابراین ما این الگوی ایمنی ای که برای مزاج های چهارگانه داریم؛ دسته دوم الگوهای ایمنی بدن به حساب می آید.

۵/۱/۳. الگوهای ایمنی "عضویایه"؛ سومین الگوی ایمنی

دسته سوم الگوهای ایمنی بدن عبارت از «الگوهای ایمنی عضو پایه» است. مثلا الگوی ایمنی "مو"، الگوی ایمنی "ابرو"، الگوی ایمنی "چشم"، الگوی ایمنی "پوست"، الگوی ایمنی "مفاصل"، الگوی ایمنی "استخوان"، و همینطور هر عضوی که شما در بدن دارید یک الگوی ایمنی اختصاصی هم دارد که بحثی طولانی دارد که بنده فقط مثال می زنم تا بحث روشن شود:

۵/۲. نمونه هایی از الگوی ایمنی "طبايع چهار گانه" :

۵/۲/۱. انار سورانی، خرماي نارس پخته، بنفشه و کاسنی؛ نمونه ای از الگوی ایمنی برای تمام طبایع چهار گانه

یک روایتی در کتاب خصال از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که می فرمایند: «أَرْبَعَةٌ يُعَدِّلُنَ الطَّبَائِعَ»^{۷۰} چهار چیز است که تعادل در طبیعت ها ایجاد می کند. یعنی هر چهار طبیعت را متعادل می کند: «الرَّمَانُ السُّورَانِي» که یک نوع انار است که اگر مصرف

۷۰. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّبَّارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ نُوْحِ بْنِ شُعَيْبٍ التَّمِيسَابُورِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْمُهْتَدِيِّ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَرْبَعَةٌ يُعَدِّلُنَ الطَّبَائِعَ الرَّمَانُ السُّورَانِي وَ الْبَشْرُ الْمَطْبُوحُ وَ الْبَنْفَسَجُ وَ الْهَنْدَبَاءُ. امام صادق (علیه السلام): چهار چیز مزاج و طبایع چهارگانه را معتدل سازد انار سورانی خرماي نارس پخته و بنفشه و کاسنی.

مصادر اصلی: الخصال، ج ۱، ص ۲۴۹ / روضة الواعظین (قتال نیشابوری)، ج ۲، ص ۳۱۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۲۲ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۲۱

واکسن و طرح جایگزین

کنید هر چهار طبیعت متعادل می شود. «و البُسْرُ الْمَطْبُوعُ» "بسر" در لغت عرب یعنی خرما می نارس. منتها خرما می که علاوه بر نارس بودن، پخته هم شده باشد: المطبوع یعنی طبخ شده. این هم یک نوع ایمنی برای همه طبایع ایجاد می کند. «و الْبَنْفَسُجُ» یعنی همین روغن معروف و مظلوم بنفشه! که آقایان نگذاشتند که راجع به آن بحث شود. «و الْهَنْدَبَاءُ» یعنی کاسنی؛ که آن هم همین اثر را دارد؛ یعنی اگر شما کاسنی که یک نوع تره است را مصرف کنید، کمک می کند که طبایع تعدیل شوند.

۵/۲/۲. خوردن بادمجان؛ نمونه‌ای از الگوی ایمنی برای طبیعت سوداء

مثالی دیگر: یک روایتی از ابن ابی یعقوب از امام صادق (علیه السلام) در کتاب محاسن نقل شده است که: «الْبَادَنْجَانُ جَيِّدٌ لِلْمِرَّةِ السَّوْدَاءِ»^{۷۱} بادمجان خیلی بر تلخه و طبع سوداء تاثیر دارد «و لَا يَضُرُّ بِالصَّفْرَاءِ» ضرری هم به صفراء نمی زند. ببینید! این روایت دارد راجع به ایمنی طبع سوداء و صفراء صحبت می کند.

۵/۲/۳. شانه زدن سر؛ نمونه‌ای از الگوی ایمنی برای طبیعت بلغم

یا در روایت دیگر می فرماید: «تَسْرِیحُ الرَّأْسِ يَفْطَعُ الْبَلْغَمَ»^{۷۲} مثلا کسی که به بلغم مبتلا شده است -خصوصا خواهران-، اینها مرتب موهای خود را شانه کنند. حالا اینکه ما موهای خود را شانه می کنیم؛ آیا تزییق است؟ نه؛ یک اقدام بهداشتی است. ببینید! چهار مساله‌ای که در روایت اول بیان کردم خوراکی بودند، ولی در اینجا خوراکی نیستند و حضرت می فرماید شما این اقدام بهداشتی را انجام دهید که باعث قطع شدن بلغم شما می شود.

۷۱. ارجاع پژوهشی: بِهَذَا الْإِسْنَادِ حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ الْمُعَلَّى سِبْجَادَةَ عَنْ أَبِي الْخَيْرِ الرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَقْطِينِ عَنْ سَعْدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي الْأَعْرَجِ النَّحَّاسِ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْقُوبَ [قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: الْبَادَنْجَانُ جَيِّدٌ لِلْمِرَّةِ السَّوْدَاءِ وَ لَا يَضُرُّ بِالصَّفْرَاءِ. امام صادق (علیه السلام): بادمجان برای مزه (تلخه) سوداء مفید است و به صفراء نیز ضرر نمی زند.

مصدر اصلی: طب الأئمة عليهم السلام (لابناسطام)، ص ۱۳۹

منابع دیگر: مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۲۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۲۳ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۲۲۵ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۹۱ و بِهَذَا الْإِسْنَادِ [حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الطُّوسِيِّ (رَحِمَهُ اللَّهُ)، قَالَ: أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِتْرَاهِيمَ الْقَزْوِينِيَّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ وَهْبَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَلِيُّ بْنُ حُشْبِي قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ الْعَبَّاسُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ: حَدَّثَنَا صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ [عَنِ الْحُسَيْنِ، عَمَّنْ أَخْبَرَهُ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: الْبَادَنْجَانُ جَيِّدٌ لِلْمِرَّةِ السَّوْدَاءِ. امام صادق (علیه السلام): بادمجان برای مزه (تلخه) سوداء مفید است.

مصدر اصلی: الأمالي (للتوسي)، ص ۶۶۸ / مكارم الأخلاق، ص ۱۸۳

منابع دیگر: وسائل الشيعية، ج ۲۵، ص ۲۱۱ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۱۲۸ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۲۴

عَنْهُ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْهَاشِمِيِّ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كُلُوا الْبَادَنْجَانَ فَإِنَّهُ جَيِّدٌ لِلْمِرَّةِ السَّوْدَاءِ.

امام صادق (علیه السلام): بادمجان بخورید؛ چرا که برای مزه (تلخه) سوداء مفید است.

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۶

منابع دیگر: وسائل الشيعية، ج ۲۵، ص ۲۱۱ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۲۲ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۱۲۹

۷۲. ارجاع پژوهشی: عَنِ الصَّادِقِ ع قَالَ: تَسْرِیحُ الرَّأْسِ يَفْطَعُ الْبَلْغَمَ وَ تَسْرِیحُ الْحَاجِبَيْنِ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ وَ تَسْرِیحُ الْعَارِضَيْنِ تَشُدُّ الْأَضْرَاسَ.

امام صادق (علیه السلام): شانه کردن سر بلغم را ببرد، و شانه زدن به ابروها موجب امان از خوره است، و شانه کردن صورت دندانها را محکم نماید.

مصدر اصلی: مكارم الأخلاق، ص ۷۲

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۱۵ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۲۸۳

تَوْبِيحُ بْنُ أَحْمَدَ السَّيْرَافِيَّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الثُّعْمَانِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ وَ الْمُعَلَّى بْنِ حُنَيْسٍ قَالَا قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: تَسْرِیحُ الْعَارِضَيْنِ تَشُدُّ الْأَضْرَاسَ وَ تَسْرِیحُ اللَّحْيَةِ يَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ وَ تَسْرِیحُ الذُّوَابَتَيْنِ يَذْهَبُ بِبِلَابِلِ الصَّدْرِ وَ تَسْرِیحُ الْحَاجِبَيْنِ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ وَ تَسْرِیحُ الرَّأْسِ يَفْطَعُ الْبَلْغَمَ.

امام صادق (علیه السلام): از امام باقر (علیه السلام): زیاد شانه زدن بلغم را از بین می برد، و شانه بر سر زدن رطوبت را ببرد و ریشه کن کند.

مصدر اصلی: طب الأئمة عليهم السلام (لابناسطام)، ص ۶۶

منابع دیگر: الفصول المهمة، ج ۳، ص ۱۷۴ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۱۸ / مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۰۹

تَوْبِيحُ بْنُ أَحْمَدَ السَّيْرَافِيَّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الثُّعْمَانِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ وَ الْمُعَلَّى بْنِ حُنَيْسٍ قَالَا قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: تَسْرِیحُ الْعَارِضَيْنِ تَشُدُّ الْأَضْرَاسَ وَ تَسْرِیحُ اللَّحْيَةِ يَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ وَ تَسْرِیحُ الذُّوَابَتَيْنِ يَذْهَبُ بِبِلَابِلِ الصَّدْرِ وَ تَسْرِیحُ الْحَاجِبَيْنِ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ وَ تَسْرِیحُ الرَّأْسِ يَفْطَعُ الْبَلْغَمَ.

امام صادق (علیه السلام): شانه زدن گونه‌ها دندانها را سخت کند و شانه زدن ریش و با را ببرد و شانه زدن گیسوها و سوسه‌های دل را برد، و شانه زدن سر بلغم را ببرد.

مصدر اصلی: طب الأئمة عليهم السلام (لابناسطام)، ص ۱۹

منابع دیگر: وسائل الشيعية، ج ۲، ص ۱۲۴ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۳۷ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۰۴ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۲۴۵

۵/۲/۴. خوردن سرکه؛ نمونه‌ای از الگوی ایمنی برای طبیعت سوداء و صفراء

یا مثلاً امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «نِعْمَ الْإِدَامُ الْخَلُّ» چه خورشید خوبی است سرکه! سرکه چه کاری انجام می‌دهد؟ «يَكْسِرُ الْمِرَّةَ» تلخه را می‌شکند، «وَيُطْفِئُ الصَّفْرَاءَ» آتش و گرمی صفراء را اطفاء می‌کند، «وَيُحْيِي الْقَلْبَ» قلب را هم زنده می‌کند و بیماری‌های قلبی را از بین می‌برد.^{۷۳} در آن داستان معروف نقل شده که: آیت الله بروجردی در اواخر عمرشان که بیماری قلبی داشتند پزشک‌های ایرانی بالای سر ایشان رفته بودند و به ایشان گفته بودند که: سرکه مصرف نکنید. بعداً یک پزشک فرانسوی را بالای سر ایشان می‌آوردند و اتفاقاً ایشان گفته بود که: سرکه مصرف کنید. یعنی توصیه‌ای مخالف توصیه اطباء ایرانی به ایشان کرده بود. بعداً ایشان گفته بودند که: من تعجب کرده بودم که چرا اطباء ایرانی گفتند که سرکه مصرف نکن در حالی که من در روایات دیده بودم که سرکه اثر مثبت بر قلب دارد. لذا اگر کسی در وقت صبحانه یک مقدار کمی سرکه مصرف کند، «يُحْيِي الْقَلْبَ» به احیاء قلب کمک می‌کند.

این هم یک بحث اختلافی است که: آیا طبع سرکه سرد است؟ که برخی از دوستان می‌گویند سرد است. ولی ما از بعضی از روایات - از جمله همین روایت - استفاده می‌کنیم که سرکه هم مثل نمک است؛ یعنی تاثیر هوشمند بر چهار طبیعت دارد و اینطور نیست که طبعش سرد باشد. که حالا در مورد این مطلب بعداً باید بحث کنیم. پس بحث «الگوی ایمنی طبایع» هم یک نوع الگوی ایمنی بود.

۵/۳. نمونه‌هایی از الگوهای ایمنی "عضویابه":**۵/۳/۱. خوردن زردک؛ نمونه‌ای از الگوی ایمنی برای بیماری قولنج و بواسیر**

حالا «الگوی ایمنی اعضاء» را هم بنده یک مقدار بحث کنم. بحث آرام آرام در حال شکل گرفتن است خواهش می‌کنم دقت بفرمایید. حضرت می‌فرماید: «الْجَزْرُ أَمَانٌ مِنَ الْقَوْلنجِ وَ الْبَوَاسِيرِ»^{۷۴} این اصطلاحاً واکسن خوراکی است. می‌فرماید شما حتماً "زردک" مصرف کنید؛ چون «أَمَانٌ مِنَ الْقَوْلنجِ وَ الْبَوَاسِيرِ» الان برای درمان بواسیر یا عمل جراحی انجام می‌دهند و یا داروهای

۷۳. **ارجاع پژوهشی:** علي بن إبراهيم عن بعض أصحابنا عن عبد الله بن عبد الرحمن الأصم عن شعيب عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال قال أمير المؤمنين ع: نِعْمَ الْإِدَامُ الْخَلُّ يَكْسِرُ الْمِرَّةَ وَ يُطْفِئُ الصَّفْرَاءَ وَ يُحْيِي الْقَلْبَ.

امام صادق (علیه السلام) از امیرالمومنین (علیه السلام): چه خوب خورشیدی است سرکه! سخنی سوداء را می‌شکند و حرارت صفراء را خاموش می‌کند، و قلب را زنده می‌سازد.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۳۰ / الخصال، ج ۲، ص ۶۳۶

سند خصال: عن أبيه عن سعد بن اليقطيني عن القاسم بن يحيى عن جدّه الحسن بن أبي بصير و محمد بن مسلم عن أبي عبد الله ع قال قال أمير المؤمنين

منابع دیگر: الوافي، ج ۱۹، ص ۳۲۵ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۸۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۰۵

عنه (احمد بن محمد بن خالد) عن بعض أصحابنا عن الأصم عن شعيب عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال قال أمير المؤمنين ع: نِعْمَ الْإِدَامُ الْخَلُّ يَكْسِرُ الْمِرَّةَ وَ يُحْيِي الْقَلْبَ.

امام صادق (علیه السلام) از امیرالمومنین (علیه السلام): چه خوب خورشیدی است سرکه! مرار (سوداء و صفراء) را بر طرف می‌کند، و قلب را زنده می‌سازد.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۶ / مکارم الأخلاق، ج ۱۹۰ (مرسلا)

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۰۵ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۹۲

الْقَطْبُ الرَّائِدِيُّ فِي دَعْوَاتِهِ، عَنِ الصَّادِقِ ع قَالَ: نِعْمَ الْإِدَامُ الْخَلُّ يَكْسِرُ الْمِرَّةَ وَ يُحْيِي الْقَلْبَ وَ يَشُدُّ اللَّكَّةَ وَ يَقْتُلُ دَوَابَّ الْبَطْنِ.

امام صادق (علیه السلام): چه خوب خورشیدی است سرکه! مرار (سوداء و صفراء) را می‌شکند، و قلب را زنده می‌سازد، و لته را محکم می‌کند و جنبندگان شکم را می‌کشد.

مصادر اصلی: الدعوات (لراندی)، ص ۱۴۶

منابع دیگر: مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۶۴

۷۴. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْجَلَابِ عَنِ مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: الْجَزْرُ أَمَانٌ مِنَ الْقَوْلنجِ وَ الْبَوَاسِيرِ وَ يُعِينُ عَلَى الْجَمَاعِ.

امام صادق (علیه السلام): زردک، مایه ایمنی از قولنج و بواسیر است و توان نزدیکی را تقویت می‌کند.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲ / مکارم الأخلاق، ص ۱۸۴

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۰۶ / الوافي، ج ۱۹، ص ۴۲۳

موجود را مصرف می‌کنند؛ ولی حضرت می‌فرماید: هر کسی زردک مصرف کند، «أَمَانٌ مِنَ الْبَوَاسِيرِ». در این روایت راجع به یک عضو صحبت می‌کنند و عرض کردیم که واکسن خوراکی است.

۵/۳/۲. گرفتن ناخن و شارب؛ نمونه‌ای از الکوی ایمنی برای پوست

امام صادق (علیه‌السلام) در یک روایت دیگر می‌فرماید: «أَخَذُ الشَّارِبِ وَ الْأَطْفَارِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ»^{۷۵} می‌فرماید: جمعه به جمعه هم سبیل و هم ناخن‌های خود را کوتاه کنید. اگر کسی این کار را انجام داد، «أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ». "جدام" یک بیماری‌ای است ترکیب از بیماری پوستی و عصبی. اگر کسی می‌خواهد واکسن آن را استفاده کند، حتما جمعه به جمعه شارب و ناخن‌های خودش را اخذ کند و بگیرد. این هم یک اقدام بهداشتی است. به خاطر همین روایات برای ما سوال پیش می‌آید که چرا همیشه باید تزریق کنیم؟! در حالی که در خصوص واکسن‌های عضو پایه، شکل ایجاد ایمنی متفاوت است: گاهی وقت‌ها اقدام بهداشتی است، گاهی وقت‌ها خوراکی است، و گاهی وقت‌ها اقدامات دیگر.

۵/۳/۳. سُرمه کشیدن هنگام خواب؛ نمونه‌ای از الکوی ایمنی برای آبریزش چشم

باز در روایتی دیگر که در ثواب الاعمال است حضرت می‌فرماید: «الْكُحْلُ عِنْدَ النَّوْمِ أَمَانٌ مِنَ الْمَاءِ»^{۷۶} این روایت را جناب اسحاق بن عمار از امام صادق (علیه‌السلام) نقل کرده است. می‌فرماید که سُرمه کشیدن در هنگام خواب باعث می‌شود که چشم آب نیآورد. ببینید! این نوع واکسن از طریق چشم است. نه خوراکی است و نه تزریقی؛ بلکه شما باید حتما سُرمه به چشم بکشید. که در اینصورت چشم شما آب نخواهد آورد «أَمَانٌ مِنَ الْمَاءِ». این هم یک روایت است.

۷۵. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَخَذُ الشَّارِبِ وَ الْأَطْفَارِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ.

امام صادق (علیه‌السلام): گرفتن شارب (سبیل) و ناخن‌ها از جمعه به جمعه امان از جدام است.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۳، ص ۴۱۸ / تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۳۶ / مکارم الأخلاق، ص ۶۷ (مرسلا)

منابع دیگر: الوافی، ج ۶، ص ۶۸۰

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ نَافِثَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ قَالَ: تَقْلِيمُ الْأَطْفَارِ وَ أَخْذُ الشَّارِبِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ.

امام صادق (علیه‌السلام): کوتاه کردن ناخن‌ها و گرفتن شارب (سبیل) از جمعه به جمعه امان از جدام است.

مصادر اصلی: الأمالی (للسدوق)، ص ۳۰۵

جامع الأخبار (للسعیری)، ص ۱۲۱ (مرسلا) / اعلام الدین (دیلمی)، ص ۳۶۲ (مرسلا) / روضة الواعظین (فقال نیشابوری)، ج ۲، ص ۳۰۸ (وفیه: مِنْ جُمُعَةٍ إِلَى جُمُعَةٍ)

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۵۷ (نقلا عن الامالی (صدوق))

جهت مشاهده روایات بیشتر در این باره ر، ک: به پیوست شماره ۸.

۷۶. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْكُحْلُ عِنْدَ النَّوْمِ أَمَانٌ مِنَ الْمَاءِ.

امام صادق (علیه‌السلام): سُرمه کشیدن هنگام خواب، امان از آب چشم است.

مصادر اصلی: نواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۲

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۰۲ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۹۴ و ۱۵۱ / الدعوات (للالوندی)، ص ۷۹

وَ عَنْ الصَّادِقِ ع قَالَ: الْكُحْلُ عِنْدَ النَّوْمِ أَمَانٌ مِنَ الْمَاءِ الَّذِي يَنْزِلُ فِي الْعَيْنِ.

امام صادق (علیه‌السلام): سُرمه کشیدن هنگام خواب، امان از آبی است که از چشم بیرون می‌آید.

مصادر اصلی: مکارم الأخلاق، ص ۴۶

منابع دیگر: مفتاح الفلاح (شیخ بهایی)، ص ۲۸۶ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۹۶

۵/۳/۴. شستن سر با خطمی؛ نمونه‌ای از الگوی ایمنی برای سردرد

حالا واکسن سردرد را بحث کنیم: روایت دیگری است که می‌فرماید: «غَسَلَ الرَّأْسَ بِالْخَطْمِيِّ أَمَانٌ مِنَ الصُّدَاعِ»^{۷۷} از گل خطمی به عنوان شامپو استفاده کنید؛ این باعث می‌شود که سردرد نگیرید. باز این واکسن بهداشتی است و لازم نیست بخورید و یا تزریق کنید؛ بلکه فقط سرتان را با آن بشوید.

۵/۳/۵. حناء بعد از نوره؛ نمونه‌ای دیگر از الگوی ایمنی برای پوست

روایتی دیگر که هم از امام رضا (علیه‌السلام) نقل شده است و هم از امام صادق (علیه‌السلام)، هم در من لایحضره الفقیه نقل شده و هم در عیون اخبارالرضا (علیه‌السلام): «الْحِنَاءُ عَلَى أَثَرِ التُّورَةِ أَمَانٌ مِنَ الْجَذَامِ وَ الْبَرَصِ»^{۷۸} در اینجا هم هر دو نوع بیماری پوستی - هم جذام و هم برص - را نمی‌گیری. این مورد هم باز اقدام بهداشتی است.

۵/۳/۶. پوشیدن کفش خف؛ نمونه‌ای از الگوی ایمنی برای بیماری سل

آخرین موردی که اینجا ذکر می‌کنیم روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) است در اصول کافی: «إِدْمَانٌ لِبُسِّ الْخُفِّ أَمَانٌ مِنَ السَّلِّ»^{۷۹} می‌فرماید: اگر کسی دائما کفش خف بپوشد (خف شبیه چکمه است؛ یعنی کفش‌هایی که پوشیده است و تمام پا را می‌پوشاند) مبتلا به سبل نمی‌شود. باز این اقدام در حوزه پوشش است و نه اقدام بهداشتی محسوب می‌شود و نه اقدام خوراکی.

۷۷. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَاطِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَرِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: غَسَلَ الرَّأْسَ بِالْخَطْمِيِّ أَمَانٌ مِنَ الصُّدَاعِ وَ بَرَاءَةٌ مِنَ الْفَقْرِ وَ طَهْوَرٌ لِلرَّأْسِ مِنَ الْخَزَّازِ.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: شستن سر با گیاه خطمی، امان از سردرد و دوری از تهیدستی و پاکی سر از شوره به همراه دارد.

مصادر اصلی: نواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۹ / الدعوات (للراوندي)، ص ۸۰ (مرسلا)

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۶۱ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۸۶

۷۸. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ الصَّادِقُ ع: الْحِنَاءُ عَلَى أَثَرِ التُّورَةِ أَمَانٌ مِنَ الْجَذَامِ وَ الْبَرَصِ.

امام صادق (علیه‌السلام): حناء زدن بر روی جای نوره، امان از جذام و پیسی است.

مصادر اصلی: من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۱ / مکارم الأخلاق، ص ۶۲

منابع دیگر: الوافی، ج ۶، ص ۶۲۸ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۷۴ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۹۲ / طب الأئمة علیهم‌السلام (للشیر)، ص ۲۶۹

وَ يَهَذَا الْإِسْتِادَ [حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ الْفَقِيهَ الْمَرْوَزِيُّ بِمَرْوَزُودَ دَارِهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْتَيْسَابُورِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ بْنِ سَلِيمَانَ الطَّائِيَّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي فِي سَنَةِ سِتِّينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا ع سَنَةَ أَرْبَعٍ وَ تِسْعِينَ وَ مِائَةٍ وَ حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَكْرِ الْخُورِيِّ بَيْتَسَابُورَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بْنُ هَازُونَ بْنِ مُحَمَّدِ الْخُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الْفَقِيهَ الْخُورِيِّ بَيْتَسَابُورَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْهَرَوِيُّ السُّبَيْبَانِيُّ عَنِ الرِّضَا ع عَلِيُّ بْنِ مُوسَى ع وَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ الْأَنْثَانِيِّ الرَّازِيِّ الْعَدْلُ بَلَّغَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَهْرُوزِيهِ الْقَرْوِينِيُّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سَلِيمَانَ الْفَرَّاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع قَالَ حَدَّثَنِي [حَدَّثَنِي] أَسْمَاءُ بِنْتُ عُثَيْبٍ قَالَتْ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ ع: قَالَ عَلِيُّ ع: الْحِنَاءُ بَعْدَ التُّورَةِ أَمَانٌ مِنَ الْجَذَامِ وَ الْبَرَصِ.

امام رضا (علیه‌السلام) از پدرانش ... از فاطمه (سلام الله علیها) از امیرالمومنین (علیه‌السلام): حناء زدن بعد از نوره، امان از جذام و پیسی است.

مصادر اصلی: عیون أخبارالرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۴۸ / صحیفة الإمام‌الرضا علیه‌السلام، ص ۷۶

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۸۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۹۰

أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَطْلَسَ وَ اخْتَصَبَ بِالْحِنَاءِ أَمَنَهُ اللَّهُ مِنْ ثَلَاثٍ خِصَالٍ الْجَذَامِ وَ الْبَرَصِ وَ الْأَكَلَةَ إِلَى طَلِيَّةٍ مِثْلِهَا.

حسن بن موسی از امام رضا علیه‌السلام نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند، کسی را که نوره بکشد و سپس بدن خود را با حنا خضاب نماید از دچار شدن به سه نوع بیماری در امان می‌دارد: ۱- جذام ۲- پیسی (برص) ۳- خوره (جذام)، تا بار دیگر که این عمل را تکرار کند.

مصادر اصلی: نواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۱ / من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۱ / مکارم الأخلاق، ص ۶۲ / عوالی اللالی، ج ۴، ص ۱۴

منابع دیگر: الوافی، ج ۶، ص ۶۲۸ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۹۰ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۷۳

۷۹. **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ (عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُبَارَكِ غُلَامِ الْعَقْرُوفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِدْمَانٌ لِبُسِّ الْخُفِّ أَمَانٌ مِنَ السَّلِّ.

امام صادق (علیه‌السلام): پوشیدن مداوم کفش امان از سل است.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۴۶۶

منابع دیگر: الوافی، ج ۲، ص ۷۵۸ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۷۱

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعُقَيْبِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْمُسْلَبِيِّ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ سَعْدٍ عَنْ مَيْبَعٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع: لِبُسِّ الْخُفِّ أَمَانٌ مِنَ السَّلِّ.

چه اقدامی است؟ می‌فرماید اگر شما بر کفش خود مواظبت کنید، یک نوع واکسن است و ایمنی برای شما ایجاد می‌کند. از این روایات زیاد وجود دارد و بنده فقط خواستم برای واکسن‌های عضو پایه مثال بزنم.

پس ما سه نوع دستگاه ایمنی داریم و سه نوع الگوی ایمنی طراحی می‌کنیم: الگوی ایمنی موثر بر قلب، الگوی ایمنی موثر بر اعضاء موثر بر مزاج، و الگوی ایمنی عضو پایه. این هم بحث از سرفصل چهارم.

تا اینجا بحث‌های مربوط به ایمنی را بحث کردیم. عرض کردیم که فقهی که در حوزه طب کار کرده و طب را می‌داند، دو دسته اطلاعات دارد: ۱- اطلاعات مربوط به اعضاء بدن و نقش آنها بر حوزه سلامت. ۲- اطلاعات مربوط به اشیائی که به افزایش ایمنی کمک می‌کنند که آن نوزده دسته شیء بودند. وقتی این دو دسته اطلاعات را تلفیق می‌کنید، سه نوع الگوی ایمنی ایجاد می‌شود: ۱- الگوهای ایمنی‌ای که قلب را تقویت می‌کند. ۲- الگوهای ایمنی طبایع چهارگانه. ۳- الگوهای ایمنی عضو پایه. بحث به همین روشنی است و شما می‌توانید اینها را تجربه کنید.

۵/۴. ایجاد ایمنی با مدل‌های متنوع اعم از اقدامات خوراکی، بهداشتی و... (بدون نیاز به تزریق)؛ ویژگی الگوهای سه‌گانه ایمنی

الان در مثال‌هایی که زدیم مثلاً بحث کفش الگوی ایمنی از طریق پوشش است (که در برخی از الیاف هم همینطور است)، یک سری الگوهای ایمنی از طریق چشم است، یک سری الگوهای ایمنی از طریق پوست است و از راه پوست عمل می‌کند، یک سری الگوهای ایمنی از طریق محیط اطراف است، یک سری از الگوهای ایمنی بهداشتی هستند؛ مثل ناخن و سبیل (شارب) گرفتن. پس راه ایجاد ایمنی محدود به واکسن زدن نیست؛ شما باید به بنده بگویید که کدام الگوی ایمنی یا کدام واکسن را می‌خواهید، تا من راه تاثیرگذاری اش را از بدن برای شما بحث کنم. این معنا ندارد که ما تاکید کنیم حتماً باید از روش تزریق استفاده شود! مثلاً در همین بیماری "زکام" یا "کرونا" یکی از چیزهایی که ایمنی ایجاد می‌کند، "داروی امام کاظم (علیه السلام)"^{۸۰} است که آن را با یک روش و در یک زمان خاص در دهان خود می‌ریزید که تزریقی نیست. خوب؛ وقتی ما می‌توانیم از این روش‌ها برای افزایش ایمنی

امام باقر (علیه السلام): پوشیدن کفش امان از سل است.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۴۶۶

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۰، ص: ۷۵۷ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۷۱

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الضَّرِيرِ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ السَّرَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِذْ مَا أَلْحَفَ بِقِي مِثَّةَ الشَّوْءِ.

امام صادق (علیه السلام): پوشیدن همیشه کفش انسان را از مرگ بد حفظ می‌کند.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۴۶۷

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۰، ص ۷۵۸ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۷۱

يَهَذَا الْإِسْنَادِ، عَنْ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: جَوَّدُوا الْحَدُوَّ فَإِنَّهُ مَكْتَبَةٌ لِلْعُدُوِّ، وَ زِيَادَةٌ فِي ضَوْءِ الْبَصْرِ، وَ حَقْفُوا الدِّينَ، فَإِنَّ فِي حَقْفَةِ الدِّينِ زِيَادَةَ الْعُمْرِ، وَ تَدَهَّنُوا فَإِنَّهُ يَظْهَرُ الْغِنَاءُ، وَ عَلَيْنَكُمْ بِالسَّوَاكِ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ وَ شَوْسَةَ الصَّدْرِ، وَ أَدْمِنُوا الْخُفَّ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ السَّلِّ.

امام صادق (علیه السلام): ... همیشه کفش بپوشید که امان از سل است.

مصدر اصلی: الأمالی (للطوسي)، ص ۶۶۷

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۶۱

۸۰. **ارجاع پژوهشی:** منبع روایی داروی معروف به "داروی امام کاظم (علیه السلام)" این روایت است: قَالَ السَّرِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ السَّرِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْأَزْمَنِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانَ عَنْ الرَّضَاءِ قَالَ: سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ قَدْ اشْتَكَى فَبَاءَهُ الْمُتَرْفَعُونَ بِالْأَدْوِيَةِ يَعْجِزُ الْأَطِبَاءُ فَجَعَلُوا يَصْفُونَ لَهُ الْعَجَائِبَ. فَقَالَ: أَيْنَ يَذْهَبُ بِكُمْ؟ أَقْتَصِرُوا عَلَى سَبْعِ هَذِهِ الْأَدْوِيَةِ الْإِهْلِيَّةِ وَ الرَّازِيَانِجِ وَ السُّكَّرِ فِي اسْتِقْبَالِ الصَّيْفِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ فِي اسْتِقْبَالِ الشِّتَاءِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ كُلِّ شَهْرٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ يَجْعَلُ مَوْضِعَ الرَّازِيَانِجِ مَضْطَكِي، فَلَا يَمْرُضُ إِلَّا مَرَضَ الْمُؤْتِ.

امام رضا (علیه السلام): موسی بن جعفر (علیه السلام) بیمار شد و پزشکان آمدند بالینش و عجائبی برایش وصف کردند. پس حضرت فرمود: به کجاها می‌روید؟! بر سینه این داروها اکتفا کنید که هلیله و رازیانه و شکر است، در سه ماه تابستان ماهی سه بار و در زمستان ماهی سه روز و هر روزی سه بار و بجای رازیانه مضطکی باشد؛ پس بیمار نشود جز به بیماری مرگ!

مصدر اصلی: طب الأئمة عليهم السلام (لابنابسطام)، ص ۵۰ / طب الأئمة الصادقين عليهم السلام (نسخه خطی)، ص ۲۴

منابع دیگر: الفصول المهمة (شیخ حرّ عاملی)، ج ۳، ص ۵۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۴۲ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۹۹

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

استفاده کنیم، لااقل این است که دوستان انصاف بدهند و بگویند: تزریق یک روش است، و اینها هم یک روش دیگر. بنده قبلا هم به آقایان عرض کرده‌ام که هر کدام از اینها را بخواهید ما روی آن کارآزمایی بالینی انجام می‌دهیم. برویم تجربه کنیم و ببینیم که اثر می‌کند یا نه، اطلاعاتش را ثبت کنیم، و روی آنها گفتگو کنیم.

۶. سوال پنجم: چگونه با سایر مصادیق خوف و خطر در زندگی مواجه شویم؟

۶/۱. مصادیق هفت‌گانه خوف و خطر در زندگی:

از مباحث ایمنی بدن خارج شویم و برویم به سمت بحث از اینکه سایر مصادیق خوف و خطر در زندگی را بحث کنیم و ببینیم که ایمنی آنها را چگونه باید تامین کنیم. این هم مساله مهمی است. اولاً عرض کنم که ما هفت نوع خوف و خطر را در این بحث تصویر کرده‌ایم:

۶/۱/۱. خطر روابط انسانی سوء؛ اولین مصداق از مصادیق خوف و خطر در زندگی

ترس از روابط انسانی سوء: یعنی انسان‌ها همیشه یک ترسی دارند از اینکه انسان‌های اطرافشان آنها را با غیبت، با تهمت، با ضرب و شتم، با نیش زبان و... آزار ندهند. و این یک ترس و خوفی است که همه شما آن را احساس می‌کنید. این یک نوع خوف مهمی است و فرقی هم نمی‌کند که شما در قم زندگی کنید یا در آمریکا. مثلاً همه ما می‌ترسیم که یک حاکم بد بر ما حاکم بشود. حاکم بد یکی از مصادیق خوف و خطر انسان در حوزه روابط انسانی است. یا مثلاً ما می‌ترسیم که عزیزان خودمان را از دست بدهیم. همه این حالت را دارند. پس این یک نوع از خطر هاست.

۶/۱/۲. خطر تحلیل و علم غلط و کوردلی؛ دومین مصداق از مصادیق خوف و خطر در زندگی

خطر تحلیل و علم غلط و کوردلی: مثلاً همه ما این حالت را راجع به واکسن داریم. بنده که اینطور هستم، شما را نمی‌دانم. مثلاً وقتی گزارش‌های واکسن را مطالعه می‌کنم با خودم می‌گویم: آیا این گزارش درست است؟ و خیلی به این مباحث واکسن مشکوک هستم. یا مثلاً گزارش‌های مربوط به تراریخته را که می‌خوانم. مثلاً مرحوم آقای قره‌یاضی می‌گفتند: ما رفته‌ایم و آزمایش کرده‌ایم که تراریخته‌ها سالم هستند. من نمی‌توانستم اعتماد کنم. این حالت فقط مخصوص بنده نیست؛ همه آدم‌ها از تحلیل غلط، از مشورت غلط، از نظر غلط می‌ترسند. و همینطور انسان‌ها از کوردلی هم می‌ترسند: خیلی وقت‌ها تحلیل درست را به شما می‌گویند ولی شما به خاطر لجبازی آن را قبول نمی‌کنی! این هم یک نوع از خطر هاست.

۶/۱/۳. خطر عاقبت سوء و بدبخت‌شدن؛ سومین مصداق از مصادیق خوف و خطر در زندگی

خطر عاقبت سوء و شقی و بدبخت‌شدن: این هم خطری است که همه آدم‌ها از آن ترس دارند. آدم‌ها عاقبت به شرف‌شدن را دوست ندارند، همه دوست دارند عاقبت به خیر شوند. این مباحث به سلامت بدن کاری ندارد و از آن گذشته است.

۶/۱/۴. خطر غم و غصه؛ چهارمین مصداق از مصادیق خوف و خطر در زندگی

مساله مهم خطر غم و غصه: این هم خیلی امر مهمی است. الان چون آدم‌ها غم و غصه زیاد می‌خورند، دچار بیماری‌های روحی و روانی می‌شوند؛ لذا باید راه عبور از غم و غصه را نیز بدانند. غم زیاد قلب را از کار می‌اندازد، غم زیاد باعث می‌شود که روابط انسانی دچار اصطکاک شود و حوصله نداشته باشد.

۶/۱/۵. خطر فقر و محرومیت، خطر وحوش و حیوانات مودى و مرگ‌های ناگهانی؛ سه مصداق دیگر از مصادیق خوف و خطر در زندگی

خطر بیماری‌های جسمی را هم که بحث کردم. خطر فقر و محرومیت، و خطر وحوش و حیوانات مودى و مرگ‌های ناگهانی. بنده روایات را که طبقه‌بندی کردم به این نتیجه رسیدم که هفت نوع خطر مهم داریم. که یکی از آنها را یک مقدار تفصیلی‌تر بحث کردیم. ولی خواستم بگویم که این را دقت کنید که مباحث مربوط به ایمنی در "نظریه فقهی ایمنی" فقط شامل ایمنی جسم نیست؛ بلکه شامل شش حوزه دیگر هم هست.

۶/۲. اهلیت (علیه السلام)؛ راه حل ایمنی از مصادیق هفت گانه خوف و خطر در زندگی

خب؛ حالا ایمنی از اینها را چطور تامین کنیم؟ یک اشاره ای داشته باشیم: یک روایتی است به مضامین و عبارات مختلف، هم در کتب اهل تسنن و هم در کتب شیعه ذکر شده است، یعنی فریقین آن را نقل کرده اند، مثل حدیث ثقلین است. عبارت روایت این است (گاهی اوقات عبارات این روایت متفاوت نقل شده است، ولی مفهوم همه یک چیز است) این هفت نوع خطر وجود دارد و امیرالمومنین (علیه السلام) می فرماید: «أَنَا وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ».^{۸۱} این خطرات همیشه وجود داشته است و هرگاه مردم بخاطر این خطرات به اهلیت (علیه السلام) رجوع می کردند، اهلیت (علیه السلام) اینطور پاسخ می دادند که: «أَنَا وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ». چهارده معصوم (علیه السلام) امان برای همه این هفت نوع خطر هستند. یعنی برای همه این هفت نوع خطر راه حل ارائه داده اند.

این روایت در برخی منابع دیگر هم آمده است؛ مثلاً در "اصل نرسی" (که یکی از اصول به جا مانده از زمان امامان است) از امام صادق (علیه السلام) اینطور نقل شده است که: «فَاهْدِنَا إِلَى نُجُومِكَ الَّتِي جَعَلْتَهَا أَمَانًا لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ حَتَّى تَتَوَجَّهَ بِهِمْ إِلَيْكَ»^{۸۲} مراد از نجوم در اینجا اهلیت (علیه السلام) هستند. حضرت می فرماید: ما را هدایت کن به آن ستارگانی که امان برای اهل ارض (زمین) و اهل سما (آسمان) هستند.

۶/۲/۱. ارائه راه حل برای ایمنی از تمام مصادیق خوف و خطر توسط اهلیت (علیه السلام)؛ معنای ایمنی بخش بودن اهلیت (علیه السلام) در مقابل مصادیق خوف و خطر

اینکه اهلیت (علیه السلام) امان هستند یعنی چه؟ یعنی برای همه این خطرات راه حل دارند. یعنی گاهی وقتها که شما راجع به اهلیت (علیه السلام) صحبت می کنید، ایشان را با اوامر و نواهی معرفی می کنید. گاهی وقتها می گوید: اهلیت (علیه السلام) راه حل برای مقابله با هفت خطر را برای ما گفته اند. اگر اهلیت (علیه السلام) را اینطور معرفی کنید، تصویر واقعی تر و زیباتری از ایشان در ذهن ها شکل می گیرد. این روایت را که خواندم همانطور که گفتم از "اصل نرسی" است. خب؛ بعضی ها در سند این اصل

۸۱. ارجاع پژوهشی: عن علی ع: أنا و أهل بيتي أمان لأهل الأرض كما أن النجوم أمان لأهل السماء.

امیرالمومنین (علیه السلام): من و اهل بیت من امانیم از برای اهل زمین چنانکه ستاره ها امانند از برای اهل آسمان.

غرر الحکم، ص ۲۶۲

جهت مشاهده روایات بیشتر در این باره ر، ک؛ پیوست شماره ۹.

۸۲. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو مُحَمَّدٍ هَازُونَ بْنُ مُوسَى بْنِ أَحْمَدَ التَّلَعُكْبَرِيُّ أَبَدَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْهَمْدَانِي قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيُّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْمُحَمَّدي، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ [رَبِّدٍ] النَّرْسِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: إِذَا تَنَظَّرْتَ إِلَى السَّمَاءِ، فَقُلْ: سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجاً، وَ جَعَلَ فِيهَا سِرَاجاً وَ قَمَراً مُنِيراً، وَ جَعَلَ لَنَا نُجُوماً قَبْلَهُ نَهْتَدِي بِهَا إِلَى التَّوَجُّهِ إِلَيْهِ فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَ النَّجْمِ؛ اللَّهُمَّ! كَمَا هَدَيْتَنَا إِلَى التَّوَجُّهِ إِلَيْكَ وَ إِلَى قَبْلَتِكَ الْمُنْصُوبَةِ لِخَلْقِكَ، فَاهْدِنَا إِلَى نُجُومِكَ الَّتِي جَعَلْتَهَا أَمَانًا لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ حَتَّى تَتَوَجَّهَ بِهِمْ إِلَيْكَ، فَلَا يَتَوَجَّهَ الْمُتَوَجِّهُونَ إِلَيْكَ إِلَّا بِهِمْ، وَ لَا يَسْلُكَ الطَّرِيقَ إِلَيْكَ مَنْ سَلَكَ مِنْ غَيْرِهِمْ، وَ لَا لَرِمَ الْمَحْجَةَ مَنْ لَمْ يَلْزِمُهُمْ، اسْتَمْسَكَتْ بِعُرْوَةِ اللَّهِ الْوَقْفَى، وَ اعْتَصَمَتْ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ*، وَ مِنْ شَرِّ مَا يُعْرَجُ فِيهَا*، وَ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ فِي الْأَرْضِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا خَرَجَ مِنْهَا] وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ اللَّهُمَّ! رَبِّ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ، وَ الْبَحْرِ الْمَكْتُوفِ، وَ الْفَلَكِ الْمَسْجُورِ، وَ النُّجُومِ الْمَسْحُورَاتِ، وَ رَبِّ هُودِ بْنِ أَسِيَّةَ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَافِنِي مِنْ كُلِّ حَيَّةٍ وَ عَقْرَبٍ، وَ مِنْ جَمِيعِ هَوَامِّ الْأَرْضِ وَ الْهَوَاءِ وَ السَّبَاعِ وَ مِمَّا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ، وَ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ سُكَّانِ الْأَرْضِ وَ الْهَوَاءِ.

زید نرسی از امام صادق (علیه السلام): هرگاه به سوی آسمان نظر کردی، بگوک منزّه است خدایی که در آسمان بُرج‌هایی آفرید، و در آن سراج (چراغ) و ماه نورانی قرار داد، و مقابل ما ستارگانی قرار داد که به وسیله آنها در تاریکی های بیابان ها و دریاها هدایت می شویم؛ خدایا! همانطور که ما را به سوی خود و قبله ات هدایت کردی، پس ما را به سوی ستارگان که آنها را امان برای اهل زمین و آسمان قرار دادی هدایت کن تا اینکه به واسطه آنها به سوی تو رو کنیم، پس کسانی که به سوی تو رو می کنند به غیر واسطه آنها نمی توانند متوجه تو شوند، و کسی راه به سوی تو را بدون آنها نمی تواند طی کند، و هر کس با آنها همراه نباشد حجت و برهانی ندارد، به دستگیره محکم الهی چنگ زد، و به ریسمان پناهنده شدم، و از شر آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه به سوی آسمان بالا می رود و آنچه در زمین خلق شده و از شر آنچه از زمین بیرون می آید؛ به خدا پناه می برم. لا حول و لا قوه الا بالله؛ خداوند! ای پروردگار آسمان برافراشته و دریای نگاهداشته شده، و کشتی های شکافنده، و ستارگان مسخر، و ای پروردگار هودبن آسیه بر محمد و آلش درود فرست و مرا از همه مار و عقرب ها، و جمیع جنبندگان زمین و هوا و درندگان و هر آنچه در دریا و خشکی است، و از اهل زمین و ساکنان زمین و هوا؛ عافیت ده.

مصدر اصلی: الأصول الستة عشر، ص ۲۰۸ - اصل نرسی

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۱۸۶ / مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۴۸

اشکال می‌کنند؛ ولی به نظر ما این اصل معتبری است و یکی از دلایل آن هم این است که "ابن ابی عمیر" (که علماء به مرویاتش اعتماد می‌کنند) تمام اصل نرسی را روایت کرده است.^{۸۳} جناب محمد بن ابی عمیر خیلی شخص منضبط و راوی معتبری است و حتی اگر در جایی روایت مرسل هم نقل کرده باشد؛ علماء می‌فرمایند چون شخص منضبطی است به روایات او می‌توان اعتماد کرد.^{۸۴} لذا به لحاظ سندی این روایات در کتب شیعه هم معتبر است خصوصاً این روایت که نقل کردم.

حالا چگونه از روابط انسانی سوء در امان باشیم؟ اهلیت (علیهم‌السلام) یک سرفصل در مورد این موضوع (امان از روابط انسانی سوء) بحث کرده‌اند. یک سرفصل در مورد امان از تحلیل و علم غلط و کوردلی بحث کرده‌اند؛ که در روایات "امان" و روایات "حرز" وجود دارد. مثلاً حضرت در مورد قرآن می‌فرماید: «حرز من الشیطان». یعنی علمی که در آیات قرآن است «حرز من الشیطان».^{۸۵} یعنی هر کس از این نوع علمی که در قرآن است استفاده کند، شیطان در او تصرف نمی‌کند. در مورد همه این مباحث امان از عاقبت سوء و شقاء، امان از غم و غصه و ... روایات مفصل وجود دارد.

۸۳. **ارجاع پرورشی:** به ابتدای کتاب زید نرسی از مجموع اصول ۱۶ گانه جمع‌آوری شده در کتاب "الاصول الستة عشر" مراجعه کنید: کتاب زید النرسی: روایة ابي محمد هارون بن موسى بن أحمد التلعكبري أئده الله بسم الله الرحمن الرحيم . حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَى بْنِ أَحْمَدَ التَّلَكْبَرِيُّ أَيْدَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْهَمْدَانِي، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيُّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْمُحَمَّدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ زَيْدِ النَّرْسِيِّ.

الاصول الستة عشر، ص ۱۸۷

۸۴. **ارجاع پرورشی: مرحوم نجاشی** (ره) می‌فرماید: «محمد بن ابی عمیر زیاد بن عیسیٰ ابو احمد الأزدي: ... جلیل القدر عظیم المنزله فینا و عند المخالفین ... روی آنه حسبه المأمون حتی و لاه قضاء بعض البلاد، و قیل: إن أخته دفنت کتبه فی حال استتارها و کونه فی الحبس أربع سنین فهلکت الکتب، و قیل: بل ترکتها فی غرفة فسال علیها المطر فهلکت، فحدث من حفظه. و مما کان سلف له فی ایدي الناس، فلهدا أصحابنا یسکتون إلی مراسیله.»

«محمد بن ابی عمیر جلیل القدر، دارای منزلت و جایگاه عظیمی هم در نزد ما شیعیان و هم در نزد مخالفین می‌باشد ... روایت شده که: مامون او را زندانی کرد ... و گفته شده که: خواهر محمد بن ابی عمیر کتابهای وی را مخفی کرد و زندانی وی چهار سال طول کشید لذا کتاب های او از بین رفت، و گفته شده که: خواهر ایشان کتابهای وی را در یک اتاقی گذاشته بود که باران بر آن بارید و از بین رفت! لذا محمد بن ابی عمیر حدیث را یا از حفظ و یا از آن روایاتی که در دست مردم مانده بود می‌خواند. لذا اصحاب ما به روایات مرسل او اعتماد می‌کنند.»

رجال النجاشی، ص ۳۲۶

و همچنین مرحوم شیخ طوسی (ره) در مورد ایشان می‌فرماید:

«المرسل، فإن کان ممن یعلم أنه لا یرسل إلا عن ثقة موثق به فلا ترجیح لخبر غیره علی خبره، و لأجل ذلك سوت الطائفة بین ما یرویه محمد بن ابی عمیر، و صفوان بن یحیی، و أحمد بن محمد بن ابی نصر و غیرهم من الثقات الذین عرفوا بأنهم لا یروون و لا یرسلون إلا عن یوثق به و بین ما أسنده غیرهم، و لذلك عملوا بمراسیلهم إذا انفردوا عن روایة غیرهم.»

«... علماء شیعه روایات محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و ... که از اشخاص مورد اطمینانی هستند که روایات مسند و روایات مرسل آنها فقط از افراد موثق است ... و لذا به احادیث مرسل آنها عمل می‌کنند...»

العدة فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۵۴

و همچنین مرحوم کشی (ره) در مورد ایشان می‌فرماید:

«أجمع أصحابنا علی تصحیح ما یصح عن هؤلاء و تصدیقهم، و أقرروا لهم بالفقہ و العلم؛ و هم سئة نفر آخر دون الستة نفر الذین ذکرناهم فی أصحاب ابی عبد الله (ع)، منهم یونس بن عبد الرحمن، و صفوان بن یحیی بیاع السابری، و محمد بن ابی عمیر، و عبد الله بن المغیره، و الحسن بن محبوب، و أحمد بن محمد بن ابی نصر، و قال بعضهم: مکان الحسن بن محبوب: الحسن بن علی بن فضال و فضالة بن ایوب، و قال بعضهم: مکان ابن فضال: عثمان بن عیسی، و أفضه هؤلاء یونس بن عبد الرحمن و صفوان بن یحیی.»

«اصحاب و علماء ما اجمع دارند بر تصحیح و تصدیق روایات یک گروه از راویان که شش نفر هستند و به فقه و علم آنها اقرار دارند: یونس بن عبد الرحمن، ... محمد بن ابی عمیر...»

رجال الکشی، ص ۵۵۶

۸۵. **ارجاع پژوهشی:** و قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنْ أَرَدْتُمْ عَيْشَ السُّعَدَاءِ وَ مَوْتَ الشُّهَدَاءِ وَ التَّجَاةَ يَوْمَ الْحَشْرَةِ وَ الظَّلَّ يَوْمَ الْحُزُورِ وَ الْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ فَادْرُسُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ كَلَامُ الرَّحْمَنِ وَ حِرْزٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ رُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): اگر می‌خواهید که همچون سعادتمندان زندگی کنید، و همچون شهیدان از دنیا بروید، و در روز حسرت نجات یابید، و در روز گرمای سخت سایبانی داشته باشید، و در روز گمراهی بر راه راست بروید، قرآن را بخوانید که کلام رحمان است، و حرزی در برابر شیطان، و سبب سنگینی ترازوی اعمال.

مصدر اصلی: جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۴۱

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۹ / مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۲

۶/۲/۲. فهرست کتاب فقهی ایمنی؛ نقطه آغاز تفاهم با مردم دنیا و بهترین راه برای اثبات حقانیت اهلیت (علیهم السلام) در سطح جهانی

پس این سرفصل پنجم هم می‌گوید: بشر غیر از تهدیدات جسمی شش نوع تهدید دیگر هم دارد و همه اینها دارای الگوی ایمنی هستند. دقت می‌کنید که ما دیگر مفهوم "ایمنی" را از "ایمنی در بدن" به "ایمنی در زندگی" زندگی توسعه دادیم. بنابراین روش صحیح این است که همه انواع ایمنی را برای بشر بحث کنیم. حالا در این ایام هم که متعلق به مرحوم علامه امینی (ره) مؤلف کتاب "الغدیر" است و شما می‌دانید که کتاب الغدیر کتاب عظیمی است در اثبات حقانیت شیعه و در دفاع از امیرالمومنین (علیه السلام). بنده می‌خواهم عرض کنم که فهرست "کتاب ایمنی" از حیث دفاع از اهلیت (علیهم السلام) یک کتابی برابر با "کتاب الغدیر" می‌شود. یعنی چه؟ یعنی اینکه شما اگر شروع کنید با کل دنیا در مورد امان از خوف و خطر را صحبت کنید، یک معرفی خوبی از اهلیت (علیهم السلام) اتفاق می‌افتد. این خیلی مهم است که مدل‌های دفاع ما از غدیر و اهلیت (علیهم السلام) را تکامل ببخشیم. یکی از این مدل‌ها این است که به محوریت مفهوم "امان" از اهلیت (علیهم السلام) دفاع کنیم. یعنی چه اتفاقی می‌افتد؟ آدم‌ها همه مبتلای به خوف و خطر هستند؛ اهلیت (علیهم السلام) به عنوان "امان" و "حرز" در ذهن مردم تثبیت می‌شود. که حالا ان شاء الله اگر توفیقی بود و بحث کردیم، به ذهن من اینطور می‌رسد که

بنده هم کتاب "عبارات الانوار" میرحامد حسین،^{۸۶} هم "المراجعات" و هم "الغدیر" را دیده‌ام؛ اینها کتاب‌های عظمایی هستند. ولی به هر حال تجمیع روایات "امان" هم خودش یک مبنای جدیدی را در دفاع از حریم اهلیت (علیهم السلام) پایه‌گذاری می‌کند و خاصیتش هم این است که با همه ابناء بشر می‌توان راجع به آن تفاهم کرد و از اهلیت (علیهم السلام) دفاع نمود. لذا اگر کسی در حوزه علمیه قم این فکر را دارد که اسلام را در سطح جهانی نشر دهد؛ پیشنهاد ما این است که از مجموعه روایات امان و حرز استفاده کند. چون هر هفت نوع خطری را که من الان بحث کردم، برای کل ابناء بشر قابل درک است و همه آنها این خطرها را درک می‌کنند. شما با این روش، اهلیت (علیهم السلام) را به عنوان امان از این خطرها معرفی می‌کنید. این خیلی به تفاهم کمک می‌کند. خصوصا در این عصری که در محیط اطرافمان برادران اهل تسنن و یا ادیان دیگر زندگی می‌کنند، و یا حتی جمعیت زیادی در دنیا هستند که هیچ دین خاصی ندارد؛ شما چگونه می‌خواهید راجع به کارآمدی دین با آنها صحبت کنید؟ شروع [تفاهم با آنها] از اوامر و نواهی و احکام، شروع خوبی نیست. بعضی می‌گویند شروع تفاهم از اعتقادات صورت بگیرد. ولی به نظر من شروع از اعتقادات هم نقطه آغاز تفاهم نیست. نقطه آغاز، شروع از امان است. اینکه من می‌گویم ما در حوزه علمیه قم یک راه‌حل‌های جدیدی داریم که قابلیت رقابت با دانشگاه‌های مهم دنیا را دارد؛ یکی از آنها همین راه‌حل‌هایی است که در حوزه امان بحث می‌کند.

۸۶. ارجاع پرورشی: عبارات الانوار في مناقب الأئمة الأطهار: في مجلدات كبار ضخام لإثبات إمامة الأئمة. للسيد المير حامد حسين بن محمد قلي خان صاحب بن محمد بن حامد النيشابوري الكنتوري المتوفي في ۱۳۰۶. هو رد على الباب السابع من التحفة الاثني عشرية الذي هو في مبحث الإمامة، ورتبه على منهجين. المنهج الأول في إثبات دلالة الآيات القرآنية المستدل بها للإمامة... والمنهج الثاني في إثبات دلالة الأحاديث الاثني عشر على الإمامة والجواب عن اعتراضات صاحب التحفة عليها، في اثني عشر جزء لكل حديث جزء، فالجزء الأول من المنهج الثاني في حديث الغدير... الجزء الثاني من المنهج الثاني في حديث المنزلة... الجزء الثالث من المنهج الثاني في الجواب عن اعتراضاتهم علي الحديث الثالث و هو حديث الولاية [أن عليا مني و أنا من علي و هو ولي كل مؤمن من بعدي]...

عبارات الانوار في مناقب الأئمة الأطهار: در چندین جلد بزرگ در مورد اثبات امامت است. برای سید میرحامد حسین بن محمد قلي خان صاحب بن محمد بن حامد النيشابوري الكنتوري، متوفی في ۱۳۰۶. این کتاب ردی است بر باب هفتم از کتاب التحفة الاثني عشرية که در مورد بحث امامت است. میرحامد حسین این کتاب را بر دو منهج و سرفصل اصلی ترتیب داده است: سرفصل اول: در اثبات دلالت آیات قرآن در مورد امامت... و سرفصل دوم: در اثبات دلالت احادیث دوازده‌گانه بر امامت و جواب از اعتراضات صاحب کتاب التحفة بر آن. در دوازده جزء که برای حدیثی یک جزء قرار داده. پس جزء اول در مورد حدیث غدیر است... جزء دوم در مورد حدیث منزلت... جزء سوم در مورد حدیث ولایت...

الذريعة إلى تصانيف الشيعة (آقابزرگ تهرانی)، ج ۱۵، ص ۲۱۴

۷. سوال ششم: نظریه فقهی ایمنی را چگونه در جامعه محقق کنیم؟

۷/۱. به کارگیری چرخه چهاربخشی تحریک فکر؛ راهکار محقق شدن نظریه فقهی ایمنی در جامعه

و اما سرفصل آخر این است که حالا ما این نظریه فقهی ایمنی را که اجمالا بحث کردیم؛ چگونه محقق کنیم؟ چگونه محقق کردن نظریات فقهی یک بحث مهمی است. پاسخش از نظر ما یک جمله است: «به کارگیری چرخه چهاربخشی تحریک فکر». چهار کار را اگر انجام بدهید، جامعه - حتی اگر مخالف هم باشد - راجع به این نظریات فکر خواهد کرد.

۷/۱/۱. مدیریت خبر، مدیریت تضارب، مدیریت مکتوبات و مدیریت نمونه سازی؛ مصادیق چرخه چهاربخشی تحریک فکر

این چهار کار عبارت است از: تولید خبر، تضارب، تولید مکتوبات و نمونه سازی حول یک نظریه. یعنی مثلاً در مورد این جلسه ای که امروز برگزار شده، یک خبری در کشور منتشر شده است و الان خیلی ها از این جلسه اطلاع دارند، هم مسئولین، و هم خیلی از نخبگان سراسر کشور می دانند و خیلی ها تقاضا داشتند که این جلسه از طریق فضای مجازی پخش و منتشر شود. این یک خبر است. خبر را دست کم نگیرید! بنده به شما بگویم که بسیاری از اشخاص در وزارتخانه های ما و مسئولین ما اساساً نمی دانند که ما یک چنین کارهای تحقیقاتی عظیمی در حوزه علمیه قم انجام داده ایم. شما خودتان را تصور نکنید که اطلاع دارید. خیلی ها اطلاع ندارند. این مهم است. پس شما باید در انتشار اخبار مرتبط با نظریات فقهی نقش ایفاء کنید. این آغاز تحقق است.

خب؛ وقتی خبر انتشار پیدا می کند، یک عده ای راجع به آن شروع به اشکال و گفتگو کردن می کنند؛ لذا [در این مرحله] "تضارب"^{۸۷} موضوعیت پیدا می کند. و اشکالی هم ندارد بگذارید دیگران حرف های خود را بزنند. من دوست دارم که جمعی از این ایمونولوژیست های وزارت بهداشت به قم تشریف بیاورند و ببینیم ساختار اشیاء ایمنی آنها چیست تا ما آنها را با ساختار اشیاء تقویت کننده ایمنی خودمان مقایسه و بحث و گفتگو کنیم و ببینیم که اینها بیشتر ایمنی ایجاد می کند یا ترکیبات درون واکسن؟ این یک بحث علمی است و اشکالی هم ندارد.

مکتوبات هم نیاز داریم. باید کتاب بنویسیم، جزوه بنویسیم، مقاله بنویسیم. لذا من خواهش می کنم که این مجموعه دوستانی که در اینجا حضور دارند و می توانند بنویسند، شروع به نوشتن کنند. ولو خلاصه بحث را بنویسند. دوستان ما هم این جلسه را تدوین خواهند کرد و همه روایاتش را در اختیار شما قرار می دهند. مساله مکتوبات یکی از واجبات برای تحقق [نظریه] است.

و در انتها هم شروع کنیم این مباحث را در یک جایی پیاده و اجرایی کنیم. مثلاً روی خودمان اینها را پیاده کنیم و به دیگران هم توصیه کنیم. و اگر هم مقدور بود اطلاعات اینها را ثبت کنیم. معاون سابق وزارت بهداشت می گفتند: دو هزار نفر باید ذیل فلان نظریه کارآزمایی شوند.^{۸۸} به ذهن من می رسد که الان بیش از ۳۰-۲۰ هزار نفر داریم [براساس مبانی طب اسلامی] کارآزمایی و تجربه انجام می دهیم؛ ولی چون اطلاعاتش را ثبت نمی کنیم یا کمتر ثبت می کنیم، قابل قضاوت نیست. لذا نمونه سازی عمل همراه با معرفی است، عمل همراه با ثبت اطلاعات است. آقایان! من فهم خودم را محضر شما عرض می کنم: هرکس این چهار کار را انجام دهد، دارد تمدن می سازد. تمدن ساختن چیز پیچیده ای نیست؛ ما باید تولید دانش کنیم و سپس نشر دانش انجام دهیم. تولید

۸۷. ارجاع پرورشی: برگرفته از کلام امیرالمومنین (ع): اِضْرَبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ.

امیرالمومنین (علیه السلام): بزنیب بعضی رأی را ببعضی تا زاییده شود از آن، آنچه راست و درست باشد.

غیر الحکم، ص ۱۵۸

۸۸. ارجاع پردازشی: به گزارش خبرنگار بهداشت و درمان باشگاه خبرنگاران پویا؛ رضا ملک زاده در پاسخ به سؤالات مطرح شده از سوی بسیج دانشگاه های علوم پزشکی کشور درخصوص عملکرد خود، توضیحاتی ارائه کرد: ... همان طور که مستحضرید بیماری کووید-۱۹ درمان استاندارد ندارد و کشف درمان استاندارد برای این بیماری مستلزم انجام تحقیق است. از طرف دیگر مطالعات کارآزمایی بالینی کوچک و حتی متوسط راه به جایی نمی برند، دارو باید روی حداقل دوهزار نفر از جمعیت مبتلا و دوهزار نفر از جمعیت سالم آزمایش شود.

دانش را عرض کردم که روش تحقیق آن چگونه است و چگونه تحقق پیدا می‌کند، نشر دانش هم از این چهار طریق صورت می‌گیرد. الان دوستان طب اسلامی خبرشان ضعیف است. چرا؟ چون فقط در فضای مجازی و چند کانال انجام می‌گیرد. خبر فقط از طریق رسانه نیست؛ رسانه بخشی از ابزار انتقال است. مثلاً ما باید شروع کنیم برویم از ۱۰۰ نفر از اشخاص موثر در کشور وقت بگیریم و خبر یک چنین تحقیقاتی را به آنها برسانیم. تضارب هم باید تقویت شود، مکتوبات هم خیلی باید زیاد شود یعنی ما خیلی فاصله داریم تا اینکه کتاب‌هایمان به یک حدی برسد که مثلاً بتوانیم آنها را ترجمه کنیم و در دنیا نشر دهیم و در اختیار مردم دنیا قرار دهیم. خیلی باید کتاب بنویسیم. نمونه‌سازی را هم عرض کردم که انجام می‌دهیم، ولی ثبت اطلاعات نمی‌کنیم. این بحث هم از لحاظ روش تحقیق بود که اگر کسی به دنبال چرخه تحریک فکر باشد ان‌شاء‌الله می‌تواند این مباحث را محقق کند.

پس در مجموع نظریه فقهی ایمنی دارای شش سوال بود: سوال اولش بحث روش تحقیق بود، سوال آخرش هم بحث روش تحقیق بود. و عمده بحث هم در ساختار چهارم شکل گرفت؛ یعنی آنجایی که شما درکتان را از اعضاء و از اشیاء نوزده‌گانه ترکیب می‌کنید و واکسن و الگوی فقهی ایمنی تولید می‌کنید. از اینکه تصدیع کردم از محضر همه شما عذرخواهی می‌کنم.

والحمد لله رب العالمین

پیوست‌ها:

پیوست شماره ۱: گزارشات سازمان بهداشت جهانی پیرامون عوارض دارویی (ADR)

ADR (Adverse Drug Reaction) یا همان عوارض ناخواسته دارویی به گزارشات عوارض دارویی گفته می‌شود که در کشور ما این گزارشات به صورت پیاپی انتشار می‌یابد.

در این باره مطلبی از پایگاه رسمی سازمان غذا و داروی ایران می‌خوانیم:

گروه ثبت و گزارش ایمنی و عوارض ناخواسته فرآورده های سلامت (ADR)، به عنوان تنها مرکز ملی در سطح کشور به جمع‌آوری، بررسی و ثبت گزارش‌های عوارض دارویی و اشتباهات داروپزشکی مشاهده شده توسط جامعه محترم پزشکی می‌پردازد. این مجموعه از سال ۱۳۷۷، تحت عنوان "مرکز ثبت و بررسی عوارض ناخواسته داروها" به عنوان عضو کامل سازمان جهانی بهداشت در برنامه بین‌المللی پایش فرآورده های دارویی پذیرفته شده است و از آن زمان تاکنون با سازمان مذکور و سایر کشورهای عضو به تبادل اطلاعات در زمینه عوارض دارویی و اشتباهات داروپزشکی می‌پردازد. هدف از بررسی عوارض دارویی و اشتباهات داروپزشکی دریافت شده، کاهش مرگ و میر ناشی از عوارض دارویی و اشتباهات داروپزشکی و پیشگیری از وقوع آنها می‌باشد. در بهمن ماه سال ۱۳۸۵، دستورالعمل ثبت عوارض و خطاهای دارویی از سوی معاونت محترم غذا و دارو با تائید وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به کلیه دانشگاه‌های علوم پزشکی و مراکز بهداشتی درمانی دولتی و خصوصی سراسر کشور ابلاغ گردید و کلیه مراکز ذیربط ملزم به گزارش عوارض و اشتباهات داروپزشکی مشاهده شده به این گروه گردیدند. هم‌چنین در سال ۱۳۸۴ بنا بر رای کمیسیون قانونی ساخت و ورود داروها، شرکت‌های داروسازی موظف به ارسال گزارش‌های مربوط به ایمنی فرآورده‌های خود به گروه ADR شده اند که این مطلب مجدداً در ماده ۱۰ دستورالعمل فوق‌الذکر مورد تاکید قرار گرفته است. در سال ۱۳۹۶، بدلیل اهمیت توجه به ایمنی مصرف سایر فرآورده‌های سلامت به غیر از دارو و با هدف ارتقاء سیستم پایش تجویز و مصرف سایر فرآورده‌های سلامت در کنار فرآورده‌های دارویی، نام این مجموعه به "گروه ثبت و گزارش ایمنی و عوارض ناخواسته فرآورده های سلامت" تغییر یافته است.

آدرس مطلب در پایگاه رسمی سازمان غذا و داروی ایران: yon.ir/B٦oA٨

و همچنین صفحه اختصاصی ADR در پایگاه رسمی WHO:

yon.ir/izegd

و سایت نظارت بین‌المللی دارو (وابسته به WHO) که به صورت دوره‌ای گزارشاتی مبنی بر امنیت و سلامت دارو تحت عنوان Uppsala Reports منتشر می‌کند:

who-umc.org

برای مشاهده برخی از گزارش‌های ADR در ایران می‌توان به این آدرس رجوع کرد:

yon.ir/DvHdNm

برای مشاهده گزارش‌های ADR در کشورهای اروپایی به این آدرس رجوع کنید:

adrreports.eu/en

ICD (International Statistical Classification of Diseases and Related Health Problems) یا همان طبقه‌بندی بین‌المللی آماری بیماری‌ها و مشکلات تندرستی مرتبط از دیگر بخش‌های سازمان بهداشت جهانی (WHO) است که به صورت دوره‌ای بازنگری و انتشار می‌یابد. در بخشی از ICD به موضوع مضرات دارویی Adverse Drug پرداخته می‌شود به عنوان مثال می‌توان به این نمونه رجوع کرد:

پیوست شماره ۲: روایاتی در مورد علم مبتنی بر اشراف اهل بیت (علیهم السلام)

روایات در مورد علم اهل بیت (علیهم السلام)، ویژگی‌ها، سرچشمه‌ها، چگونگی علم ایشان بسیار فراوان و فوق حد تواتر است؛ در اینجا فقط به چند روایت در مورد گستره آن اشاره می‌شود:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ أَبِيهِ أَصْبَاطٍ عَنْ سُوْرَةَ بْنِ كَلَيْبٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ ع: وَ اللَّهُ! إِنَّا لَخِرَّانُ اللَّهُ فِي سَمَانِهِ وَ أَرْضِهِ لَا عَلَيَّ ذَهَبٌ وَ لَا عَلَيَّ فِضَّةٌ إِلَّا عَلَيَّ عِلْمِهِ.

امام باقر علیه السلام: به خدا سوگند! ما خزینه‌های خدا در آسمان و زمین هستیم، نه بر طلا و نقره، که خزینه‌های علم اویم.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱۰، ص ۱۹۲ / بصائر الدرجات، ص ۱۰۴ / إعلام الوری (طبرسی)، ج ۱۰، ص ۵۰۹

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۰۵

رُوي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... أَوْلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَيَّ غَيْبَهُ أَحَدًا* إِلَّا مَنْ أَرْتَضِي مِنْ رُسُلٍ؟ فَرَسُولُ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ مُرْتَضَى، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ ذَلِكَ الرَّسُولِ الَّذِي أَطْلَعَهُ اللَّهُ عَلَيَّ مَا شَاءَ مِنْ غَيْبِهِ، فَعَلَّمَنَا مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ....»

امام رضا (علیه السلام): آیا چنین نیست که خداوند می‌فرماید: «او دانای غیب است و غیب خود را بر هیچ کس آشکار نمی‌سازد، مگر بر آن پیامبری که از او خشنود باشد»؟ و پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که خدا از او خشنود است و ما وارثان آن پیامبریم؛ همو که خداوند، او را بر هر چه از غیبش خواست، آگاه نمود و او ما را از آنچه بوده و تا روز رستاخیز خواهد بود، آگاه کرده است.

مصادر اصلی: الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۳۴۳ / الثاقب في المناقب (ابن حمزه طوسی)، ص ۱۸۹

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۷۵

أَبُو مُحَمَّدٍ الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ رَحِمَهُ اللَّهُ رَفَعَهُ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ): ... إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَالْأَنْبِيَاءَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - يُوقَفُهُمُ اللَّهُ وَ يُؤْتِيهِمْ مِنْ مَخْزُونِ عِلْمِهِ وَ حُكْمِهِ مَا لَا يُؤْتِيهِ غَيْرُهُمْ، فَيَكُونُ عِلْمُهُمْ فَوْقَ عِلْمِ أَهْلِ الزَّمَانِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «أَفَمَنْ يُهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» وَقَوْلِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» وَقَوْلِهِ فِي طَالُوتَ: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يُؤْتِي مَلَكُهُ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ».

امام رضا علیه السلام: خداوند، پیامبران و امامان را - که دروهای خداوند بر آنان باد - توفیق داده است و به ایشان از گنجینه علم و حکمت خود، آن بخشیده که به دیگران نبخشیده است. علم آنها، برتر از علم مردم زمانشان است در این سخن خداوند متعال: «آیا آن که به سوی حق هدایت می‌کند، برای پیروی، سزاوارتر است یا کسی که هدایت نمی‌کند، مگر خود هدایت شود؟ پس شما را چه شده؟! چگونه داوری می‌کنید» و این سخن خدای - تبارک و تعالی - : «هر که حکمت داده شده، خیر فراوانی بدو داده شده است» و سخن او در باره طالوت: «خداوند، او را بر شما برگزیده و به دانش و توان او افزوده است و خداوند، ملک خویش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد و خداوند، گشایشگری داناست».

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۲۰۲ / کمال الدین، ص ۶۸۰ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۱ / الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۴۵
منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۲۷

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَبِي الْحَسَنِ صَاحِبُ الدَّيْلَمِ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ع يَقُولُ - وَ عِنْدَهُ أَنَا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ - : عَجَبًا لِلنَّاسِ أَنَّهُمْ أَخَذُوا عِلْمَهُمْ كُلَّهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَعَمِلُوا بِهِ وَ اهْتَدَوْا وَ يَرَوْنَ أَنَّ أَهْلَ بَيْتِهِ لَمْ يَأْخُذُوا عِلْمَهُ وَ نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِهِ وَ ذُرِّيَّتُهُ، فِي مَنَازِلِنَا نَزَلَ الْوَحْيُ وَ مِنْ عِنْدِنَا خَرَجَ الْعِلْمُ إِلَيْهِمْ. أَ فَيَرَوْنَ أَنَّهُمْ عَلِمُوا وَ اهْتَدَوْا وَ جَهَلْنَا نَحْنُ وَ ضَلَلْنَا إِنَّ هَذَا لِمَحَالٌّ.

امام صادق علیه السلام- در حالی که گروهی از کوفیان در خدمت ایشان بودند-: شگفت از مردمی که همه علم خود را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ستاندند و بدان عمل کردند و ره یافتند و گمان می کنند اهل بیت او علمش را نستانده اند، در حالی که ما، اهل بیت و ذریه او هستیم؛ وحی در خانه های ما فرود آمد و علم از سوی ما به سوی مردم صادر شد. آیا آنها گمان می کنند که آگاه شده اند و ره یافته اند؛ ولی ما نمی دانیم و گمراه شده ایم؟! این، محال است.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۳۹۸ / الأماي (المفيد)، ص ۱۲۲ / بصائر الدرجات، ص ۱۲
منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۷۹

عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عِلْمَيْنِ عِلْمًا أَظْهَرَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ وَ أَنْبِيَآءُهُ وَ رُسُلُهُ فَمَا أَظْهَرَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ وَ أَنْبِيَآءُهُ فَقَدْ عَلِمْنَاهُ وَ عِلْمًا اسْتَأْتَرَ بِهِ فَإِذَا بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَيْءٍ مِنْهُ أَعْلَمْنَا ذَلِكَ وَ عَرَضَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِنَا.

امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی را دو گونه علم است: ۱- علمی که ملائکه و پیغمبران و رسولانش را بآن آگاه ساخته، پس آنچه ملائکه و رسولان و پیغمبرانش را بآن آگاه ساخته ما هم میدانیم. ۲- علمی که بخودش اختصاص داده؛ پس هر گاه در موضوعی از آن علم بدا حاصل شود، ما را آگاه سازد و بر امامان پیش از ما هم عرضه شود.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۲۵۵ / مسائل علی بن جعفر، ص ۳۲۶
سند مسائل علی بن جعفر: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعُمَرِيِّ بْنِ عَلِيِّ جَمِيعًا عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلی الله عليهم، ج ۱، ص ۳۹۴ / الإختصاص، ص ۳۱۳
منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۹۳ / الفصول المهمة، ج ۱، ص ۳۹۳ / الوافي، ج ۳، ص ۵۸۸

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَاقِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْأَسَدِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ زَيْدِ بْنِ الْمُعَدَّلِ التُّمَيْرِيِّ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ جَابِرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ لِعِلْمًا لَا يَعْلَمُهُ غَيْرُهُ وَ عِلْمًا يَعْلَمُهُ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِيَآؤُهُ الْمُرْسَلُونَ وَ نَحْنُ نَعْلَمُهُ.

امام باقر (علیه السلام): همانا برای خداوند علمی است که غیر از خود کسی نمی داند، و (همچنین برای خدا) علمی است که فرشتگان مقرب و انبیاء مرسل می دانند. ما نیز آنها را می دانیم.

مصادر اصلی: التوحيد (للصدوق)، ص ۱۳۸ / بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۱۲
منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۴، ص ۸۶

حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أُسْبَاطٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع أَنَّهُ قَالَ: يَا أَبَا بصيرٍ! نَحْنُ شَجَرَةُ الْعِلْمِ وَ نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ فِي دَارِنَا مَهْبِطُ جَبْرَيْلَ وَ نَحْنُ حُرَّانُ عِلْمِ اللَّهِ وَ نَحْنُ مَعَادِنُ وَحْيِ اللَّهِ مَنْ تَبِعَنَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنَّا هَلَكَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

امام صادق علیه السلام: ما شجره علم و اهل بیت پیامبر هستیم. جایگاه فرود جبرئیل، در خانه ماست و ما خزینه های علم خدا و معادن وحی خدا هستیم. هر که از ما پیروی کند، رهایی می یابد و هر که از ما باز ماند، نابود می گردد و حق خداست که چنین کند.

مصادر اصلی: الأمالی (للصدوق)، ص ۳۸۳ / بشارة المصطفی، ص ۵۴ / روضة الواعظین، ص ۲۹۹

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۴۰

الإمام علي عليه السلام: نَحْنُ شَجَرَةُ التُّبُوَّةِ، وَمَحَطُّ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، وَمَعَادِنُ الْعِلْمِ، وَيَسَابِغُ الْحُكْمِ، نَاصِرُنَا وَمُجِبُّنَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ، وَعَدُوْنَا وَمُبْغِضُنَا يَنْتَظِرُ السَّطْوَةَ.

امام علی علیه السلام: ما، درخت نبوت و فرودگاه رسالت و مکان آمد و شد فرشتگان و معدن های دانش و سرچشمه های حکمتیم. یار و دوستدار ما، رحمت را انتظار می کشد و دشمن و کینه توز ما، یورش را انتظار می برد.

مصدر اصلی: نهج البلاغة، خطبه ۱۰۹، ص ۱۶۲

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۶۵

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى وَ عُبَيْدَةَ بْنِ بَشِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: ابْتِدَاءً مِنْهُ وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ مَا فِي الْجَنَّةِ وَ مَا فِي النَّارِ وَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ. ثُمَّ قَالَ: أَعْلَمُهُ مِنْ كِتَابِ [اللَّهِ] أَنْظُرُ إِلَيْهِ هَكَذَا ثُمَّ بَسَطَ كَفَّيْهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ (فِيهِ بَيِّنَاتٌ كُلُّ شَيْءٍ)).

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «بدون تردید، من به آنچه در آسمان ها و زمین و بهشت و دوزخ است و آنچه تحقق یافته و تحقق خواهد یافت، آگاهی دارم». ایشان سپس لحظه ای درنگ کرد و چون دید این سخن بر شنوندگان گران آمده، فرمود: «این را من از کتاب خداوند عز و جل یافته ام؛ چرا که خداوند می فرماید: در آن، بیان هر چیزی هست».

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۲۶۱ / بصائر الدرجات، ص ۱۲۸ / المناقب (لابن شهر آشوب)، ج ۴، ص ۲۴۹ / تأویل الآيات الظاهرة، ج ۱، ص ۱۰۳

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۱۱

ویژگی خاص علم امیرالمومنین (علیه السلام):

أَبَانُ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ صَعِدَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ... ثُمَّ قَالَ ع سَلُونِي [عَمَّا سَأَلْتُمْ] قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَوَ اللَّهُ إِنِّي بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ ...

ابان از سلیم بن قیس نقل می کند: امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر فراز منبر قرار گرفت و حمد و ثنای الهی بجا آورد ... سپس فرمود: در باره هر چه می خواهید از من پرسید قبل از آنکه مرا نیابید. بخدا قسم من به راه های آسمان از راه های زمین آگاهترم.

مصدر اصلی: کتاب سلیم بن قیس الهلالي، ج ۲، ص ۷۱۲

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۲۵۹

امیرالمومنین ع: أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَلَا تَأْتُوا بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمَ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ قَبْلَ أَنْ تَشْعَرَ بِرَجْلِهَا فِتْنَةٌ تَطَأُ فِي خِطَامِهَا وَ تَذْهَبُ بِأَخْلَامِ قَوْمِهَا.

امیرالمومنین (علیه السلام): ای مردم، پیش از آنکه مرا نیابید از من بپرسید، که من به راههای آسمان داناتر از راههای زمینم، بپرسید پیش از آنکه فتنه‌ای به شما روی آورد که چون شتر بی صاحب گام بردارد و مهار خود را لگد کوب کند، و عقول صاحب عقول را زایل نماید.

مصدر اصلی: نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰، ص ۲۸۰

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۲۸

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُثَنَّى عَنِ زُرَّارَةَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ أَهْلِ الْكُوفَةِ يَسْأَلُهُ عَنْ قَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «سَلُونِي عَمَّا شِئْتُمْ، فَلَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْبَأْتُكُمْ بِهِ». قَالَ: إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ عِنْدَهُ عِلْمٌ شَيْءٍ إِلَّا خَرَجَ مِنْ عِنْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلْيَذْهَبِ النَّاسُ حَيْثُ شَاءُوا، فَوَاللَّهِ لَيْسَ الْأَمْرُ إِلَّا مِنْ هَاهُنَا - وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى بَيْتِهِ -.

زراره نقل می‌کند که: نزد امام باقر (علیه السلام) بودم. مردی از اهل کوفه از ایشان در باره این سخن امیر مؤمنان علیه السلام که: «در باره هر چه می‌خواهید، از من بپرسید. شما در باره نکته‌ای از من نخواهید پرسید، مگر آن که شما را از آن آگاه می‌کنم» پرسش کرد. فرمود: «هیچ کس به علمی دست نیافته است، مگر این که آن علم از سوی امیر مؤمنان علیه السلام صادر شده باشد. مردم هر کجا می‌خواهند بروند. به خدا سوگند، امر نیست، مگر از این جا» و با دست به خانه‌اش اشاره کرد.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۳۹۹ / بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۲

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۶۹ / الوافی، ج ۳، ص ۶۱۰ / بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۴

پیوست شماره ۳: اجمالی از تأثیر "عرش" و "گرسی" بر سلامت

الف - تمام اشیاء و افعال خداوند متعال دارای قدر و اندازه مشخص است:

... وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا (سوره مبارکه فرقان، آیه ۲)

و (خداوند) هر چیزی را آفریده و آن را به اندازه قرار داده، اندازه‌ای درست و دقیق.

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (سوره مبارکه قمر، آیه ۴۹)

ما هر چیزی را اندازه آفریدیم.

... وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (سوره مبارکه طلاق، آیات ۲ و ۳)

... و هر که از خدا پروا کند، خدا برای او راه بیرون شدن [از مشکلات و تنگناها را] قرار می‌دهد * و او را از جایی که گمان نمی‌برد روزی می‌دهد، و کسی که بر خدا توکل کند، خدا برایش کافی است، [و] خدا فرمان و خواسته‌اش را [به هر کس که بخواهد] می‌رساند یقیناً برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

ب- خزائن و سرمنشأ تمام این مقدرات نیز در نزد خداوند است:

وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ (سوره مبارکه حجر، آیه ۲۱)
و هیچ چیزی نیست مگر آنکه خزانه‌هایش نزد ماست، و آن را جز به اندازه معین نازل نمی‌کنیم.

ج- آنچه از مجموعه ای از آیات و روایات استفاده می‌شود آن است که: مرکز فرمان و اراده و تقدیر اشیاء در "عرش" است. یعنی اراده و مشیت خداوند در مورد تمامی امور (از جمله سلامت و مرض) در عرش خداوند و در مرتبه ای نازل تر و بعد از آن در "کرسی" صورت می‌گیرد.

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (سوره مبارکه طه، آیه ۴)

خدای رحمان که بر عرش استیلاء یافته است.

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا مِنْ عِنْدِهِ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (سوره مبارکه یونس، آیه ۳)

پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید. سپس بر عرش استیلاء یافت. کار [آفرینش] را تدبیر می‌کند. شفاعتگری جز پس از اذن او نیست. این است خدا، پروردگار شما، پس او را پرستید. آیا پند نمی‌گیرید؟

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَ لَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۵۵)

خداست که معبودی جز او نیست زنده و برپادارنده است نه خوابی سبک او را فرو می‌گیرد و نه خوابی گران آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می‌داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی‌یابند. کرسی او آسمانها و زمین را در بر گرفته، و نگهداری آنها بر او دشوار نیست، و اوست والای بزرگ.

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

و رَوَى جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: فِي الْعَرْشِ تِمْنَالٌ جَمِيعٌ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَالَ: وَ هَذَا تَأْوِيلُ قَوْلِهِ «وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ» وَ إِنْ بَيْنَ الْقَائِمَةِ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ وَالْقَائِمَةِ الثَّانِيَةِ حَفَقَانُ الطَّيْرِ الْمُسْرِعِ مَسِيرَةَ أَلْفِ عَامٍ وَ الْعَرْشُ يُكْسَى كُلَّ يَوْمٍ سَبْعِينَ أَلْفَ لَوْنٍ مِنَ الثَّوْرِ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ خَلْقٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ وَ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا فِي الْعَرْشِ كَحَلَقَةٍ فِي فَلَاةٍ...
امام سجاد (علیه السلام): در عرش تمثال جمیع آنچه خداوند در بیابانها و دریاها (همه عالم) خلق کرده است، وجود دارد. و این تاویل فرمایش خداوند است که فرمود: «وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ» هیچ چیزی نیست مگر اینکه خزائن آن در نزد ماست... و تمام اشیاء در برابر عرش مثل یک حلقه در یک بیابان بزرگ است...

مصدر اصلی: روضة الواعظین (فتال نیشابوری)، ج ۱، ص ۴۷

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۳۴ / البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۳۷

د- اجمالی از ویژگیها و تفاوت‌های بین "عرش" و "کرسی":

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَاقِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْعَرْشِ وَ الْكُرْسِيِّ فَقَالَ: إِنَّ لِلْعَرْشِ صِفَاتٍ كَثِيرَةً مُخْتَلِفَةً لَهُ فِي كُلِّ سَبَبٍ وَضِعَ فِي الْقُرْآنِ صِفَةً عَلَى حِدَةٍ. فَقَوْلُهُ «رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» يَقُولُ الْمَلِكُ الْعَظِيمُ وَ قَوْلُهُ «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» يَقُولُ عَلَى الْمَلِكِ اسْتَوَى وَ هَذَا مَلِكٌ الْكَيْفُوفِيَّةِ فِي الْأَشْيَاءِ. ثُمَّ الْعَرْشُ فِي الْوَصْلِ مُتَّفَرِّدٌ مِنَ الْكُرْسِيِّ لِأَنَّهُمَا بَابَانِ مِنْ أَكْبَرِ أَبْوَابِ الْغُيُوبِ وَ هُمَا جَمِيعاً غَيْبَانِ. وَ هُمَا فِي الْغَيْبِ مَقْرُونَانِ لِأَنَّ الْكُرْسِيَّ هُوَ الْبَابُ الظَّاهِرُ مِنَ الْغَيْبِ الَّذِي مِنْهُ مَطْلَعُ الْبَدَعِ وَ مِنْهُ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا، وَ الْعَرْشُ هُوَ الْبَابُ الْبَاطِنُ الَّذِي يُوجَدُ فِيهِ عِلْمُ الْكَيْفِ وَ الْكَوْنِ وَ الْقَدْرِ وَ الْحَدِّ وَ الْأَيْنِ وَ الْمَشِيَّةِ وَ صِفَةِ الْإِرَادَةِ وَ عِلْمِ الْأَلْفَاظِ وَ الْحَرَكَاتِ وَ التَّرْكِ وَ عِلْمِ الْعَوْدِ وَ الْبَدْءِ. فَهُمَا فِي الْعِلْمِ بَابَانِ مَقْرُونَانِ لِأَنَّ مَلِكَ الْعَرْشِ سَوَى مَلِكِ الْكُرْسِيِّ وَ عِلْمُهُ أَغْيَبٌ مِنْ عِلْمِ الْكُرْسِيِّ فَمِنْ ذَلِكَ قَالَ «رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» أَي صِفَتُهُ أَعْظَمُ مِنْ صِفَةِ الْكُرْسِيِّ وَ هُمَا فِي ذَلِكَ مَقْرُونَانِ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَلِمَ صَارَ فِي الْفَضْلِ جَارَ الْكُرْسِيِّ؟ قَالَ: إِنَّهُ صَارَ جَارَهُ لِأَنَّ عِلْمَ الْكَيْفُوفِيَّةِ فِيهِ وَ فِيهِ الظَّاهِرُ مِنْ أَبْوَابِ الْبَدْءِ وَ أَيْنِيَّتِهَا وَ حَدِّ رَتْفِهَا وَ فَتْقِهَا...

حنان بن سدير گفت: حضرت صادق (ع) را سؤال کردم از عرش و کرسی. فرمود: که عرش و ویژگی‌های بسیار مختلفی دارد؛ که برای هر سببی که در قرآن از آن ذکر شده، صفتی جداگانه دارد. پس قول او «رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» میفرماید که پروردگار و ملک عظیم و قول «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» میفرماید که خداوند مهربان بر ملک مشتمل است و استیلاء دارد و این ملک ملک چگونگی در اشیاء است. بعد از آن عرش در وصول و پیوند از کرسی جدا است؛ زیرا که عرش و کرسی دو باب از بزرگترین باب‌های غیب هستند، و هر دو غیب و نهانند. و آنها در غیب مقرون و به هم پیوسته‌اند؛ زیرا کرسی بابِ ظاهر از غیبی است که آغاز خلقت‌های جدید است، و همه اشیاء از آن است. و عرش بابِ باطن است که علم کیفیت، وجود، اندازه، حد، کجایی (مکان)، مشیت، صفتِ اراده، علم الفاظ و حرکات و ترک، علم بازگشت و آغاز در آن است. پس آنها در علم دو باب به هم پیوسته‌اند؛ زیرا که ملک عرش غیر از ملک کرسی است و علمش از علم کرسی پنهان‌تر است و از این جهت فرموده است که رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ یعنی صفتش از صفت کرسی بزرگتر است و هر دو در این امر مقرونند. عرض کردم که: فدای تو گردم! پس چرا در فضل همسایه کرسی گردیده؟ فرمود که: عرش همسایه کرسی گردیده؛ زیرا که کیفیت، ظاهر از ابواب بداء (تغییر)، کجا بودن (مکان) آنها، اندازه بستن و گشودن آنها در آن است...

مصدر اصلی: التوحید (للصدوق)، ص ۳۲۱

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۳۰

بحث تفصیلی در مورد جایگاه "عرش" و "گرسی" و سماوات و ارضین و نجوم و کواکب و اجرام آسمانی و ... در کائنات؛ در «نظریه گرسی» بحث می‌شود.

نکته پایانی: قطعاً تقدیرات الهی دارای یک مناسکی است و کارهایی هستند که باعث می‌شوند تقدیرات الهی تغییر پیدا کند و مثلاً باعث دفع بلا یا و امراض، طول عمر، افزایش روزی و برکت، تداوم سلامت و ... شود. این بحث بحثی بسیار مفصل است که در «فقه التقدير» (که - در کنار «فقه النظام» و «فقه الحیات» - یکی از سه مقسم اصلی فقه هدایت است) از آن بحث می‌شود.

پیوست شماره ۴: تاثیر غذای "شب" بر سلامت

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَلِيٍّ الْهَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ: مَا تَقُولُ أَطْبَاؤُكُمْ فِي عَشَاءِ اللَّيْلِ؟ قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ. قَالَ: لِكُنِّي أَمْرُكُمْ بِهِ.

ابو علی لهبی نقل می‌کند: امام صادق (علیه السلام) فرمود: اطباء و پزشکان شما در مورد شام خوردن چه می‌گویند؟ گفتم: آنها از خوردن شام ما را نهی می‌کنند. امام فرمود: ولی ما شما را به خوردن شام امر می‌کنیم.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۲۸۹

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۰، ص ۵۰۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۷ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۳۲

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَصْلُ خَرَابِ الْبَدَنِ تَرْكُ الْعَشَاءِ. امام صادق (علیه السلام): ریشه‌ی ویرانی بدن، ترک خوردن شام است.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۲۸۸

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۲۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۳ / الوافی، ج ۲۰، ص ۵۰۸

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَزْوَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَرْكُ الْعَشَاءِ خَرَابُ الْبَدَنِ.

امام صادق (علیه السلام): ترک کردن غذای شب، خرابی بدن است.

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۱

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۳۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۲

عَنْهُ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أَوَّلُ خَرَابِ الْبَدَنِ تَرْكُ الْعَشَاءِ.

امام باقر (علیه السلام): آغاز خرابی بدن، ترک غذای شب است.

قَالَ وَ رَوَاهُ أَبِي عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ مِثْلَهُ.

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۱

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۳۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۳ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام (شیخ حرّ)، ج ۸، ص ۱۱۹

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: عَشَاءُ الْأَنْبِيَاءِ ع بَعْدَ الْعَتَمَةِ فَلَا تَدْعُوهُ فَإِنَّ تَرْكَ الْعَشَاءِ خَرَابُ الْبَدَنِ.

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

شام خوردن انبیاء در ثلث اول شب است، خوردن شام را فراموش نکنید که ترك آن بدن را فرسوده می‌کند.

مصادر اصلی: الكافي، ج ۶، ص ۲۸۸ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۰

سند محاسن: عَنْهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

تحف العقول، ص ۱۱۰ / الخصال، ج ۲، ص ۶۱۹ / مكارم الأخلاق، ص ۱۹۴

منابع دیگر: الوافي، ج ۲۰، ص ۵۰۸ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۲

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ رَجُلٍ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: طَعَامُ اللَّيْلِ أَنْفَعُ مِنْ طَعَامِ النَّهَارِ.

امام صادق (علیه السلام): غذای شب نافع‌تر از غذای روز است.

مصادر اصلی: الكافي، ج ۶، ص ۲۸۹

منابع دیگر: وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۳۲ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۷ / الوافي، ج ۲۰، ص ۵۱۰

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ ع لَا يَدْعُ الْعِشَاءَ وَ لَوْ بِكَعْكَةٍ وَ كَانَ يَقُولُ ع إِنَّهُ قُوَّةٌ لِلْجِسْمِ.

سليمان بن جعفر نقل می‌کند: امام رضا (علیه السلام) هیچ‌گاه خوردن شام را ترک نکردند ولو به خوردن یک کیک. و همیشه می‌فرمودند: غذای شب قوت و نیروی بدن است.

مصادر اصلی: الكافي، ج ۶، ص ۲۸۸ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۳

سند محاسن: عَنْهُ عَنِ أَبِيهِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۵ / الوافي، ج ۲۰، ص ۵۰۸

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِي سُلَيْمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْجَبَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: مَنْ تَرَكَ الْعِشَاءَ لَيْلَةَ السَّبْتِ وَ لَيْلَةَ الْأَحَدِ مُتَوَالِيَتَيْنِ ذَهَبَتْ عَنْهُ قُوَّتُهُ فَلَمْ تَرْجِعْ إِلَيْهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا.

امام صادق (علیه السلام): هر کس خوردن شام را در شب شنبه و یکشنبه پشت سر هم ترک کند، قوت و توان او از بین می‌رود و تا چهل روز باز نمی‌گردد.

مصادر اصلی: الكافي، ج ۶، ص ۲۸۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۳

عَنْهُ عَنِ أَبِي سُلَيْمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ وَ هُوَ الْجَبَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَوْمًا يَقُولُ

مكارم الأخلاق، ص ۱۹۵

منابع دیگر: الوافي، ج ۲۰، ص ۵۰۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۵ / وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۲۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۶۶

تاکید بر عدم ترک غذای شب در سن پیری:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَرَكَ الْعِشَاءَ مَهْرَمَةً وَ يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ إِذَا أَسَنَّ الْأَلْبَابَ يَبْتَئِ إِلَّا وَ جَوْفُهُ مُمْتَلِئٌ مِنَ الطَّعَامِ.

امام صادق (علیه السلام): ترک کردن غذای شب (شام) پیرکننده انسان است. و سزاوار است که وقتی انسان به سن پیری رسید که شب نخوابد مگر آنکه شکمش پر از غذا باشد.

مصادر اصلی: الكافي، ج ۶، ص ۲۸۸ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۲

سند محاسن: عَنْهُ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

واکسن و طرح جایگزین

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵ (فیه: خَرَابُ الْجَسَدِ، بدل مَهْرَمَةٌ)

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۳۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۴ / الوافی، ج ۲۰، ص ۵۰۸

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ ذَرِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الشَّيْخُ لَا يَدْعُ الْعِشَاءَ وَ لَوْ بِالْقَمَةِ.
امام صادق (علیه السلام): پیر خوردن شام را ترک نکنند؛ ولو به خوردن یک لقمه.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۲۸۹

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۰، ص ۵۰۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۴۶ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۳۳

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع قَالَ: إِذَا اكْتَهَلَ الرَّجُلُ فَلَا يَدْعُ أَنْ يَأْكُلَ بِاللَّيْلِ شَيْئًا فَإِنَّهُ أَهْدَى لِلتَّوَمِ وَأَطْيَبُ لِلتَّكْهَةِ.
امام رضا (علیه السلام): هرگاه شخصی به سن کهولت و پیری رسید، پس غذا خوردن در شب را ترک نکنند؛ چرا که خواب را راحت تر و دهان را خوشبوتر می کند.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۲۸۸ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۲

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ ذَرِيحِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۰، ص ۵۰۸ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۳۳

پیوست شماره ۵: تاثیر "ماهی" بر سلامت

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ نُوحِ بْنِ شَعِيبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا أَكَلَ السَّمَكَ قَالَ: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَ أَبْدِلْنَا بِهِ خَيْرًا مِنْهُ.
امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، چون ماهی می خورد، می گفت: «خداوند! برای ما در این، برکت قرار بده و بهتر از این را برایمان جایگزین ساز».

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۳ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۷۶

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ نُوحِ بْنِ شَعِيبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۱۳ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۷۴ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۰۷

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ مَوْلَى لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: دَعَا بِتَمْرٍ فَأَكَلَهُ ثُمَّ قَالَ: مَا بِي شَهْوَةٌ وَ لَكِنِّي أَكَلْتُ سَمَكًا. ثُمَّ قَالَ: مَنْ بَاتَ وَ فِي جَوْفِهِ سَمَكٌ لَمْ يَتَّبِعْهُ بِتَمْرَاتٍ أَوْ عَسَلٍ لَمْ يَزَلْ عِزُّهُ الْقَالِجُ يَضْرِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يُصْبِحَ.
به نقل از سعید بن جناح، از یکی از وابستگان امام صادق علیه السلام: امام صادق علیه السلام خرمایی طلبید و تناول کرد و سپس فرمود: «اشتهایی نداشتم؛ اما ماهی خورده بودم». سپس فرمود: «هر کس شب، ماهی بخورد و در پی آن، چند دانه خرما یا مقداری عسل نخورد و بخوابد، تا صبح، رگِ فلج در او می جنبد».

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۳ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۷۷

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ نُوحِ بْنِ شَعِيبٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ مَوْلَى لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۱۳ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۷۴ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۰۸

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ الْيَقْطِينِيِّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعِمِائَةَ بَابٍ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاةٍ: ... أَقْلُوا مِنْ أَكْلِ الْحَيْثَانِ فَإِنَّهَا تُذْيِبُ الْبَدَنَ وَ تُكْثِرُ الْبَلْغَمَ وَ تُعَلِّطُ النَّفْسَ ...

امیرالمومنین (علیه السلام) در یک مجلس چهارصد باب از آنچه‌هایی که برای دین و دنیای مسلمان مفید است به اصحابش تعلیم داد: ... کمتر ماهی بخورید؛ چرا که بدن را ذوب می‌کند، بلغم را افزون می‌سازد و نفس را سنگین می‌نماید...

مصادر اصلی: الخصال، ج ۲، ص ۶۳۶ / تحف العقول، ص ۱۲۴

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۳۰ / بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۸۹

مضرات افراط در خوردن گوشت ماهی:

ذوب کردن جسم:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ ابْنِ الْيَسَعِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: لَا تُدْمِنُوا أَكْلَ السَّمَكِ فَإِنَّهُ يُذْيِبُ الْجَسَدَ.

امام علی علیه السلام: به خوردن ماهی، مداومت مکنید؛ زیرا بدن را ذوب می‌کند.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۳

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۷۷ / الوافی، ج ۱۹، ص ۳۱۴

وَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ: إِذَا أَكَلَ السَّمَكِ الطَّرِيَّ يُذْيِبُ اللَّحْمَ وَ كَانَ إِذَا أَكَلَ السَّمَكِ قَالَ اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَ أَبْدِلْ لَنَا بِهِ خَيْرًا مِنْهُ. قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ع وَ أَكَلَ التَّمْرَ بَعْدَهُ يُذْهِبُ أَذَاهُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیوسته خوردن ماهی تازه، گوشت را ذوب می‌کند. و هرگاه ماهی می‌خورند می‌فرمودند: «خداندا! برای ما در این، برکت قرار بده و بهتر از این را برایمان جایگزین ساز».

و امام صادق (علیه السلام) می‌فرمود: خوردن خرما بعد از خوردن ماهی، اذیت و مشکل آن را از بین می‌برد.

مصدر اصلی: دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۱

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۹۰

آب کردن پیه چشم:

سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: السَّمَكُ الطَّرِيُّ يُذْيِبُ شَحْمَ الْعَيْنَيْنِ.

امام کاظم علیه السلام: ماهی تازه، پیه چشمان را ذوب می‌کند.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۴

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۱۵ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۷۵

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَيْسَى رَفَعَهُ قَالَ: السَّمَكُ الطَّرِيُّ يُذْيِبُ شَحْمَ الْعَيْنِ.

[مداومت بر خوردن] ماهی تازه، پیه چشم را ذوب می‌کند.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۳ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۷۶

سند محاسن: عنه (احمد بن محمد بن خالد) عن عُثْمَانَ بْنِ عَيْسَى رَفَعَهُ

وَ (عن احمد بن محمد بن خالد) فِي حَدِيثٍ آخَرَ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: السَّمَكُ الطَّرِيُّ يَذِيبُ بِمُخِ الْعَيْنِ .
امام صادق (علیه السلام): [مداومت بر خوردن] ماهی تازه، مُخ چشم را ذوب می کند.

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۴۷۶

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۰۸

ابتلاء به بیماری سل:

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَكَلُ الْحَيْتَانِ يُورِثُ السَّلَّ .
امام صادق (علیه السلام): خوردن [مداوم] ماهی باعث بیماری سل می شود.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۴۷۶ / مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۷۸ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۷

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: قَالَ عَلِيُّ ع... إِيَّاكُمْ وَ أَكَلُ السَّمَكِ فَإِنَّ السَّمَكَ يَسْلُ الْجِسْمَ .

امام علی علیه السلام: از [مداومت بر] خوردن ماهی، حذر کنید؛ چرا که ماهی، بدن را به سل، گرفتار می سازد.

مصدر اصلی: قرب الإسناد، ص ۱۰۷

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۵۶ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص: ۴۲

برخی از فوائد گوشت ماهی:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ: عَلَيْكُمْ بِالسَّمَكِ فَإِنَّكَ إِنْ أَكَلْتَهُ بَغَيْرِ خُبْرٍ أَجْرَأَكَ وَإِنْ أَكَلْتَهُ بِخُبْرٍ أَمْرَأَكَ .

امام کاظم علیه السلام: بر شما باد ماهی. اگر آن را بدون نان خوردی، بسندهات می کند و اگر با نان خوردی، گوارایت می افتد.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۳ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۷۵

سند محاسن: عَنْهُ عَنِ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۱۴ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۰۷ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۷۴

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى قَالَ: كَتَبَ بَعْضُ أَضْحَابِنَا إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ ع يَشْكُو إِلَيْهِ دَمًا وَ صَفْرَاءً فَقَالَ إِذَا اخْتَجَمْتُ هَاجَتِ الصَّفْرَاءُ وَ إِذَا أَحْرَتْ الْحِجَامَةُ أَضْرَنِي الدَّمُ فَمَا تَرَى فِي ذَلِكَ فَكَتَبَ ع اخْتَجِمْ وَ كُلْ عَلَى أَثْرِ الْحِجَامَةِ سَمَكًا طَرِيًّا كَبَابًا قَالَ فَأَعَدْتُ عَلَيْهِ الْمَسْأَلَةَ بَعَيْنِهَا فَكَتَبَ ع اخْتَجِمْ وَ كُلْ عَلَى أَثْرِ الْحِجَامَةِ سَمَكًا طَرِيًّا كَبَابًا بِمَاءٍ وَ مِلْحٍ قَالَ فَاسْتَعْمَلْتُ ذَلِكَ فَكُنْتُ فِي عَافِيَةٍ وَ صَارَ غَدَايَ .

به نقل از محمد بن یحیی: یکی از شیعیان به امام عسکری (علیه السلام) نامه نوشت و از خون و صفرا به وی اظهار ناراحتی کرد و نوشت: چون حجامت می کنم، صفرا به جوش می آید و چون حجامت را به تأخیر می افکنم، خون، مرا زیان می رساند. چاره را در چه می بینی؟ امام نوشت: «حجامت کن و در پی حجامت، ماهی تازه کباب شده بخور». این پرسش را دیگر بار تکرار کردم. او نوشت: «حجامت کن و در پی حجامت، ماهی تازه کباب شده همراه با آب و نمک بخور». این کار را عیناً انجام دادم و از آن پس، همواره در عافیت بودم و آن، خوراک من شده بود.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۴

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

منابع دیگر: مکارم الأخلاق، ص ۱۶۲ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۷ (کلاهما عن الحمیری) / الوافی، ج ۱۹، ص ۳۱۵ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۷۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۵۷

پیوست شماره ۶: نائیر "نوره" (ترکیب آهک و زرنیخ) بر سلامت

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ مُعْتَبِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الدَّوَاءُ أَرْبَعَةٌ السَّعُوطُ وَ الْحِجَامَةُ وَ الثُّورَةُ وَ الْحُقْنَةُ.

امام صادق (علیه السلام): دواء چهار چیز است: سعوط و حجامت و نوره و حقنه (اماله).

مصدر اصلی: الکافی، ج ۸، ص ۱۹۲

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۶، ص ۵۳۰ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۲۲ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۳۰

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ فِي حَدِيثٍ: وَ الدَّوَاءُ فِي أَرْبَعَةِ الْحِجَامَةِ وَ الثُّورَةِ وَ الْحُقْنَةِ وَ الْقِيءِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): دواء در چهار چیز است: حجامت و نوره و حقنه و قیء.

مصدر اصلی: دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵

منابع دیگر: مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۳۷ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۸۶ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۹۹

الرُّبَيْزِيُّ بْنُ بَكَّارٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ فَضْلِ الرَّسَّانِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: مِنْ دَوَاءِ الْأَنْبِيَاءِ الْحِجَامَةُ وَ الثُّورَةُ وَ السَّعُوطُ.

امام صادق (علیه السلام): از دواهای انبیاء حجامت و نوره و سعوط است.

مصدر اصلی: طب الأئمة عليهم السلام (ابن اسطام)، ص ۵۷

منابع دیگر: مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۸۸

قال اميرالمومنين ع: الثُّورَةُ مَشْدَةٌ لِلْبَدَنِ وَ طَهُورٌ لِلْجَسَدِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): نوره کشیدن باعث استحکام بدن و پاک کننده جسم است.

مصدر: تحف العقول، ص ۱۰۱

الرَّسَالَةُ الذَّهَبِيَّةُ، لِلرِّضَا ع: وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَحْرِقَهُ السُّودَاءُ فَعَلَيْهِ بِكَثْرَةِ الْقِيءِ وَ فَصْدِ الْعُرُوقِ وَ مُدَاوِمَةِ الثُّورَةِ (خ ل: الإطْلَاءُ بِالثُّورَةِ).

امام رضا (علیه السلام): هر کس می خواهد که سوداء او را نسوزاند؛ پس بر او باد به کثرت قیء و فصد رگ ها و مداومت نوره.

نسخه بدل: مَنْ أَرَادَ أَنْ يُحْرِقَ السُّودَاءَ: كَسَى كَهْ مِي خَوَاهِدْ سَوْدَا رَا نَسُوْرَانْد؛ پَس بَرِ اَوْ بَاد بَه ...

مصدر اصلی: طب الإمام الرضا عليه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۴۲

منابع دیگر: مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۸۸ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۲۵ / مکاتیب الأئمة عليهم السلام، ج ۵، ص ۲۳۱

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَقْبَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ ع مَعَ رَجُلٍ عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَنَظَرَ إِلَيْهِ وَ قَدْ أَخَذَ الْحِثَاءَ مِنْ يَدَيْهِ فَقَالَ بَعْضُ أَهْلِ الْمَدِينَةِ أَمَا تَرَوْنَ إِلَى هَذَا كَيْفَ أَخَذَ الْحِثَاءَ مِنْ يَدَيْهِ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُ

فِيهِ مَا تُخْبِرُهُ وَ مَا لَا تُخْبِرُهُ ثُمَّ التَّمَّتْ إِلَيَّ فَقَالَ: إِنَّهُ مَنْ أَخَذَ مِنَ الْحَنَاءِ بَعْدَ فَرَاغِهِ مِنَ اطَّلَاءِ الثُّورَةِ مِنْ قِزْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ أَمِنَ مِنَ الْأَدْوَاءِ الثَّلَاثَةِ الْجُنُونِ وَ الْجَذَامِ وَ الْبُرْصِ.

حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) در کنار قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) همراه یک مردی بودند، به آن مرد نگاه می کردند در حالی که در دستانش حناء زده بود. پس برخی از اهل مدینه گفتند: آیا نمی بینید که این مرد چگونه از دستانش حناء گرفته، و رو به او کردند و آنچه می دانستند و نمی دانستند در مورد او گفتند! سپس حضرت رو به من کردند و فرمودند: هر کس بعد از فراغ از نوره کشیدن از قدم تا گردن خود را حناء بگیرد، از بیماری های سه گانه ایمن می گردد: جنون، جذام و برص (پسی).

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰

منابع دیگر: الوافی، ج ۶، ص ۶۲۸ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۷۵

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: الثُّورَةُ نُشْرَةٌ وَ طَهْوَرُ الْجَسَدِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): نوره باعث ایجاد نشاط و پاکیزگی بدن است.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۵۰۶ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۲

سند ثواب الاعمال: أَبِي رَهِ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع

النَّصَال، ج ۲، ص ۶۱۱ (حدیث اربعماه)

سند خصال: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنِ عَبِيدِ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِي عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع

منابع دیگر: الوافی، ج ۶، ص ۶۱۴ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۸۹ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۶۵

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادٍ عَمَّنْ رَوَاهُ قَالَ: بَعَثَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع ابْنَ أَخِيهِ فِي حَاجَةِ فَجَاءَ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَدْ اطَّلَى بِالثُّورَةِ. فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: اطَّلِ. فَقَالَ: إِنَّمَا عَهْدِي بِالثُّورَةِ مُنْذُ ثَلَاثٍ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: إِنَّ الثُّورَةَ طَهْوَرُ.

امام صادق (علیه السلام) برادر زاده خود را دنبال کاری فرستاده بودند، پس وقتی بازگشت دید که امام صادق (علیه السلام) نوره کشیده اند. پس حضرت به او فرمود: نوره بکش. او گفت: سه روز پیش این کار را انجام داده ام. حضرت فرمود: نوره مایه پاکیزگی بدن است.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۵۰۵

منابع دیگر: الوافی، ج ۶، ص ۶۱۴ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۷۰

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: أَحَبُّ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَطَّلِيَ فِي كُلِّ خَمْسَةِ عَشَرَ يَوْمًا.

امیرالمومنین (علیه السلام): دوست دارم برای مومن که در هر پانزده روز یکبار نوره بکشد.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۵۰۶ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۱۹

منابع دیگر: الوافی، ج ۶، ص ۶۱۵ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۷۱

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْمُنْقَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: السُّنَّةُ فِي الثُّورَةِ فِي كُلِّ خَمْسَةِ عَشَرَ يَوْماً فَإِنَّ أَتَتْ عَلَيْكَ عَشْرُونَ يَوْماً وَ لَيْسَ عِنْدَكَ فَاسْتَقْرِضْ عَلَيَّ اللَّهُ.

امام صادق (علیه السلام): سنت در نوره در هر پانزده روزی یک بار است. پس اگر بیست روز بر او بگذرد و پولی نداری قرض کن بر خدا (و این کار را انجام بده).

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۵۰۶ / من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹ / تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۷۵

سند تهذیب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۷۱ / الوافی، ج ۶، ص ۶۱۶

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِيلَوِيهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا يَطْوُلَنَّ أَحَدُكُمْ شَارِبَهُ وَ لَا عَاتَتَهُ وَ لَا شَعْرَ إِنْطِيهِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَتَّخِذُهَا مَخَابِئَ يَسْتَتِرُ بِهَا.

امام صادق (علیه السلام) از پدر بزرگوارش، از پدران گرامش (علیهم السلام)، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): هیچ یک از شما موی شارب و زهار و زیر بغلش را بلند نکند زیرا شیطان این مواضع را مخفیگاه قرار داده و به وسیله موی آنها خود را مستور می‌نماید.

علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۱۹ / الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۲۹

سند جعفریات: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

النوادر (للراوندي)، ص ۲۴

وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۴۱ / مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۰۵

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَتْرُكُ عَاتَتَهُ فَوْقَ أَرْبَعِينَ يَوْماً وَ لَا يَحِلُّ لِمَرْأَةٍ تُوْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تَدَعَ ذَلِكَ مِنْهَا فَوْقَ عَشْرِينَ يَوْماً.

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد پس (ازاله) موی زهار خود را بیش از چهل روز ترک نکند. و حلال نیست برای زنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد که این کار را بیش از پانزده روز رها کند.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۵۰۶ / من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹

مکارم الأخلاق، ص ۵۹

منابع دیگر: الوافی، ج ۶، ص ۶۱۶ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۳۹

پیوست شماره ۷: تاثیر "نمک" بر سلامت

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع: يَا عَلِيُّ افْتَتِحْ بِالْمِلْحِ فِي طَعَامِكَ وَ اخْتِمِ بِالْمِلْحِ فَإِنَّهُ مَنْ افْتَتَحَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ وَ خَتَمَهُ بِالْمِلْحِ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ أَيْسَرُهَا الْجَذَامُ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمومنین (علیه السلام): ای علی! غذا را با نمک، آغاز کن و با نمک، پایان ده؛ چه، هر کس غذای خویش را با نمک آغاز کند و با نمک پایان دهد، خداوند هفتاد نوع از انواع بلاء - که کمترین آنها جذام است - را از او دفع می کند.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۵

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۱۹ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۳

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيِّ ع: يَا عَلِيُّ افْتَتِحْ طَعَامَكَ بِالْمِلْحِ وَ اخْتِمِ بِالْمِلْحِ فَإِنَّ مَنْ افْتَتَحَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ وَ خَتَمَ بِالْمِلْحِ عُوفِيَ مِنَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ مِنْهُ الْجَذَامُ وَ الْجُنُونُ وَ الْبَرَصُ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمومنین (علیه السلام): ای علی! غذا را با نمک، آغاز کن و با نمک، پایان ده؛ چه، هر کس غذای خویش را با نمک آغاز کند و با نمک پایان دهد، از هفتاد و دو نوع از انواع بلاء که جذام، دیوانگی و پیسی از آن جمله است، به دور باشد.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۱۹ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۳

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع قَالَ: لَا يُخْصَبُ خَوَانٌ لَا مِلْحَ عَلَيْهَا وَ أَصَحُّ لِلْبَدَنِ أَنْ يُبَدَأَ بِهِ فِي أَوَّلِ الطَّعَامِ.

موسی بن جعفر (علیه السلام): سفره ای که نمک در آن نباشد، برکت ندارد. و برای صحت بیشتر بدن غذا را با نمک آغاز کنید.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۱

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۲۰ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۶

حَمِيدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمَيْمُونِيِّ عَنِ سُكَيْنِ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ فَضِيلِ الرَّسَّانِ عَنْ فَرَوَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ ع أَنْ: مُرْ قَوْمَكَ يَفْتَتِحُوا بِالْمِلْحِ وَ يَخْتِمُوا بِهِ وَ إِلَّا فَلَا يَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ.

از امام باقر علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمود: خداوند به موسی وحی فرمود: که به قومت دستور بده هنگام خوردن غذا، اول از نمک شروع کنند و آخر هم به نمک ختم کنند. در غیر این صورت اگر مریض شوند باید خود را ملامت کنند.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۲

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَحْمَدَ الْمُحْسِنِ الْمَيْمُونِيِّ عَنِ مَسْكِينِ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ فَضِيلِ الرَّسَّانِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

منابع دیگر: السنبة في الأحاديث القدسية (کلیات حدیث قدسی)، ص ۱۰۴ / الوافی، ج ۱۹، ص ۳۲۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۶

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ ذَرَّ عَلَى أَوَّلِ لُقْمَةٍ مِنْ طَعَامِهِ الْمِلْحَ ذَهَبَ عَنْهُ بِنَمْسِ الْوُجْهِ.

امام صادق علیه السلام: هر کس بر نخستین لقمه غذای خود، نمک پاشد، کک و مک صورت او از میان می‌رود.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۳

عَنْهُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

مكارم الأخلاق، ص ۱۸۹

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۲۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۴ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۵۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۹

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ) عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ فِي الْمِلْحِ شِفَاءً مِنْ سَبْعِينَ تَوْعَاً مِنْ أَنْوَاعِ الْأَوْجَاعِ ثُمَّ قَالَ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ مَا تَدَاوَوْا إِلَّا بِهِ.

امام صادق (علیه السلام): همانا در نمک شفاء از هفتاد نوع از انواع دردهاست. اگر مردم می دانستند که چه چیزی در نمک است، به غیر از آن خود را مداوا نمی‌کردند.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۰

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۴ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام (شیخ حرّ)، ج ۸، ص ۱۸۵

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: ابْدَأُوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لَأَخْتَارُوهُ عَلَى الدَّرْيَاقِ الْمُجْرَبِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): غذای خود را با نمک آغاز کنید. اگر مردم آنچه را در نمک هست می دانستند، آن را بر تریاق تجربه شده برمی‌گزیدند.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۱

دو سند محاسن: ۱- عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ) عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

۲- رَوَى بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنِ الْأَصَمِّ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۴ / الوافی، ج ۱۹، ص ۳۲۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۶ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۴

حَدِيثِ الْأَرْبَعِمِائَةِ: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدِ الْبَيْهَقِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعِمِائَةَ بَابٍ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ ع: ... ابْدَأُوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لَأَخْتَارَهُ عَلَى التَّرْيَاقِ الْمُجْرَبِ وَ مَنْ ابْتَدَأَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ ذَهَبَ عَنْهُ سَبْعُونَ دَاءً لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ.

امام علی علیه السلام: غذای خود را با نمک آغاز کنید. اگر مردم آنچه را در نمک هست می دانستند، آن را بر تریاق تجربه شده برمی‌گزیدند. هر کس غذای خود را با نمک آغاز کند، هفتاد درد و نیز دیگر دردهایی که فقط خداوند از آنها آگاه است، از او

می‌رود.

مصادر اصلی: الخصال، ج ۲، ص ۶۲۳

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۳۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۱۱ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۷

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ) عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ افْتَتَحَ طَعَامًا بِالْمِلْحِ وَ خَتَمَهُ بِالْمِلْحِ دَفَعَ عَنْهُ سَبْعُونَ دَاءً.

امام صادق (علیه السلام): هر کس غذای خود را با نمک آغاز و با آن ختم کند، هفتاد بیماری از او دفع می شود.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۲

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۵ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۷ / الفصول المهمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص ۵۱

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ) عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ ابْتَدَأَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ ذَهَبَ عَنْهُ سَبْعُونَ دَاءً لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ.

امام صادق (علیه السلام): هر کس غذای خود را با نمک آغاز کند، هفتاد بیماری که کسی غیر از خدا نمی داند از او می رود.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۲

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۷

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ) عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْأَصَمِّ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ عَلِيُّ ع: مَنْ بَدَأَ بِالْمِلْحِ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ دَاءً مَا يَعْلَمُ الْعِبَادُ مَا هُوَ.

امام صادق (علیه السلام) از امیرالمومنین (علیه السلام): هر کس (غذایش را) با نمک آغاز کند، خداوند هفتاد بیماری - که بندگان نمی دانند چیست - را از بین می برد.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۲

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۶ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۷ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص ۵۱

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ) عَنِ أَبِي الْقَاسِمِ وَ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ وَ التَّهْمِيكِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ الْقَنْدِيِّ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ افْتَتَحَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ دَفَعَ عَنْهُ أَوْ رَفَعَ عَنْهُ اثْنَانِ وَ سَبْعُونَ دَاءً.

وَ رَوَاهُ التَّوْفَلِيُّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ رَوَاهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع.

امام صادق (علیه السلام): هر کس غذایش را با نمک آغاز کند هفتاد و دو بیماری از او دفع یا رفع می شود.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۳

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۷

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيِّ ع: يَا عَلِيُّ افْتَتِحْ بِالْمِلْحِ وَ احْتِمِ بِهِ فَإِنَّهُ مَنْ افْتَتَحَ بِالْمِلْحِ وَ خَتَمَ بِهِ عُوفِيَ مِنَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ مِنْهَا الْجُنُونُ وَ الْجَذَامُ وَ الْبَرَصُ.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمومنین (علیه السلام): ای علی! غذایت را با نمک آغاز کن و با آن ختم کن؛ چرا که از هفتاد نوع از انواع بلاء - از جمله جنون و جذام و پیسی - بهبودی می یابد.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۳

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۸

عَنْهُ عَنْ بَعْضِ مَنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ أَنْ ابْدَأُ بِالْمِلْحِ وَ اخْتِمَ بِالْمِلْحِ فَإِنَّ فِي الْمِلْحِ دَوَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً أَهْوَيْهَا الْجُنُونُ وَ الْجُدَامُ وَ الْبَرَصُ وَ وَجَعُ الْحَلْقِ وَ الْأَضْرَاسِ وَ وَجَعُ الْبَطْنِ.

امام صادق (علیه السلام) از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) روایت کرده که حضرت فرمود: خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد: هنگامی که می خواهی غذا بخوری با نمک شروع کن و غذا را با نمک خاتمه بده. زیرا نمک داروی هفتاد بیماری است که کوچکترین آنها جنون، جذام، برص، گلو درد، دندان درد و درد شکم می باشد.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۳

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۶ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۵۲ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۸ / الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی)، ص ۱۴۴

عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: لَا يَجِلُّ مَنَعُ الْمِلْحِ وَ النَّارِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): منع کردن مردم از نمک و آتش حلال نیست.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۵، ص ۳۰۸ / قرب الإسناد، ص ۱۳۷

سند قرب الاسناد: أَبُو الْبَخْتَرِيِّ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۴۴۶ / بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۲۵۳ / الوافی، ج ۱۰، ص ۴۶۸

پیوست شماره ۸: روایاتی در مورد تاثیر گرفتن ناخن و شارب در "ایمنی" بدن از بیماری ها

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ وَ اخْذُ الشَّرَابِ مِنْ جُمُعَةٍ إِلَى جُمُعَةٍ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ.

امام صادق (علیه السلام): کوتاه کردن ناخن و شارب (سیبیل) جمعه به جمعه امان از جذام است.

الخصال، ج ۱، ص ۳۹

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانَ الرَّازِيُّ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الرَّازِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ أَنَامِلِهِ الدَّاءَ وَ أَدْخَلَ فِيهِ الدَّوَاءَ وَ رُوِيَ أَنَّهُ لَا يُصِيبُهُ جُنُونٌ وَ لَا جُدَامٌ وَ لَا بَرَصٌ.

امام صادق (علیه السلام) از پدرش از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس ناخن های خود را در روز جمعه کوتاه کند، خداوند از انگشتانش درد را خارج می کند و دواء را در آن وارد می نماید. و روایت شده که: جنون و جذام و برص (پیسی) به او نمی رسد.

مصدر اصلی: الخصال، ج ۲، ص ۳۹۱

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۲۰ / مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۵

أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَخْرَجَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَنَامِلِهِ الدَّاءَ وَ أَدْخَلَ فِيهَا الدَّوَاءَ.

واکسن و طرح جایگزین

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس ناخن های خود را در روز جمعه کوتاه کند، خداوند از انگشتانش درد را خارج می کند و دواء را در آن وارد می نماید.

مصدر اصلی: ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۳

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۵۶ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۲۰

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى قَالَ: مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ أُنَامِلِهِ دَاءً وَ أَدْخَلَ فِيهَا شِفَاءً.

امام صادق (علیه السلام) از پدرانش از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس ناخن های خود را در روز جمعه کوتاه کند، خداوند دردی را از انگشتانش خارج می کند و دوائی را در آن وارد می نماید.

مصادر اصلی: مکارم الأخلاق، ص ۶۴ / دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۲۴ / النوادر (للراوندي)، ص ۲۳ / جامع الأخبار (للسعيري)، ص ۱۲۲

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۲۲

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ أَفْصَالِهِ دَاءً وَ أَدْخَلَ فِيهِ شِفَاءً.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس ناخن های خود را در روز جمعه کوتاه کند، خداوند دردی را از انگشتانش خارج می کند و شفائی را در آن وارد می نماید.

الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۲۹

أَحْمَدُ بْنُ بَصِيرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا زِيَادُ بْنُ مَرْوَانَ الْعَبْدِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: أَخَذُ الشَّارِبِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ أَمَانًا مِنَ الْجُدَامِ وَ الشَّعْرِ فِي الْأَنْفِ أَمَانًا مِنْهُ أَيْضًا.

امیرالمومنین (علیه السلام): گرفتن ناخن جمعه به جمعه امان از جذام است، و موی داخل بینی هم امان از جذام است.

مصدر اصلی: طب الأئمة عليهم السلام (لانايسطام)، ص ۱۰۶

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۱۳

رُوي عن الصادق ع أَنَّهُ قَالَ: أَخَذُ الشَّارِبِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ أَمَانًا مِنَ الْجُدَامِ.

امام صادق (علیه السلام): شارب گرفتن جمعه به جمعه موجب امان از جذام (خوره) است.

مصدر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۷

منابع دیگر: مکارم الأخلاق، ص ۶۷ / عوالي اللئالي، ج ۴، ص ۱۳

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَمْنَعُ الدَّاءَ الْأَعْظَمَ وَ يُدْرِ الرَّزْقَ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): کوتاه کردن ناخن ها مریضی بزرگ را از شما دور می کند و روزی را فرا می ریزد.

مصادر اصلی: الكافي، ج ۶، ص ۴۹۰ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۳

سند ثواب الاعمال: أَبِي رِه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ

اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

ص ۱۲۲ / جامع الأخبار (للسعيري)،

منابع دیگر: الوافي، ج ۶، ص ۶۷۹ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۳۱ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۶۸

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُؤْمِنُ مِنَ الْجُدَامِ وَ الْبَرَصِ وَ الْعَمَى وَ إِنْ لَمْ تَحْتَجَّ فَحُكَّهَا.

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

امام صادق (علیه السلام): کوتاه کردن ناخن ها در روز جمعه امان از جذام و برص (پیسی) و کوری است. و اگر نیاز نداشتی پس آن را بسای.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۴۹۰ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۳
 سند ثواب الاعمال: وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَمِيرَةَ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
 من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۶ (مرسلا) / الدعوات (للراوندي)، ص ۷۹ (مرسلا) / جامع الأخبار (لشعيري)، ص ۱۲۱ (مرسلا)
 منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۵۵ (نقلا عن من لا يحضر) / بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۳۴۵

عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ وَ اخْذُ الشَّارِبِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ أَمَانٌ مِنَ الْبَرَصِ وَ الْجُنُونِ.
 کوتاه کردن ناخن ها و گرفتن شارب (سبیل) در هر جمعه امان از پیسی و جنون است.

الکافی، ج ۶، ص ۴۹۰
 الوافی، ج ۶، ص ۶۸۱ / وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۵۸
 مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
 اللَّهُ ع: خُذْ مِنْ شَارِبِكَ وَ أَظْفَارِكَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ فَحُكِّهَا لَا يُصِيبُكَ جُنُونٌ وَ لَا جُدَامٌ وَ لَا بَرَصٌ.
 امام صادق (علیه السلام): مقداری از شارب و ناخن های خود را در هر جمعه بگیر. پس اگر چیزی از آن نمانده بود پس مقداری از آن را بسای که جنون و جذام و پیسی به تو نرسد.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۴۹۰
 منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۵۷ / الوافی، ج ۶، ص ۶۸۱

پیوست شماره ۹: روایاتی در مورد "امان" بودن اهل بیت (علیهم السلام) برای اهل زمین

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ [حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ الْفَقِيهَ الْمَرْوَزِيَّ بِمَرْوَرِدٍ فِي دَارِهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
 التَّيْسَابُورِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ بْنِ سُلَيْمَانَ الطَّائِيَّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي فِي سَنَةِ سِتِّينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ
 حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاعِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَ تِسْعِينَ وَ مِائَةً وَ حَدَّثَنَا أَبُو مُصَوِّرٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَكْرِ الْخُورِيِّ بَنِيْسَابُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا
 أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بْنَ هَارُونَ بْنِ مُحَمَّدِ الْخُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الْفَقِيهَ الْخُورِيِّ بَنِيْسَابُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ
 عَبْدِ اللَّهِ الْهَرَوِيُّ الشَّيْبَانِيُّ عَنِ الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى ع وَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ الْأَشْنَانِيِّ الرَّازِيُّ الْعَدْلُ بِبَلْخِ قَالَ
 حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَهْرَوِيهِ الْقَزْوِينِيُّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْفَرَّاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَاعِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ
 قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ
 قَالَتْ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ ع: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: النُّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي.

امام رضا (علیه السلام) از پدرانش ... از حضرت فاطمه (سلام الله علیها) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت کند که فرمود:
 ستارگان امان اهل آسمان و اهل بیتم امان امت می باشند.

مصادر اصلی: عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷ / کمال الدین (شیخ صدوق)، ج ۱، ص ۲۰۵
 سند کمال الدین: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْحَافِظُ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْجَعْدِ أَبُو بَكْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ صَالِحٍ قَالَ حَدَّثَنَا
 عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى عَنْ مُوسَى بْنِ عُبَيْدَةَ عَنْ إِيَّاسِ بْنِ سَلَمَةَ عَنْ أَبِيهِ يَرْفَعُهُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ

الأمالی (للطوسی)، ص ٢٥٩

سند امالی طوسی: أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بَرِيْعٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ صَبِيْحٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَبَّابُ بْنُ قِسْطَاسٍ، عَنْ مُوسَى بْنِ عُيَيْدَةَ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِيَاشُ بْنُ سَلْمَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْجَمِيرِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ دَاوُدَ عَنْ فَضِيلِ الرَّسَّانِ قَالَ: كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَخْبَرَنَا مَا فَضَّلَكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ فَكَتَبَ إِلَيْهِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: إِنَّ الْكَوَاكِبَ جُعِلَتْ فِي السَّمَاءِ أَمَانًا لِأَهْلِ السَّمَاءِ فَإِذَا ذَهَبَتْ نُجُومُ السَّمَاءِ جَاءَ أَهْلُ السَّمَاءِ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ. وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: **جُعِلَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانًا لِأُمَّتِي** فَإِذَا ذَهَبَ أَهْلُ بَيْتِي جَاءَ أُمَّتِي مَا كَانُوا يُوعَدُونَ.

محمد بن ابراهيم به امام صادق (عليه السلام) نوشت: ما را از فضليت خودتان اهل البيت آگاه كنيد. و امام صادق (عليه السلام) چنين پاسخ دادند: ستارگان آسمان امان اهل آسمان قرار داده شده است و آنگاه كه ستارگان آسمان بروند، بر اهل آسمانها آنچه وعده شده است برسد. و رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرمود: **اهل بيت من امان ائمتم مي باشند و آنگاه كه اهل بيتم بروند، بر ائمتم آنچه وعده شده است برسد.**

مصدر اصلي: كمال الدين (شيخ صدوق)، ج ١، ص ٢٠٥

منابع ديگر: بحار الأنوار، ج ٢٧، ص ٣٠٩ / إثبات الهداة (شيخ حر)، ج ٢، ص ٦٧

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ السَّرِيِّ بْنِ سَهْلٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبَّاسُ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ هَارُونَ بْنِ عَنَتْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: **النُّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ** فَإِذَا ذَهَبَتِ النُّجُومُ ذَهَبَ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ **أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ** فَإِذَا ذَهَبَ أَهْلُ بَيْتِي ذَهَبَ أَهْلُ الْأَرْضِ.

اميرالمومنين عليه السلام از رسول خدا (صلى الله عليه و آله و سلم): **ستارگان امان اهل آسمانند و چون ستارگان بروند اهل آسمان** نیز خواهند رفت، و **اهل بيتم امان اهل زمينند و چون اهل بيتم بروند اهل زمين نیز خواهند رفت.**

مصادر اصلي: كمال الدين (صدوق)، ج ١، ص ٢٠٥ / الأمالی (للطوسی)، ص ٣٧٩

سند امالی طوسی: أَخْبَرَنَا الْحَفَّازُ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا أَخِي دَعْبَلُ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَفْصُ بْنُ غِيَاثٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَابِرِ وَ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ وَ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالُوا: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

نهج الحق و كشف الصدق (علامه حلي)، ص ٢٢٩ (نقلا عن مُسْتَدْرِ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ)

منابع اهل سنت: فضائل الصحابة (احمدابن حنبل)، ج ٢، ص ٦٧١، ح ١١٤٥ (عن عنتره عن الإمام علي عليه السلام) / كنز العمال، ج ١٢، ص ٩٦، ح

٣٤١٥٥

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْبَرْقَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاضِي أَبُو إِسْمَاعِيلَ جَعْفَرُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْبَلْخِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا شَقِيقُ الْبَلْخِيِّ عَنْ سِمَاكِ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْعَبْدِيِّ عَنْ سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ: **أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ**. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَلَيْتُمَا بَعْدَكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ؟ قَالَ:

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

نَعَمْ الْأَيْمَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ تَسَعَةً مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أَمْنَاءٌ مَعْصُومُونَ وَمِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ إِلَّا إِيَّاهُمْ أَهْلُ بَيْتِي وَعِزَّتِي مِنْ لَحْمِي وَ دَمِي مَا بَالُ أَقْوَامٍ يُؤْذُونَنِي فِيهِمْ لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): اهل بیت من امان برای اهل زمین اند همانطور که ستارگان امان برای اهل آسمان. گفته شد: ای رسول خدا! پس ائمه بعد از شما از اهل بیت شما هستند؟ فرمود: بله؛ ائمه بعد از من دوازده نفر هستند، که نه عدد از آها از نسل صلب حسین (علیه السلام) هستند، آنها امین و معصوم هستند، و مهدی این امت از ماست. آگاه باشید که آنها اهل بیت و عترت و خاندان من هستند، از گوشت و خون من اند. حال آن کسانی که در مورد آنها مرا اذیت خواهند کرد چه خواهد بود؟! خدا شفاعت مرا به آنها نمی رساند.

مصدر اصلی: کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر (خزازی)، ص ۲۹

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۹۱

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِي [الشييباني] رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ الصَّفْرِ الْعَبْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مَعَاوِيَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مَهْرَانَ الْأَعْمَشِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: نَحْنُ أَيْمَةُ الْمُسْلِمِينَ وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ سَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ مَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ وَ نَحْنُ أَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ الثُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِنَا يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَ بِنَا يُنْزِلُ الْغَيْثَ، وَ بِنَا يُشْئِرُ الرَّحْمَةَ وَ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ وَ لَوْلَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا...

امام زین العابدین (علیه السلام): ما، امامان مسلمانان و حجت های خداوند بر جهانیان و سروران مؤمنان و جلودار سپیدرویان دست و پا سفید و سالار مؤمنان هستیم. ما موجب امنیت زمینیانیم، چنان که ستارگان سبب امان آسمانیان اند. ما میم که خداوند به سبب ما آسمان را نگاه داشته تا مبادا- جز به اذن او- بر زمین فرو افتد و با ما زمین را حفظ کرده تا زمین، اهل خود را نلرزاند و به سبب ما باران را فرو می فرستد و رحمت را در پرتو وجود ما می پراکند و برکت های زمین بیرون می آید. اگر کسی از ما در زمین نمی بود، اهل خود را فرو می کشید...

مصادر اصلی: الامالی (صدوق)، ص ۱۸۶ / کمال الدین (صدوق)، ج ۱، ص ۲۰۷ / روضة الواعظین (فتال نیشابوری)، ج ۱، ص ۱۹۹ / مناقب آل ابي

طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۴، ص ۱۶۸ / الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسي)، ج ۲، ص ۳۱۷

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۵

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ خَالِدِ عَنِ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ نَابِتِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع يَا عَلِيُّ أَنَا مَدِينَةُ الْحِكْمَةِ وَأَنْتَ بَابُهَا وَ لَنْ تُؤْتِيَ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ قِبَلِ الْبَابِ وَ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُجِيبُنِي وَ يُبَغِّضُكَ لِأَنَّكَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي وَ دَمُكَ مِنْ دَمِي وَ رُوحُكَ مِنْ رُوحِي وَ سَرِيرَتُكَ سَرِيرَتِي وَ عَلَانِيَتُكَ عَلَانِيَتِي وَ أَنْتَ إِسَامُ أُمَّتِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهَا بَعْدِي سَعِدٌ مِنْ أَطَاعِكَ وَ شَقِيٌّ مِنْ عَصَاكَ وَ رِيحٌ مِنْ تَوْلَاكَ وَ حَسِرٌ مَنْ عَادَاكَ وَ فَارٌ مَنْ لَزِمَكَ وَ هَلَاكٌ مَنْ فَارَكَكَ مَثَلُكَ وَ مَثَلُ

الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ بَعْدِي مِثْلَ سَفِينَةِ نُوحٍ مِنْ رَكْبِهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَ مِثْلُكُمْ مِثْلُ الثُّجُومِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

ابن عباس گوید رسول خدا (ص) بعلی بن ابی طالب علیه السلام فرمود ای علی من شهر دانشم و تو در آنی و هرگز در شهر وارد نشوند جز از در آن دروغ گفته کسی که گمان برد مرا دوست دارد و تو را دشمن داشته باشد، زیرا من از توام و تو از من گوشتت از گوشت منست و خونت از خون منست و روحت از روح من، پنهانت پنهان منست و آشکارت آشکار من تو امام امت من و خلیفه من هستی بر آنها بعد از من، سعادت مند است کسی که تو را اطاعت کند و بدبخت است کسی که تو را گناه ورزد سود برد کسی که ولایت تو را دارد و زیانمند است کسی که تو را دشمن دارد فائز است کسی که ملازم تو باشد و هلاک است کسی که از تو جدا شود مثل تو و مثل امامان از فرزندان مثل کشتی نوح است هر کس بر آن سوار شود نجات یابد و هر کس تخلف کند غرق شود و مثل شما مثل ستاره گانست هر آنگاه که ستاره ای نماند شود ستاره دیگر برآید تا روز قیامت.

مصادر اصلی: الأمامی (للسدوق)، ص ۲۶۹ / کمال الدین (صدوق)، ج ۱، ص ۲۴۱

منابع دیگر: جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۴ / بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۱۲۶

وَ يَأْتِيهِ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ مَعْمَرِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع ... عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ... مِثْلُهُمْ [أَهْلِي بَيْتِي] فِي أُمَّتِي كَمِثْلِ نُجُومِ السَّمَاءِ، كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ، إِنَّهُمْ أَيْمَةٌ هُدَاةٌ مَهْدِيُونَ، لَا يَضُرُّهُمْ كَيْدٌ مَنْ كَادَهُمْ، وَلَا خِذْلَانٌ مَنْ خَدَّلَهُمْ، بَلْ يَضُرُّ اللَّهُ بِذَلِكَ مَنْ كَادَهُمْ وَخَدَّلَهُمْ، هُمْ حُجَجُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَشُهَدَاؤُهُ عَلَى خَلْقِهِ، مَنْ أَطَاعَهُمْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاهُمْ عَصَى اللَّهَ. هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَهُمْ، لَا يُفَارِقُهُمْ وَلَا يُفَارِقُونَهُ حَتَّى يَرِدُوا عَلَيَّ حَوْضِي. وَأَوَّلُ الْأَيْمَةِ أَخِي عَلِيُّ خَيْرُهُمْ، ثُمَّ ابْنِي حَسَنٌ، ثُمَّ ابْنِي حُسَيْنٌ، ثُمَّ تَسَعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ

امیرالمومنین (علیه السلام) از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): مِثْلُ اِيْشَانِ (اهل بيت من) در میان امتم، همچون ستارگان سپهر است که هر گاه یکی از آنها ناپدید شود، دیگری پیدا آید. آنها امامانی رهنما و ره یافته اند. نه کینه کسی که بدیشان کینه ورزد و نه ترک یاری کسانی که از یاری ایشان دریغ ورزند، به آنها زیان نمی رساند؛ بلکه خداوند به کسانی که کینه آنها را در دل دارند و از یاری کردن ایشان دریغ می ورزند، زیان می رساند. آنها حجت های خدا بر زمین و گواهان اویند بر خلقش. هر کس از آنها فرمان برد، از خدا فرمان برده است و هر که از ایشان سر پیچد، از خدا سر پیچیده است. آنها با قرآن اند و قرآن با آنهاست. نه قرآن از آنها جدایی می پذیرد و نه آنان از قرآن جدایی می پذیرند، تا آن که در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. نخستین امام، برادر من علی است که بهترین آنهاست، سپس فرزندان حسن و پس از او فرزندان حسین و در پی ایشان، نه تن از فرزندان حسین.

مصدر اصلی: الغيبة (للعنماني)، ص ۸۴

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۷۸

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي الْمَعْرَاءِ حُمَيْدِ بْنِ الْمُثَنَّى الْعِجْلِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ خَيْثَمَةَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: نَحْنُ

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

جَنَّبُ اللَّهُ وَ نَحْنُ صَفْوَتُهُ وَ نَحْنُ حَوْزَتُهُ وَ نَحْنُ مُسْتَوْدَعُ مَوَارِيثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ نَحْنُ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ وَ نَحْنُ أَرْكَانُ الْإِيمَانِ وَ نَحْنُ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ وَ نَحْنُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ نَحْنُ مَنْ بِنَا يُفْتَحُ وَ بِنَا يُخْتَمُ وَ نَحْنُ أَيْمَةُ الْهُدَى وَ نَحْنُ مَصَائِيحُ الدُّجَى وَ نَحْنُ مَنَارُ الْهُدَى وَ نَحْنُ السَّابِقُونَ وَ نَحْنُ الْآخِرُونَ وَ نَحْنُ الْعَلَمُ الْمَرْفُوعُ لِلْخَلْقِ مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لَحِقَ وَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنَّا عَرِقَ وَ نَحْنُ قَادَةُ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ نَحْنُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ نَحْنُ الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ وَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ نَحْنُ مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى خَلْقِهِ وَ نَحْنُ الْمُنْهَاجُ وَ نَحْنُ مَعْدِنُ الثُّبُوتِ وَ نَحْنُ مَوْضِعُ الرِّسَالَةِ وَ نَحْنُ الَّذِينَ إِلَيْنَا تَخْتَلِفُ الْمَلَائِكَةُ وَ نَحْنُ السِّرَاجُ لِمَنْ اسْتَضَاءَ بِنَا وَ نَحْنُ السَّبِيلُ لِمَنْ افْتَدَى بِنَا وَ نَحْنُ الْهُدَاهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ نَحْنُ عُرَى الْإِسْلَامِ وَ نَحْنُ الْجُسُورُ وَ الْفَنَاطِرُ مَنْ مَضَى عَلَيْهَا لَمْ يُسْبِقْ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا مُحِقَّ وَ نَحْنُ السَّنَامُ الْأَعْظَمُ وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُنْزَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الرَّحْمَةَ وَ بِنَا يُسْقَوْنَ الْعَيْتُ وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُصْرَفُ عَنْكُمْ الْعَذَابُ فَمَنْ عَرَفَنَا وَ أَبْصَرَنَا وَ عَرَفَ حَقَّنَا وَ أَخَذَ بِأَمْرِنَا فَهُوَ مِنَّا وَ إِلَيْنَا.

امام پنجم میفرمود ما نزدیکان خدائیم، ما برگزیدگان خدائیم، ما انتخاب شدگان خدائیم، ما ودیعه نگاهداران موارث پیغمبرانیم، ما امانت داران خدای عز و جل هستیم ما حجت‌های خدائیم، ما پایه‌های ایمان هستیم ما ستون‌های اسلامیم ما رحمت خدائیم بر- خلقش ما کسانی هستیم که بما آغاز شد و بما پایان شده و ما پیشوایان هدایت هستیم و ما چراغ‌های تاریکی هستیم و ما روشنی بخش هدایتیم، ما سبقت جویان سبقت گیرانیم و ما پایان جهانیم ما پرچمی هستیم که برای خلق بلند شده است. هر کس بما تمسک جوید نجات یابد و بمقصد رسد و هر کس از ما عقب ماند غرق شده ما پیشروان غر محجلین هستیم، ما طریق روشن و صراط مستقیم بخدای عز و جل هستیم، ما نعمت خدائیم بر خلق او، ما راه خدائیم، ما معدن نبوتیم، ما موضع رسالتیم، ما نیمی که فرشتگان نزد ما رفت و آمد میکردند، ما چراغ آنانیم که از پرتو آن استفاده برند و راه حقیق برای کسانی که از ما پیروی کنند، ما هادیان بهشتیم و ما حلقه‌های اسلامیم و ما پلها و قنطره‌هایی که هر کس بر آن گذرد بر او پیشدستی نشود و هر کس از آن تخلف ورزد نابود شود. ما سنام اعظمیم، ما نیمی که خدای عز و جل بخاطر ما رحمت فرو فرستند و بخاطر ما بیاران سیراب شوند، و ما نیمی آنان که به واسطه ما از شما عذاب بگردد هر که ما را بشناسد و بما بصیرت داشته باشد و حق ما را بشناسد و دستور ما را بگیرد او از ماست و با ما است .

مصادر اصلی: کمال الدین (صدوق)، ج ۱، ص ۲۰۶ / الأما لی (للطوسی)، ص ۶۵۴

سند / مالی طوسی: أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الْعَلَوِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ، عَنْ أَبِي الْمُغْرَاءِ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ حَيْثَمَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ الْبَاقِرَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج ۱، ص ۶۳

سند بصائر: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَامِرٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي الْمُغْرَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ حَيْثَمَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ

إرشاد القلوب (للديلمي)، ج ۲، ص ۴۱۸

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَمْرٍو الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي الطَّفَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع: اَكْتُبْ مَا أَمَلِي

عَلَيْكَ . قَالَ : يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَتَخَافُ عَلَيَّ التَّسْيَانَ ؟ فَقَالَ : لَسْتُ أَخَافُ عَلَيْكَ التَّسْيَانَ وَ قَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ لَكَ أَنْ يُحَفِّظَكَ وَ لَا يُنْسِيكَ وَ لَكِنْ أَكْتُبُ لِشُرَكَائِكَ . قَالَ : قُلْتُ : وَ مَنْ شُرَكَائِي يَا نَبِيَّ اللَّهِ ؟ قَالَ : الْأَيِّمَةُ مِنْ وُلْدِكَ ؛ بِهِمْ تُسْقَى أُمَّتِي الْغَيْثُ وَ بِهِمْ يُسْتَجَابُ دُعَاؤُهُمْ وَ بِهِمْ يَصْرِفُ اللَّهُ عَنْهُمْ الْبَلَاءَ وَ بِهِمْ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ مِنَ السَّمَاءِ - وَ هَذَا أَوَّلُهُمْ (وَ أَوَّلُهَا بِيَدِهِ إِلَى الْحَسَنِ ع) ثُمَّ أَوَّلُهَا بِيَدِهِ إِلَى الْحُسَيْنِ ع ثُمَّ قَالَ ع الْأَيِّمَةُ مِنْ وُلْدِهِ .

امام باقر (عليه السلام): رسول خدا (صلى الله عليه و آله) به اميرالمؤمنين (عليه السلام) فرمود: آنچه من بر تو املاء کنم بنويس . گفت: اى پيغمبر خدا آيا ميترسيد فراموش کنم؟ فرمود: من بر تو از فراموشى نمى ترسم، با اينکه از خدا خواستم تو را حافظه دهد و از نسيان نگهدارد، ولى بنويس براى شريکان خود. گويد: عرضکردم: شرکاء من کيانند يا نبى الله؟ فرمود: ائمه فرزندان تو که بخاطر آنها اتمم از باران سيراب شوند و بخاطر آنها دعایشان مستجاب شود و خدا از آنها بدى و بلا را بگرداند و بدیشان رحمت فرو بارد، اين (اشاره به حسن (عليه السلام) فرمود) اول آنها است، سپس اشاره به حسين (عليه السلام) کرد و فرمود امامان از اولاد اويند.

مصادر اصلى: كمال الدين (صدوق)، ج ١، ص ٢٠٧ / الأمايلى (للصدوق)، ص ٤٠١ / علل الشرائع، ج ١، ص ٢٠٨ / الأمايلى (للطوسى)، ص ٤٤١
سند امالى طوسى: وَ بِالْإِسْنَادِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ، عَنْ [مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ، عَنْ آبَائِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)]، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج ١، ص ١٦٧

سند بصائر: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَلَالٍ عَنْ أُمَيَّةَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع

بشارة المصطفى لشيعته المرتضى (عمادالدين طبرى آملی)، ج ٢، ص ٧٩

سند بشاره المصطفى: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْإِمَامُ الرَّئِيسُ الرَّاهِدُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوئِهِ رَحِمَهُ اللَّهُ بِقَرَأَتِي عَلَيْهِ بِالرَّيِّ سَنَةَ عَشْرَةَ وَ خَمْسِمِائَةَ قَالَ: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ السَّعِيدُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِيُّ رَحِمَهُمُ اللَّهُ إِمْلَاءً بِمَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي جُمَادَى الْآخِرَةِ سَنَةَ خَمْسٍ وَ خَمْسِينَ وَ أَرْبَعِمِائَةٍ قَالَ: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْمُفِيدُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الثُّعْمَانَ الْحَارِثِيُّ رَحِمَهُمُ اللَّهُ قَالَ: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ السَّعِيدُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوئِهِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْبَاقِرِ عَنِ آبَائِهِ

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ الدَّقَاقِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيِّ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِيُّ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِيِّ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ وَ أَبُو الْحُسَيْنِ الْأَسَدِيُّ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْمَكِّيُّ الْبَرْمَكِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ قَالَ: قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع عَلَّمَنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلًا أَقُولُهُ بَلِيغًا كَامِلًا إِذَا زُرْتُ وَاحِدًا مِنْكُمْ فَقَالَ: ... قُلْ: مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ. مَوَالِي! لَا أَحْصِي تَاءَكُمْ وَ لَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَ مِنَ الْوَصْفِ

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

قَدْرَكُمْ وَ أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَ هُدَاةُ الْأَبْرَارِ وَ حُجَّجُ الْجَبَّارِ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتَمُ وَ بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ ...

امام هادی علیه السلام - در زیارت جامعه که امامان علیهم السلام را با آن زیارت می‌کنند: ... هر کس خدا را اراده کند از شما آغاز می‌کند، و هر کس خدا را به توحید یاد کند از شما قبول می‌کند، و هر کس قصد خدا کند متوجه شما می‌گردد. ای سرورانم! من نمی‌توانم ستایش شما را شماره کنم و به کُنه مدح شما برسم و به توصیف منزلت شما دست یابم. شما نور برگزیدگان و هدایتگر نیکان و حجت‌های خداوند جبار هستید که خداوند، با شما هر کاری را آغاز می‌کند و با شما پایان هر کاری را مقرر می‌نماید و در پرتو وجود شما باران را فرو می‌ریزد و با شما آسمان را نگاه می‌دارد تا فرو نیفتد، مگر به اذن او ...

مصادر اصلی: عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۶ / من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵

سند من لا یحضر: زوی مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ النَّخَعِيِّ قَالَ

تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۹۹

سند تهذیب: زوی مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ الْكَاتِبِ قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ النَّخَعِيِّ

المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص ۵۳۲

سند المزار: أَخْبَرَنِي الشَّيْخَانِ الْأَجَلَانِ الْعَالِمَانِ الْفَقِيهَانِ أَبُو مُحَمَّدٍ عَرَبِيٌّ مِنْ مُسَافِرِ الْعِبَادِي وَ هِبَةُ اللَّهِ بْنُ نَمَا بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قِرَاءَةً عَلَيْهِمَا فِي شَهْرِ رَيْبَعِ الْأَوَّلِ مِنْ سَنَةِ ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ وَ خَمْسِمِائَةٍ، قَالَا جَمِيعًا: أَخْبَرَنَا الشَّيْخَانِ الْجَلِيلَانِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ طَحَالِ الْمَقْدَادِيِّ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْإِيَّاسُ بْنُ هِشَامِ الْحَائِرِيِّ، قَالَا جَمِيعًا: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ الطُّوسِيِّ عَنْ أَبِيهِ الشَّيْخِ السَّعِيدِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ، عَنْ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ، عَنْ الشَّيْخِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى وَ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ الْكَاتِبِ، قَالَا: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ

البلد الأمين (كفعمی)، ص ۳۰۲

منابع دیگر: الوافي، ج ۱۴، ص ۱۵۷۲ (نقلا عن التهذيب) / زاد المعاد (محمدباقر مجلسی)، ص ۳۰۰ / بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۵۴ / مستدرک

الوسائل، ج ۱۰، ص ۴۲۳

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَانَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّيَّاحِيُّ عَنْ أَبِي الصَّامِتِ الْحُلَوَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: ... فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص بَابُ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ وَ سَبِيلُهُ الَّذِي مَنْ سَلَكَهُ وَصَلَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَذَلِكَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع مِنْ بَعْدِهِ وَ جَرَى لِلْأَيْمَةِ ع وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ جَعَلَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَ عُمَدَ الْإِسْلَامِ وَ رَابِطَةً عَلَى سَبِيلِ هُدَاةٍ لَا يَهْتَدِي هَادٍ إِلَّا بِهُدَاهُمْ وَ لَا يَضِلُّ خَارِجٌ مِنَ الْهُدَى إِلَّا بِتَقْصِيرٍ عَنْ حَقِّهِمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى مَا أَهْبَطَ مِنْ عِلْمٍ أَوْ عُذْرٍ أَوْ نُذْرٍ - وَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ يَجْرِي لِأَجْرِهِمْ مِنَ اللَّهِ مِثْلَ الَّذِي جَرَى لِأَوْلِيهِمْ وَ لَا يَصِلُ أَحَدٌ إِلَى ذَلِكَ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ.

واکسن و طرح جایگزین

امام باقر علیه السلام: ... همانا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله باب [معرفت] خداست که جز از آن در نمی‌آیند و راه اوست که هر کس آن را ببیند، به خداوند عز و جل می‌رسد. امیر مؤمنان علیه السلام نیز پس از او چنین است و همین طور است هر امام در پی دیگری. خداوند عز و جل آنها را ارکان زمین قرار داده تا [زمین،] اهلش را نلرزاند و نیز بنیان‌های اسلام و مرزداران راه هدایت او، قرار داده است. هیچ کس جز به هدایت آنها ره نمی‌یابد و بیرون رونده از هدایتی گمراه نمی‌شود، مگر با کوتاهی کردن در حق ایشان. آنها معتمدان خدایند در علم و حجت‌ها و هشدارهایی که فرو فرستاده است و دلیلی رسانند برای زمینیان که برای آخرین آنها از سوی خدا همان جاری است که برای نخستین ایشان جاری بوده و هیچ کس جز به یاری خدا به این حد نمی‌رسد.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸

منابع دیگر: الوافی، ج ۳، ص ۵۱۵

قال امیرالمومنین ع: إِنَّمَا الْأَيْمَةُ قُوَامُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ عُرْفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ أَنْكَرُوهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَصَّكُمْ بِالْإِسْلَامِ وَ اسْتَخْلَصَكُمْ لَهُ وَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ اسْمٌ سَلَامَةٌ وَ جَمَاعٌ كَرَامَةٌ اصْطَفَى اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُجَةً وَ بَيَّنَّ حُجَجَهُ مِنْ ظَاهِرِ عِلْمٍ وَ بَاطِنِ حُكْمٍ لَا تَفْنَى عَرَائِئُهُ وَ لَا تَقْضِي عَجَائِئُهُ فِيهِ مَرَايِعُ النِّعَمِ وَ مَصَابِيحُ الظُّلَمِ لَا تُفْتَحُ الْخَيْرَاتُ إِلَّا بِمَفَاتِيحِهِ وَ لَا تُكْشَفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِمَصَابِيحِهِ قَدْ أَحْمَى حِمَاهُ وَ أَرْعَى مَرْعَاهُ فِيهِ شِفَاءٌ [المُشْتَفِي] الْمُشْتَفِي وَ كَفَايَةٌ الْمُكْتَفِي.

امیرالمومنین (علیه السلام): امامان از اهل بیت از جانب خداوند تدبیر کننده امور مردم، و مراقبان حق بر بندگانشانند. به بهشت وارد نمی‌شود مگر کسی که آنان را بشناسد و آنان هم او را بشناسند. و به جهنم وارد نمی‌گردد مگر کسی که آنان را انکار نماید و آنان هم او را از خود ندانند. خداوند شما را به اسلام مخصوص داشت، و برای اسلام انتخاب کرد، زیرا اسلام نامی از سلامت و جامع کرامت است. خداوند راه روشن خود را برای شما برگزید، و دلایلی را از علمی که ظاهر است، و حکمتی که پنهان است بیان فرمود. شگفتی‌هایش پایان نیابد، و عجایبش سپری نگردد. در آن کشتزار نعمتها، و چراغهای تاریکی‌هاست. درهای خیرات جز با کلیدهای آن گشوده نشود، و تاریکی‌ها جز با چراغهای آن زدوده نگردد. ورود به قرقگاه آن را منع فرمود، و ورود به چراگاههای آن را آزاد کرد. شفای درمان طلب، و بی‌نیازی بی‌نیازی خواهد در آن است. (ترجمه انصاریان)

مصادر اصلی: نهج البلاغة، ص ۲۱۳ (خطبه ۱۵۲) / أعلام الدین (دیلمی)، ص ۶۴

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۳۹

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ع وَ هُوَ يَقُولُ: نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ بَيْتِ النُّعْمَةِ وَ بَيْتِ الْبَرَكَاتِ وَ نَحْنُ فِي الْأَرْضِ بُنْيَانٌ وَ شَيْعَتُنَا عَرَى الْإِسْلَامِ.

امام صادق علیه السلام: ما اهل بیت رحمت، و خانه نعمت و خانه برکت و ما بنیان زمین هستیم و شیعیان ما دستگیره‌های اسلام‌اند.

مصدر اصلی: تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۴۳

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۳۵

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پزشکان، پژوهشگران و فعالان طب اسلامی / ۱۵ تیرماه ۱۴۰۰ / مسجد مقدس جمکران پلاک ۳۱۳

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَأَوْلَادِي وَعِترَتِي مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَانِي وَمَنْ أَنْكَرَهُمْ أَوْ أَنْكَرُوا وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي، بِهِمْ يُمَسِّكُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در توصیف امامان فرزندان علی علیه السلام - آنها خلفا، اوصیا، فرزندان و خاندان من اند ... خداوند عز و جل با آنها، آسمان را نگاه داشته، تا جز به اذن او بر زمین فرو نیفتد و خداوند، با آنها زمین را از این که اهلش را بلرزاند، حفظ کرده است.

مصادر اصلی: کمال الدین (شیخ صدوق)، ج ۱، ص ۲۵۹ / الإحتجاج (للطبرسی)، ج ۱، ص ۶۹

سند / احتجاج: وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

كفاية الأثر (للخزاز رازی)، ص ۱۴۴

سند كفاية الأثر: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْمُتَوَكَّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ التَّوْفَلِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ ع جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ص قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص

منابع دیگر: قصص الأنبياء (للاراوندي)، ص ۳۶۸ / كشف الغمة (للاريلي)، ج ۲، ص ۵۱۱ / إعلام الوری (طبرسی)، ص ۳۹۹ / إثبات الهداة (شیخ

خُرَعَامَلِي)، ج ۲، ص ۷۷

روایاتی از منابع اهل سنت:

عنه صلى الله عليه و آله: التُّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، فَإِذَا ذَهَبَ أَهْلُ بَيْتِي جَاءَ أَهْلَ الْأَرْضِ مِنَ الْآيَاتِ مَا كَانُوا يُوْعَدُونَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ستارگان، [موجب] امان آسمانیان اند و اهل بیت من، [موجب] امان زمینیان اند و هر گاه اهل بیت من بروند [و زمین از وجود آنها خالی بماند]، زمینیان، نشانه‌هایی [از قیامت] را که وعده داده شده‌اند، می‌بینند.

ینابیع المودة، ج ۱، ص ۷۱، ح ۲ (نقلا عن أنس) / المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۸۶، ح ۳۷۶ (نقلا عن جابر)

رسول الله صلى الله عليه و آله: التُّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْغَرَقِ، وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْإِخْتِلَافِ، فَإِذَا خَالَفَتْهَا قَبِيلَةٌ مِنَ الْعَرَبِ، اخْتَلَفُوا فَصَارُوا حِزْبَ إبْلِيسَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ستارگان، موجب امنیت ساکنان زمین از غرق شدن هستند و اهل بیت من، موجب ایمنی امت من از اختلاف هستند. پس هر گاه قبیله‌ای از عرب با آنها به مخالفت برخاستند و امت اختلاف یافتند، دیگر حزب شیطان گشته‌اند.

المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۲، ح ۴۷۱۵ (نقلا عن ابن عباس)

کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۰۲، ح ۳۴۱۸۹


الإمام علي عليه السلام: نَحْنُ بَيْتُ التُّبُوَّةِ، وَمَعْدِنُ الْحِكْمَةِ، أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، وَ نَجَاةٌ لِمَنْ طَلَبَ.

امام علی علیه السلام: ما خانه نبوت و معدن حکمت و امان اهل زمین و نجات برای کسی که آن را طلب کند.

تاریخ الطبري، ج ۴، ص ۲۳۶ / تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۲۹ / شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۱، ص ۱۹۵

در مثال‌هایی که زدم مثلاً بحث کفش الگوی ایمنی از طریق پوشش است (که در برخی از الیاف هم همینطور است)، یک سری الگوهای ایمنی از طریق چشم است، یک سری الگوهای ایمنی از طریق پوست است و از راه پوست عمل می‌کند، یک سری الگوهای ایمنی از طریق محیط اطراف است، یک سری از الگوهای ایمنی بهداشتی هستند؛ مثل ناخن و سیبل (شارب) گرفتن. پس راه ایجاد ایمنی محدود به واکسن زدن نیست؛ شما باید به بنده بگویید که کدام الگوی ایمنی یا کدام واکسن را می‌خواهید، تا من راه تاثیرگذاری اش را از بدن برای شما بحث کنم. این معنا ندارد که ما تاکید کنیم حتماً باید از روش تزریق استفاده شود! مثلاً در همین بیماری "زکام" یا "کرونا" یکی از چیزهایی که ایمنی ایجاد می‌کند، "داروی امام کاظم (علیه‌السلام)" است که آن را با یک روش و در یک زمان خاص در دهان خود می‌ریزید که تزریقی نیست. خوب؛ وقتی ما می‌توانیم از این روش‌ها برای افزایش ایمنی استفاده کنیم، لاقلاً این است که دوستان انصاف بدهند و بگویند: تزریق یک روش است، و اینها هم یک روش دیگر. بنده قبلاً هم به آقایان عرض کرده‌ام که هر کدام از اینها را بخواهید ما روی آن کارآزمایی بالینی انجام می‌دهیم. برویم تجربه کنیم و ببینیم که اثر می‌کند یا نه، اطلاعاتش را ثبت کنیم، و روی آنها گفتگو کنیم.

* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه nro-di.blog.ir 

کانال "الگو ۴" در پیام‌رسان ایتا [@olgou4](https://t.me/olgou4) 